گلن جانسون

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن



پیش گفتار از
فدریکو مایور، مدیرکل یونسکو

ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده



نشرنی

اعلامیەی جهانی حقوق بشر

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

و

تاریخچه‌ی آن

نوشته‌ی گلن جانسون

پیش‌گفتار از فدریکو مایور، مدیرکل یونسکو

ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده



نشر نی

جانسون، گلن   Johnson, Glen

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن / نوشته‌ی گلن جانسون؛ پیش‌گفتار از فدریکو مایور، مدیرکل یونسکو؛ ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده. ــ تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.

۱۸۴ ص.: مصور، نمونه.

ISBN 964-312-400-2

عنوان اصلی: La déclaration universelle des droits de l'homme

کتابنامه: ص. ۱۷۰ــ۱۸۰.

چاپ دوم: ۱۳۷۷

۱. حقوق بشر ـ تاریخ ۲. سازمان ملل متحد. ۳. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر الف. پوینده، محمدجعفر، ۱۳۷۷_۱۳۳۳ مترجم. ب. عنوان.

۶ الف ۲ ج / ۲ / ۳۲۲۰ K

۱۳۷۷

نقاشی روی جلد کتاب را نقاش نام‌دار اسپانیایی ـ فرانسوی خوان میرو در سال ۱۹۷۶ به مناسبت پشتیبانی از پیکار یونسکو در راه دفاع از حقوق بشر ترسیم کرده است.





نشر نی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوی آشتیانی، شمارهٔ ۲۴

صندوق پستی ۵۵۶ ــ ۱۳۱۴۵، نشر نی   تلفن ۵ و ۶۴۱۳۴۴۳

گلن جانسون   Glen Johnson

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و تاریخچه‌ی آن

La déclaration universelle des droits de l'homme

ترجمه‌ی محمدجعفر پوینده

• چاپ دوم ۱۳۷۷ تهران • تعداد ۳۳۰۰ نسخه • لیتوگرافی غزال • چاپ غزال

شابک ۲ـ۴۰۰ـ۳۱۲ـ۹۶۴   ISBN 964-312-400-2

فهرست

پیش‌گفتار ۹

بخش اول

دوران پس از جنگ جهانی
و تدوین بیانیه‌ی اخلاقی انسان سازمان‌یافته (۱۹۲۵ـ۱۹۲۸) ۱۱
۱ـ مأموریت سازمان ملل برای حقوق بشر ۱۵
۲ـ نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۶ـ۱۹۲۸) ۲۴
۳ـ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۸۸
۴ـ وضعیت حقوقی و اخلاقی «اعلامیه‌ی جهانی» ۱۲۷

بخش دوم

کتاب‌شناسی برگزیده ۱۵۹

عقاید و اندیشه‌های بیان‌شده در این اثر متعلق به نویسندگان‌شان هستند و الزاماً نظریات یونسکو را منعکس نمی‌سازند.

نویسنده‌ی تاریخچه‌ی نگارش «اعلامیه‌ی جهانی»، آقای گلن جانسون، استاد علوم سیاسی در ایالات متحد آمریکا است.

پیش‌گفتار

«اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» از متن‌های راهنما و روشن‌گر در تاریخ بشر است. پیکار خستگی‌ناپذیر برای دفاع از حیثیت و کرامت انسان و برضد تمام بیدادگری‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با حد و مرزهایی مانند قراردادها، مجموعه‌های قوانین، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها مشخص شده که نشانه‌ی پیروزی‌های اذهان هستند و در وجدان بشر و قوانین مکتوب یا مرسوم نقش بسته‌اند. هدف کتاب حاضر آن است که به مناسبت چهلمین سال‌گرد اعلامیه‌ی ۱۹۴۸، پیشرفت‌ها و کج‌روی‌های مختلف در تاریخچه‌ی زنده‌ی پیکار برای حقوق بشر را عرضه کند.

این کتاب از یادآوری گذرا و همراه با چند استناد تاریخی تا تشریح سیر تدوینِ متنی با گستره‌ی جهانی، از پیامدها و بازتاب‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فلسفی این متن تا فعالیت مشخص یونسکو برای ترویج جهانی آن، از تصویرها تا متن‌ها، از برخورد دیدگاه‌های متفاوت تا امید هم‌سویه‌ی جوانان و بزرگسالان را دربرمی‌گیرد و امید می‌رود که از این رهگذر اطلاعات دقیقی عرضه و ژرف‌اندیشی را تشویق کند و خوانندگان را برانگیزاند که با تمام توان کوشش‌های گذشته را همواره تداوم و ارتقا بخشند.

تأکید مداوم بر حیثیت و کرامت انسان باید همواره حاضر و زنده باشد؛ الزاماتِ اخلاقی و سیاسی به تناسب دگرگونی‌های دنیا تحول می‌یابند؛ به همین سبب امرِ حقوق بشر درعین حال نوعی آرمان و راهبرد است.

نه فقط همواره باید از این حقوق در برابر انواع تجاوزات دفاع کرد و رویارویِ خطرهایی که در کمین آن‌ها است به تحکیم‌شان پرداخت، بلکه همیشه باید به این حقوق عمق و گسترش بخشید تا چشم‌اندازهای پیوسته گسترده‌تری به روی آزادی و

خلاقیت فردی گشوده شود و پایه‌های همواره استوارتری برای عدالت، تفاهم و همبستگی بین‌المللی ایجاد گردد.

آموزش حقوق بشر درگرو کوششی بی‌وقفه است که از نسلی به نسل دیگر همواره از نو آغاز می‌گردد. این گفته بدان معنا نیست که چنین آموزشی کاری سیزیف‌وار است. درست برعکس، تاریخ دهه‌های اخیر به روشنی نشان می‌دهد که بذر حقوق بشر در هر خاکی که کاشته شود، اگر از محافظت و تغذیه‌ی مناسب بهره‌مند گردد، سرانجام با غلبه بر بادهای مخالف جوانه می‌زند.

اندیشه‌های آزادی‌بخش، راه خویش را در ذهن آدمیان ـ با پشت سرگذاردن هر مانعی که با آن روبه‌رو شوند ـ به آهستگی اما به استواری می‌گشایند.

فدریکو مایور
مدیرکل یونسکو

بخش اول

دوران پس از جنگ جهانی
و تدوین بیانیه‌ی اخلاقیِ انسان سازمان‌یافته
(۱۹۴۵ـ۱۹۴۸)

جنگ جهانی اخیر در اساس جنگ حقوق بشر بوده که طرفداران یک آموزه‌ی نژادپرستانه‌ی هولناک آن را به خلق‌ها تحمیل کردمانند جنگی که با توحش روش‌مندِ بی‌همتایی همزمان بر ضد بشر و جامعه‌ی انسانی صورت گرفته است.

رنه کاسن

۱

مأموریت سازمان ملل برای حقوق بشر

پس از جنگ جهانی دوم، قدرت‌های متفق اصلی دست به کارِ فراهم‌آوردن مبانیِ یک سازمان بزرگ بین‌المللی شدند که وظیفه‌اش حفظ صلح و کمک به حمایت از حقوق اساسی بشر باشد. آن‌ها در درجه‌ی اول بایست حفظ صلح و امنیت را محورِ تلاش‌های‌شان قرار دهند تا ــ بنا به عباراتِ خودِ منشور ملل متحد ــ «نسل‌هایِ آینده را از آفت جنگ در امان بدارند.»

دل‌مشغولیِ «متفقین» در مورد حقوق بشر، «فرعی» و حتی «حاشیه‌ای»، اما در هرحال «واقعی» بود؛ هدف‌های اعلام‌شده‌ی متفقین در طول جنگ، در بیشتر موارد با استناد به حقوق بشر بیان شده بودند. به‌ویژه ایالات متحد آمریکا به رهبریِ رئیس‌جمهور روزولت مصمم بود که حقوق اساسی بشر در منشور ملل متحد گنجانده شود. پیش از آن که این فرایند به نتیجه برسد، ایالات متحد در میانه‌ی دو نیرو گرفتار آمده بود: از یک سو دو متحد این کشور یعنی انگلیس و شوروی که در مورد مسأله‌ی حمایت بین‌المللی از حقوق بشر شتاب کم‌تری داشتند، و از سویِ دیگر، نمایندگان دولت‌های کوچک و مشاوران آن‌ها از سازمان‌های غیرحکومتی (ONG)* که برعکس به آمریکا فشار می‌آوردند که در این مورد، مسئولیتی

* از آن‌جا که بسیاری از سازمان‌های غیرحکومتی، به ویژه در کشورهای جنوب، وابستگی کمابیش زیادی به دولت‌های‌شان دارند، به‌جای عبارت رایج «سازمان‌های غیردولتی»، برگردان ←

مشخص‌تر، روشن‌تر و دقیق‌تر را عهده‌دار شود.

از همان آغاز کار برای تدوین منشورِ یک سازمان جدید بین‌المللی، سازمان‌هایِ غیرحکومتیِ آمریکایی وزارت امور خارجه را تشویق می‌کردند که به مسألهٔ حقوق بشر توجه جدّی داشته باشد. اعضای «گروه برنامه‌ریزی» این وزارت‌خانه غالباً در جلسات مشورتیِ گروه‌هایی مانند «انجمن حقوق آمریکایی» (Americain Law Institute) و کمیسیون مسئول بررسی سازمان صلح شرکت می‌کردند.[۱]

از سوی دیگر شخصیت‌های مهمی ـ مانند سناتور آرتور. ه. واندنبرگ (ر. میچ) رئیس جناح جمهوری‌خواهان در کمیته‌ی روابط خارجی ـ همواره به حکومتِ ایالات متحد هشدار می‌دادند که در سیاست‌های اجرایی از وسوسه‌ی زیاده‌روی در زمینه‌ی حقوق بشر در امان بماند، زیرا تفاوت‌های فرهنگی ممکن بود با گذشتِ زمان اهمیتی فزاینده بیابند.[۲] برای حکومتی که به شکست رئیس جمهور ویلسون در جلب نظرِ موافقِ مجلس سنای آمریکا برای تصویب پیمان جامعه‌ی ملل آگاهیِ روشن داشت، دیدگاه واندنبرگ درخور توجه جدّی بود.

در آغاز «گروه آمریکایی برنامه‌ریزی» درنظر داشت که یک اعلامیه‌ی بین‌المللیِ حقوق را در متن منشور یک سازمان جدید بین‌المللی بگنجاند یا این اعلامیه را به صورت «پیوست» به منشور بیفزاید.

نخستین گروه‌های برنامه‌ریزی نسخه‌ای از اعلامیه‌ی حقوق را نوشتند که بنا به سنت رایج در ایالات متحد، بر حقوق مدنی و سیاسی تأکید می‌ورزید، اما به

←

سازمان‌های غیرحکومتی» انتخاب شده تا خلط مبحث پیش نیاید. البته مترجم دولت را به معنای مجموعه‌ی نظام حاکم درنظر می‌گیرد که حکومت بخشی از آن است و بسیاری از نهادهای غیرحکومتی را نیز شامل می‌شود ـ م.

۱. گزارش مختصر و مفید این فعالیت در منبع زیر آمده است:

Alice McDiarmid, «The Charter and the Promotion of Human Rights», *US Department of State Bulletin*, February 10, 1946, pp. 210–212.

2. L.K. Hyde Jr, *The United States and the United Nations: Promoting the Public Welfare – Examples of American Cooperation, 1945-1955*, New York: Manhattan Publishing Co. for the Carnegie Endowment for International Peace, 1960, pp. 38, 159.

مسأله‌ی حقوق اقتصادی و تدابیر اجرایی چندان توجهی نشده بود. در پی مباحثات، دشواری‌هایی که در مورد مسائل مربوط به ماهیت یا زبان اعلامیه بروز کردند، در کنار ضرورت عاجلی که بر تمام کار نگارش منشور سایه انداخته بود، سرانجام مسئولان آمریکایی را به پذیرش این اندیشه واداشتند که اعلامیه‌ی صوری حقوق، به‌جای همراهی با منشور، باید در پی تصویب آن صادر شود، تا حدی به همان ترتیب که «منشور حقوق شهروندان آمریکایی» در پی تصویب قانون اساسی آمریکا صادر شده بود (این نکته را خودِ وزیر امور خارجه‌ی آمریکا گوش‌زد کرده بود)[3]. آنان نتیجه گرفتند که فقط باید اشاره‌ای مختصر به حقوق بشر در منشور گنجانده شود.

این دیدگاهِ ملاحظه‌کارانه و محتاطانه مخالفت‌هایی را نیز در میان نمایندگان اتحاد شوروی و انگلستان برانگیخت. در حالی که این دو کشور پیشنهادهای مشترک‌شان را در دامبارتون اوکس تنظیم می‌کردند، هیأت نمایندگی ایالات متحد این پیشنهاد را به تصویب رساند که در منشور اشاره‌ای به پیشبرد و تشویق حقوق بشر به‌مثابه وسیله‌ی تأمین‌کننده‌ی ثبات و آسایش ضروری برای تضمین مناسبات دوستانه و صلح‌آمیز میان ملت‌ها گنجانده شود.[4]

پیش از آن که «پیشنهادهای دامبارتون اوکس» در کنفرانس سان‌فرانسیسکو درباره‌ی سازمان بین‌المللی در ماه مه ۱۹۴۵ بررسی شوند، ایالات متحد به‌خوبی می‌دانست که دولت‌های دیگر و سازمان‌های غیرحکومتی در مورد سازمانی که قصد ایجادش را داشتند مجموعه‌ای از ترجیحات نسبتاً متفاوت را مطرح می‌کردند و به‌ویژه بر مسائل اقتصادی و اجتماعی به‌طور عام و بر حقوق بشر به‌طور خاص

---

3. «Report to the President on the Results of the San Francisco Conference, by the Chairman of the United States Delegation, the Secretary of State, June 26, 1945» dans: United States, Senate, Committee on Foreign Relations, *Hearings on the Charter of the United Nations*, Washington: US Government Printing Office, 1945, p. 108.

۴. خلاصه‌ای از این مسائل در پژوهش مهم زیر درباره‌ی نقش ایالات متحد آمریکا در تدوین منشور ملل متحد آمده است:

Ruth B. Russel, *A History of the United Nations Charter: The Role of the United States 1940–1945*, Washington : Brookings Institution, 1958, pp. 323-329, 423-424.

تأکید بسیار بیشتری می‌ورزیدند.

این اختلاف دیدگاه‌ها در کنفرانس دولت‌های آمریکایی در شاپولتپک (مکزیکو) در فوریه ـ مارس ۱۹۴۵ به روشنی آشکار شدند. در این کنفرانس ایالات متحد دریافت که کشورهای آمریکای لاتین تأکید می‌ورزند که حقوق بشر از تقدمی بسیار قوی‌تر برخوردار گردد و «شورای اقتصادی و اجتماعی» که بایستی در درون سازمانِ ملل به‌وجود آید (و رسیدگی به حقوق بشر در درجه‌ی اوّل وظیفه‌ی همین نهاد است) به صورت یکی از نهادهای اصلی ملل متحد درنظر گرفته شود.[۵]

در کنفرانس سان‌فرانسیسکو، مشاوران سازمان‌های غیرحکومتی با کسانی هم‌صدا گشتند که می‌خواستند تعهدات مربوط به حقوق بشر که در منشور مللِ متحد گنجانده شده‌اند، روشن‌تر، مشخص‌تر و گسترده‌تر باشند. وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، ادوارد استتینیوس که رئیس کنفرانس سان‌فرانسیسکو نیز بود، از کارآیی سازمان‌های غیرحکومتی در مورد مسائل مربوط به حقوق بشر ستایش کرد.[۶] این سازمان‌ها با پافشاری توانستند قدرت‌های دعوت‌گرِ کنفرانس (ایالات متحد، انگلستان، اتحاد شوروی و چین) را متقاعد کنند که مجموعه‌ای از اصلاحات را به پیشنهادهای مشترک‌شان در دامبارتون اوکس بیفزایند (این اصلاحات بالابردنِ جایگاه «شورای اقتصادی واجتماعی» و برجسته‌ساختنِ تعهد برای پیشبرد و تشویقِ حقوق بشر را ممکن می‌ساختند).

چندین کشورِ آمریکای لاتینی نیز پیشنهاد کردند که در «منشور» بر مواد و

---

5. Ruth B. Russel, *op. cit.*, pp. 568-569.

۶ نگاه کنید به: «Report to the President...», *op. cit.* p. 105. استتینیوس به ویژه می‌گوید: «در کنفرانس سان‌فرانسیسکو گروه مشاوران آمریکایی که نمایندگی ۴۲ سازمان و گروه بسیار مهم و فعال در عرصه‌ی روابط بین‌المللی را برعهده داشتند، در طول مذاکرات هیچ‌گاه به اندازه‌ی بحث درباره‌ی ضرورت بهره‌مندی تمام خلق‌ها از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توجه نشان ندادند. آنان پیوست‌های مربوط به تعریف اهداف را با شور و شوق بسیار تأیید کردند. به‌علاوه پافشاری ورزیدند که در خود منشور، نیز ساختکارهای مناسبی برای پی‌گیری این هدف‌ها تعیین شود. یکی از پیامدهای مستقیم مباحثات میان هیأت نمایندگی ایالات متحد و مشاوران» پیش‌گفته، پیشنهاد این هیأت برای اصلاح منشور، به نحوی بود که کمیسیونی در مورد حقوق بشر در آن پیش‌بینی شده باشد. البته سایر قدرت‌های دعوت‌گرِ این کنفرانس نیز از چنین پیشنهادی پشتیبانی کردند.

مقررات مربوط به حقوق بشر تأکید بیشتری بشود. کوشش‌های این کشورها تا حدی ترجیحاتی را نشان می‌دادند که در کنفرانس بین آمریکایی شاپولتپک (مکزیکو) در فوریه و مارس ۱۹۴۵ مطرح شده بودند. این کنفرانس خواستار آن شده بود که «کمیته‌ی حقوقی بین آمریکایی» اعلامیه‌ی حقوق و وظایف بین‌المللی بشر را تدوین کند. شیلی و کوبا هردو کوشیدند که همین وظیفه برعهده‌ی کنفرانس سان‌فرانسیسکو گذاشته شود؛ پاناما پافشاری ورزید تا «اعلامیه‌ی حقوق اساسی بشر» ــ که پیش‌نویسی از آن را کمیته‌ای چندملیتی با حمایت «مؤسسه‌ی حقوق آمریکایی (American Law Institute) تدوین کرده بود ــ در «منشور» گنجانده یا پیوست آن شود. هیچ‌یک از این پیشنهادها تأیید نشد، اما مسائلی که آن‌ها طرح کردند دوباره به هنگام نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد بحث قرار گرفتند.[7]

حاصل تمام این کوشش‌ها آن بود که در منشور ملل متحد دست‌کم در هفت مورد به حقوق بشر استناد شده است و هنگامی که کمیسیون حقوق بشر عهده‌دارِ تدوین اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق شد، این کار را بر مبنای همین موارد انجام داد. در دیباچه‌ی «منشور» بر عزم «مردمان ملل متحد... به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش شخص انسان...» تأکید شده است. یکی از «دستاوردهای مهم کنفرانس سان فرانسیسکو گنجاندن بند سوم ماده‌ی یک در هدف‌های ملل متحد بود:

«تحقق همکاری بین‌المللی... از رهگذر گسترش و تشویقِ رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی.»

زبانی مشابه اما تا حدی با انعطاف و منطبق با اوضاع گوناگون، در تشریح وظایف واختیارات «مجمع عمومی» (ماده‌ی ۱۳)، «شورای اقتصادی و اجتماعی»

---

7. James Frederic Green, *The United Nations and Human Rights*. Washington: Brookings Institution, 1956, p. 15.

اعلامیه‌ای که کنفرانس شاپولتپک (مکزیکو) خواستار تهیه‌ی آن شده بود، پیش از به پایان رسیدن کار کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نگاشته شد و در تدوین نهایی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نقش مهمی داشت.

(ماده‌ی ۶۲) و نظام قیمومت بین‌المللی (ماده‌ی ۷۶) دیده می‌شود. در ماده‌های ۵۵ و ۵۶ آمده است که اعضای سازمان متعهد می‌شوند که با همکاری یکدیگر، از جمله برای پیشبرد «رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی» تلاش ورزند. و در نکته‌ای که احتمالاً مهم‌ترین اصلاح تصویب‌شده در سانفرانسیسکو است ـ اصلاحی که تا حدِ زیادی با پافشاری سازمان‌های غیرحکومتی آمریکای شمالی صورت گرفته و در ماده‌ی ۶۸ آمده ـ مقرر گشته که «شورای اقتصادی و اجتماعی» ـ در مقام یکی از نهادهای اصلی سازمان ملل متحد ـ «کمیسیون‌هایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر تأسیس می‌کند.»[8]

درباره‌ی ترتیبات و مقررات «منشور» در مورد حقوق بشر، ذکر دو نکته‌ی مهم ضروری است. نخست آن که کلماتِ «ترویج» و «تقویت» حقوق بشر، عامدانه و به‌طور منظم بیشتر از کلمات «حمایت» و «تضمین» به‌کار رفته‌اند. در آغاز درنظر بود که زبانی را به‌کار برند که با اجبارهای بیشتری همراه باشد ـ به‌ویژه پاناما بر کاربردِ زبانی قاطع‌تر سخت تأکید می‌ورزید ـ ولی سپس این فکر را کنار گذاشتند، زیرا چنین اجبارهایی ممکن بود به صورت تعهداتی که ضمانت اجرایی قانونی دارند، تفسیر شوند.[9] این مسأله به هنگام نگارش «اعلامیه‌ی جهانی» نیز دوباره مطرح می‌شود. دوم آن که محدودیت‌هایی که حوزه‌های قضایی کشورهای مختلف بر اقتدار قانونی ملل متحد تحمیل می‌کردند، از همان آغاز با مسأله‌ی حقوق بشر پیوستگی داشتند. گروه آمریکایی درتلاش برای پاسخ‌گویی به ایرادهای شوروی‌ها و انگلیسی‌ها نسبت به پیشنهادهای طرح‌شده در دامبارتون اوکس، مصالحه‌ی زیر را تدوین و پیشنهاد کرده بود:

«سازمان بین‌المللی باید از دخالت در امور داخلی کشورها خودداری ورزد، زیرا هر دولتی مسئولیت دارد که داوری کند آیا اوضاع حاکم در درونِ حوزه‌ی قضایی‌اش، امنیت و صلح بین‌المللی را به‌خطر می‌افکند یا نمی‌افکند، و نیز برای تأمین این امنیت و صلح باید حقوق بشر و آزادی‌هایِ

---

8. J.F. Green, *op. cit.* (7), pp. 15-23.

9. Ruth B. Russel, *op. cit* (4), pp. 780-781.

اساسی تمام مردمان کشور خود را رعایت نماید و مطابق با اصول بشریت و عدالت حکومت کند.»[10]

اگرچه پیوند مستقیم موجود میان حقوق بشر و مواد مربوط به «صلاحیت ملی» در متن نهایی «منشور» نیامده و محدودیت عام‌تر صلاحیت ملی در بند ۷ ماده‌ی ۲ به تصویب رسیده، این پیوند به هنگام نگارش «اعلامیه‌ی جهانی» باز نمودار شده است.

در بند ۷ ماده‌ی ۲ منشور سازمان ملل متحد آمده است:

«هیچ‌یک از مقررات این منشور ملل متحد را مجاز نمی‌شمرد که در اموری که ذاتاً در حوزهٔ صلاحیت ملی هر دولتی است دخالت کند و اعضا را نیز ملزم نمی‌سازد که چنین اموری را تابع مقررات این منشور کند؛ اما این اصل به اجرای اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم به هیچ‌وجه لطمه نمی‌رساند.»

---

10. Ruth B. Russel, *ibid.*, p. 433.

همچنین نگاه کنید به تحلیل انتقادی او در صفحات ۲۲۲، ۲۶۳ و ۲۶۴ همین کتاب.

منشور سازمان ملل متحد

ما، مردمان ملل متحد با تصمیم

به در امان داشتنِ نسل‌های آینده از آفت جنگ که در مدت عمر یک انسان دوبار رنج‌هایِ توصیف‌ناپذیری را به نوع بشر تحمیل کرده،

به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر، حیثیت و کرامت و ارزش شخص انسان، برابری حقوق مردان و زنان و نیز ملت‌ها اعم از بزرگ و کوچک،

به ایجاد اوضاع لازم برای حفظ عدالت و رعایت تعهدات ناشی از عهدنامه‌ها و دیگر منابع حقوق بین‌المللی،

به هموار ساختن راه پیشرفت اجتماعی و برقراری بهترین اوضاع زندگی در آزادیِ فزاینده،

و برای دست‌یابی به این هدف‌ها، با تصمیم به

عملی‌ساختن دگرپذیری، زیستن در حال صلح با یکدیگر و با روحیه‌ی حسن همجواری، به متحدساختن قوای خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی،

به پذیرش اصول و ایجاد روش‌هایی که به کار نبردن نیروی سلاح‌ها را جز در مورد منافع مشترک، تضمین کند،

روی آوردن به نهادهای بین‌المللی برای کمک به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تمام ملت‌ها،

برآن شده‌ایم تا برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی کنیم

در نتیجه دولت‌های متبوع ما، توسط نمایندگان‌شان که در شهر سان‌فرانسیسکو گرد آمده‌اند و از اختیارات کاملی که صحت و اعتبارشان به رسمیت شناخته شده برخوردار هستند، این منشور ملل متحد را تصویب کرده‌اند و بدین‌وسیله سازمانی بین‌المللی را تأسیس می‌کنند که ملل متحد نام می‌گیرد.

فصل اول
هدف‌ها و اصول
ماده‌ی ۱

هدف‌های سازمان ملل عبارت‌اند از:

۱. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور: با وسایل مسالمت‌آمیز و برطبقِ اصول عدالت و حقوق بین‌المللی، انجام اقدامات جمعی کارساز برای پیش‌گیری از تهدیدها بر ضد صلح و برطرف ساختن این تهدیدها و جلوگیری از هرگونه عملِ تجاوزکارانه یا سایر اقدامات برهم‌زننده‌ی صلح، و فراهم آوردن موجبات تعدیل یا تصفیه‌ی اختلافات یا وضعیت‌هایی بین‌المللی‌که ممکن‌است به برهم‌زدن صلح بینجامند؛

۲. گسترش روابط دوستانه در میان ملت‌ها بر مبنای احترام به اصل برابری حقوق ملت‌ها و برخورداری آن‌ها از حق تعیین سرنوشت، و انجام سایر اقدامات ضروری برایِ تحکیم صلح جهانی؛

۳. تحقق همکاری بین‌المللی با حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فکری یا بشردوستانه، از رهگذر گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برایِ همگان، فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا دینی.

۴. بودن مرکزی برای هماهنگی کوشش‌های ملت‌ها در راه تحقق این هدف‌های مشترک.

آخرین
متن‌های «اعلامیه»
سردر رواق حقوق بشر هستند.
آن‌ها پیوندهای میان فرد و جامعه را
نشان می‌دهند، بر ضرورت نظم اجتماعی و
بین‌المللی مناسب برای رعایت حقوق تأکید می‌ورزند،
تضمین‌ها یا امیدهای تضمین را عرضه می‌دارند، اما محدودیت‌هایی
را نیز برای انسان تعیین می‌کنند که نمی‌تواند آن‌ها را زیرپا بگذارد. انسان دربرابر
جامعه وظایف عامی دارد. انسان نمی‌تواند حقوق خود را بر ضد حقوق دیگری تأمین کند. او
نمی‌تواند آن‌ها را برضد نظم مناسب جامعه‌ای دمکراتیک تأمین نماید. همچنین نمی‌تواند آن‌ها را
بر ضد هدف‌ها و اصول ملل متحد تأمین کند. ماده‌ی ۲۹ یکی از استوانه‌های «اعلامیه‌ی جهانی» است.

ستون حقوق شخصی، از جمله حق حیات، آزادی و امنیت فردی

ستون مناسبات میان انسان و دیگران، گروه خانوادگی و دیگر گروه‌بندی‌هایی که در آن‌ها زندگی می‌کند، مکان‌ها و اشیا. انسان ازدواج می‌کند، خانواده، کاشانه و اقامتگاهی دارد. عضو یک شهر و یک میهن است و بر دنیای بیرونی سلطه‌ی فزاینده می‌یابد.

ستون توانایی‌های معنوی آزادی‌های عمومی و حقوق سیاسی اساسی، از آزادی اندیشه، اعتقاد، آزادی گفتار، بیان، اجتماعات و گردهمایی تا این اصل حاکم بر تمام حقوق سیاسی که اراده‌ی مردم را اساس اقتدار هر حکومتی می‌داند.

ستون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که امروزه قرینه‌ی ستون حق حیات مادی و آزادی‌های قضایی است: از جمله حق کار، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، زندگی فرهنگی و حمایت از آفرینش فکری.

پی‌های بنای حقوق بشر عبارت اند از: اصول عظیم آزادی، برابری، برادری، و رفع انواع تبعیض‌ها

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

۲

نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

(۱۹۴۸_۱۹۴۶)

از ژوئن ۱۹۴۶ تا دسامبر ۱۹۴۸، در چارچوب سازمانِ جدیدِ ملل متحد، گروهی کوچک از مردان و زنان کم‌نظیر دست به کار نگارش سندی شدند که از آن پس به یکی از سنگِ محک‌های اصلی پیکار برای حقوق بشر بدل شده است. این مردان و زنان در جریان نشست‌های برگزارشده در نیویورک، ژنو و سرانجام پاریس درباره‌ی فلسفه، حقوق، راهبردهای سیاسی و تفاوت‌های فرهنگی به مباحثه پرداختند. مسائل مربوط به تاکتیک و زبان را بررسی کردند و در راه دست‌یابی به هدف‌هایِ بزرگ‌تر و مهم‌تر به سازش‌هایی رسیدند. آنان هنگامی پاداش کوشش‌های خود را گرفتند که در ۱۰ دسامبر، در واپسین ساعات شب، مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را بی‌هیچ رأی مخالفی تصویب کرد.

آنچه در پی می‌آید سرگذشت کار عظیمی است که آنان انجام داده‌اند، ماجرای آزمون‌های سختی که پشت‌سر گذاشته‌اند، وصف سردرگمی‌ها، مجادلات و فشارهایی که با آن‌ها دست وپنجه نرم کرده‌اند و سرانجام شرح پیروزی آنان است ــ پیروزی‌ای که دامنه‌اش از حد انتظارات‌شان در آن زمان بسیار فراتر رفته است.

«دبیرکل ملل متحد به‌سرعت دست به کار ایجاد دایره‌ای ویژه ــ «بخش حقوق بشر» ــ برای رسیدگی به مسائل (مربوط به تدوین «اعلامیه» شد.)

نقش او در تدوین «اعلامیه‌ی جهانی» به همان اندازه مهم بود که نقش دیگر نهادهایی که بر اساس «منشور ملل متحد» در زمینه‌ی حقوق بشر صلاحیتی داشتند.

آقای هانری لوژیه (از فرانسه) که در آن هنگام معاون دبیرکل سازمان ملل متحد بود از جناب استاد جان هامفری (از کانادا)، کارشناس حقوق بین‌المللی دعوت کرد که مسئولیت ریاست این بخش مهم را بر عهده بگیرد.

به علاوه قواعد دقیقی تصویب شدند که مشارکت نهادهای تخصصی و همچنین سازمان‌های غیرحکومتی نماینده‌ی افکار عمومی را در فعالیت‌های «شورای اقتصادی و اجتماعی» و نهادهای فرعی متعدد آن، از جمله «کمیسیون حقوق بشر»، ممکن می‌ساختند...»

(A. Verdoodt, *Naissance et Signification de la Déclaration universelle des droits de l'homme,* Éd. Nauwelaerts, Louvain – Paris, 1964, p. 47).

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در فوریه‌ی ۱۹۴۶ «کمیسیون حقوق بشر» را ایجاد می‌کند.

«کمیسیون حقوق بشر» از همان آغاز از جمله عهده‌دار این وظیفه می‌شود که پیشنهادها و توصیه‌هایی برای «اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق بشر» عرضه کند.

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (ECOSOC) نخستین بار در فوریه‌ی ۱۹۴۶ تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت که مأموریت خود را در مورد حقوق بشر با ایجاد نهادی آغاز کند که در ابتدا نام نسبتاً نامناسب «کمیسیون هسته‌ای درباره‌ی حقوق بشر» را برای آن برگزید. این کمیسیونِ هسته‌ای مسئولیت انجام دادن بررسی‌ها و ارائه‌ی پیشنهادهایی را برای اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق عهده‌دار شد.

«کمیسیون هسته‌ای» در آوریل ــ مه ۱۹۴۶ تشکیل شد. اعضای این کمیسیون نُه نفر بودند که شورای اقتصادی و اجتماعی ملل آنان را با توجه به صلاحیت‌های شخصی‌شان برگزیده بود و نماینده‌ی کشورهای‌شان محسوب نمی‌شدند.[11]

---

۱۱. در زمان معینی این مسأله مطرح شد که در «منشور» تصریح گردد که اعضای کمیسیون‌های

United Nations — Nations Unies

ECONOMIC AND SOCIAL COUNCIL — CONSEIL ECONOMIQUE ET SOCIAL

E / 27
21 February 1946
French
Original : English

COMMISSION DES DROITS DE L'HOMME

ET

SOUS-COMMISSION DE LA CONDITION DE LA FEMME

Résolution du Conseil économique et social du 16 Février 1946 (document E/20 du 15 Février 1946) concernant la création d'une Commission des droits de l'homme et d'une Sous-Commission de la condition de la femme, et décisions complémentaires prises par le Conseil le 18 Février 1946, touchant les paragraphes 6 et 7 de la Section A et les paragraphes 4 et 5 de la Section B relatifs à la composition initiale de ces organes.

خانم النور ف. د. روزولت (ایالات متحد آمریکا) به ریاست کمیسیون، آقای رنه کاسن (فرانسه) برای معاونت و آقای ک. س. نئوگی (هندوستان) برای گزارش‌گری کمیسیون برگزیده شدند. اساس کار این کمیسیون، ایجاد کمیسیون نهایی، تعیین

←

«شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد» به جای آن که نمایندگانِ رهنمود گرفته از حکومت‌های خود باشند، باید در عرصه‌های معینی «کارشناس» به‌حساب آیند. اما این طرح در برابر این استدلال کنار زده شد که فقط نمایندگان رسمی حکومت‌ها می‌توانند اجرای توصیه‌ها را تضمین کنند. در نتیجه «کمیسیون حقوق بشر» نیز مانند سایر کمیسیون‌ها از نمایندگانی تشکیل شد که از حکومت‌های‌شان رهنمود می‌گرفتند. برای آشنایی با مشروح مباحث به دو منبع زیر مراجعه شود:

1. Ruth B. Russel, *op. cit* (4), p. 194.
2. James P. Hendrick, «An International Bil of Human Rights», *US Department of State Bulletin,* February 15, 1948, pp. 196–197.

وظایف و شیوه‌ی عمل‌کرد آن بود و یگانه گزارش خود را در اختیار «شورای اقتصادی و اجتماعی» گذاشت. این شورا نیز در ژوئن ۱۹۴۶ (در دومین اجلاس خود) در واکنش به همین گزارش هجده دولت عضو سازمان را برگزید که در «کمیسیون» نماینده داشته باشند. «شورای اقتصادی و اجتماعی» در سومین اجلاس خود که از ۱۱ سپتامبر تا ۱۰ دسامبر ۱۹۴۶ تشکیل شد، اعضای اصلی این کمیسیون را انتخاب کرد.

«کمیسیون حقوق بشر» نخستین اجلاس خود را با شرکت تمام اعضا در ژانویه و فوریه‌ی ۱۹۴۷ برگزار کرد. اعضای این «کمیسیون» با آن که برای تأمین مشارکتِ متعادل افراد باصلاحیت، پس از مشورت فنی با دبیرکل سازمان ملل متحد برگزیده شدند، نمایندگانی بودند که از حکومت‌های‌شان رهنمود می‌گرفتند.[۱۲]

● مقررات مربوط به کیفیت اعضای کمیسیون حقوق بشر

در سندی از کمیسیون حقوق بشر به تاریخ دوم ماه مه سال ۱۹۴۶، توصیه‌های «کمیسیون هسته‌ای» درباره‌ی کیفیت اعضای کمیسیون آمده است

---

۱۲. پژوهش‌گرانی که به بررسی اسناد النور روزولت در کتابخانه‌ی ف. د. روزولت (F. D. R. Library) در هایدپارک (نیویورک) می‌پردازند، می‌توانند به نحوه‌ی رهنمود گرفتن اعضای کمیسیون حقوق بشر پی ببرند. در واقع به طور پراکنده به یادداشت‌هایی برمی‌خوریم که کارمندانِ مأمور وزارت امور خارجه برای همکاری با خانم روزولت به او می‌رساندند. در اغلب موارد جیمز پ. هندریک این کار را انجام می‌داد.

این یادداشت‌ها به سبک زیر بودند: «در این مورد رأی مثبت بدهید»، «حکومت ایالات متحد با این نکته مخالف است»، «در این مورد شما تنها نیستید»، «در این باره شخصاً تصمیم بگیرید». پژوهش‌گران متأسفانه با این کمبود روبه‌رو می‌شوند که معمولاً هیچ‌گونه راهنمایی درباره‌ی ماهیت موضوعات این رهنمودها وجود ندارد. هندریک در این مورد یادآوری کرده که یادداشت‌های رسیده به النور روزولت، از روش معمولیِ صحبت‌های درگوشیِ مأموری که پشت سر او می‌ایستاد مؤثرتر بود. هندریک در این باره توضیحی نداده، اما این امر به علت آن بوده که خانم روزولت مشکلات شنوایی داشته است. نگاه کنید به توضیح دست‌نوشتی که هندریک به رونوشتِ نامه‌ای افزوده که در ۲۹ مارس ۱۹۵۰ به خانم روزولت نوشته بوده است:

James P. Hendrick Papers, Bibliothèque Harry S. Truman, Independance (M6)

همچنین رجوع شود به مصاحبه‌ی سندیفر (Sandifer) (صص ۱۲ــ۱۸) که در آن، نقش مشاور هیأت نمایندگی آمریکا را در ملل متحد تحلیل می‌کند.

(Archives René Cassin, Archives Nationales, Paris): تمام دولت‌های عضو ملل متحد باید یک یا دو شخص را انتخاب کنند. این اشخاص الزاماً نباید ملیت همان دولتی را داشته باشند که آنان را برمی‌گزینند.

سپس مجموعه‌ی خصوصیات شخصی ضروری برای این نمایندگان به دقت بررسی می‌گردد. سرانجام فهرست کامل اسامی آنان به «شورای اقتصادی و اجتماعی» تسلیم می‌شود.

پخش برنامه‌ی رادیویی درباره‌ی پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، از دبیرخانه‌ی ملل متحد مستقر در Lake Success (لانگ آیلند، نیویورک).

این برنامه با حضور خانم النور روزولت، رئیس کمیسیون حقوق بشر، و استاد رنه کاسن، عضو کمیسیون اجرا شد. (عکس از ملل متحد. کلیشه از فرانسین مارتوره).

شخصیت‌های اصلی کمیسیون حقوق بشر



ملل متحد با مردم سراسر دنیا سخن می‌گوید

برنامه‌ی مربوط به حقوق بشر به‌طور گسترده‌ای پخش شد. در واقع چهار عضوِ برجسته‌ی کمیسیون حقوق بشر: خانم النور روزولت (ایالات متحد) رئیس «کمیسیون»، آقای پ. س. شانگ (چین) معاون، آقای چارلز مالک (لبنان) گزارش‌گر، و استاد رنه کاسن (فرانسه) شخصیت‌های اصلی آن بودند. شخصیتی اساسی نیز که نقش او بسیار فراتر از وظایف عادی مأمور یک سازمان بود به این «کمیسیون» یاری می‌رساند: جان. پ. هامفری، حقوق‌دان کانادایی که به مدیریت بخش حقوق بشر در دبیرخانه‌ی تازه تأسیس سازمان ملل متحد برگزیده شده بود. گروهی از نمایندگانِ سازمان‌هایِ غیرحکومتی که در عرصهٔ حقوق بشر بسیار باصلاحیت و فعال بودند، نقش مشوق، راهنما و مشاور اعضای اصلی «کمیسیون» را برعهده داشتند. این نمایندگان بدین ترتیب پیکار خود را برای پیشبرد مأموریت مللِ متحد در زمینهٔ حقوق بشر پیگیری می‌کردند. مأموریتی که حاصل مذاکرات در جریان تدوینِ منشور ملل متحد بود.

● النور روزولت

خانم النور روزولت، بیوه‌ی رئیس‌جمهور ایالات متحد آمریکا، مرحوم فرانکلین دلنو روزولت، که نامش تقریباً مترادف جنگ با فاشیسم و تلاش در راه گسترشِ نهادهایِ بین‌المللیِ حامیِ صلح و آزادی بود، بزرگ بانویی بسیار فعال و پیشتاز محسوب می‌شد. با این همه با صحنه‌های سیاسی که معمولاً در انحصارِ دیپلمات‌های بین‌المللی قرار داشتند اصلاً خو نگرفته بود. او بیشتر دوران کودکی خود را در انزوا و به تنهایی گذرانده و با وجود نداشتن تحصیلات عالی دانشگاهی به شریک مطمئن یکی از استثنایی‌ترین زوج‌های سیاسی تاریخ بدل شده بود.

او چشم و گوش رئیس‌جمهور روزولت محسوب می‌شد که فلج گشته و در صندلی چرخ‌دارش میخ‌کوب شده بود؛ همواره و خستگی‌ناپذیر به سفر می‌رفت، پیام می‌فرستاد، به همسرش گزارش می‌داد و تشویقش می‌کرد؛ مسائل و مشکلات افراد گوناگون را با بخش‌های مختلف دولتی در میان می‌گذاشت ـ بعدها این کار را به نحوی رسمی‌تر به عنوانِ مأمور رسیدگی به شکایات «Ombudswoman» انجام می‌داد ـ و به شکرانه‌ی همه‌ی این امور آوازه‌ی سیاسیِ شخصی گسترده‌ای به هم زده بود.

پس از مرگ فرانکلین د. روزولت، جانشین او هاری ترومن ــ که از نظر سیاسی هنوز بی‌تجربه بود و به اندازه‌ی کافی مطمئن نبود ــ از خانم روزولت درخواست کرد که به نخستین هیأت نمایندگی ایالات متحد در ملل متحد بپیوندد. او این هدف آشکارا سیاسی را دنبال می‌کرد که النور روزولت را در گروه «خودش» داشته باشد و در عین حال او را از بعضی مسائل سیاسی حساس که رفته‌رفته با آن‌ها خو گرفته بود، دور سازد. این انتخاب مایه‌ی حیرت اعضایی از این هیأت نمایندگی شد که پیشتر برگزیده شده بودند. آنان توانستند النور روزولت را به سومین کمیته «تبعید کنند». این کمیته مسئول مسائل اجتماعی، انسان دوستانه و فرهنگی بود و اعضای پیشین هیأت نمایندگی ایالات متحد می‌اندیشیدند که در چنین کمیته‌ای در مورد مهم‌ترین مسائل بحثی نمی‌شود و در نتیجه نباید از اقدامات النور روزولت به هیچ‌وجه نگران بود. بدین ترتیب عادی به حساب می‌آمد که او به نمایندگی در «شورای اقتصادی و اجتماعی»، و سرانجام به ریاست کمیسیون حقوق بشر نیز برگزیده شود.[۱۳]

النور روزولت نه فردی دانشگاهی بود و نه روشنفکری برجسته. مشارکت او در نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ربطی به تحلیل فلسفی یا حقوقی نداشت.[۱۴] او

---

۱۳. برای تحلیل مشروح‌تر نقش النور روزولت در کمیسیون حقوق بشر رجوع شود به:

Glen Johnson, «The Contributions of Eleanor and Franklin Roosevelt to the Development of International Protection for Human Rights», *Human Rights Quarterly* 9:1, February 1987, pp. 19-48.

۱۴. گویا او نخستین کسی بود که محدودیت‌های خاص خود را در مقام رئیس کمیسیون حقوق بشر پذیرفت و بیان کرد. یک بار با خوانندگان خود (در روزنامه‌ای که در آن از سال‌های دهه‌ی ۳۰ تا چند روز پیش از مرگش در ۱۹۶۲، ۶ روز در هفته ستونی داشت) نکته‌ی زیر را در میان گذاشته بود:

منگارش پیش‌نویس اعلامیه‌ی حقوق، برای همکارانم در گروه نگارش، بویژه برای دکتر پ. س. چانگ، دکتر چارلز مالک و جان هامفری که همگی اشخاص بسیار فرهیخته‌ای هستند، ممکن است چندان دشوار و سهمگین جلوه نکند اما این کار در نظر من وظیفه‌ای است که برای آن به هیچ‌وجه آمادگی ندارم.

با این همه امیدوارم بتوانم به آنان در پیداکردن واژگانی که از دل تاریخ و نیز از اوضاع روز و واقعیت‌های معاصر بیرون می‌کشند به‌نحوی یاری رسانم تا همگان بتوانند هدف‌هایی را که ما دنبال می‌کنیم دریابند و برای آن‌ها بسیج شوند. اغلب به همسرم می‌گفتم که اگر بتواند ←

اهل عمل بود، دیگران را تشویق می‌کرد، دشواری‌ها را آسان می‌ساخت و برای رسیدن به هم‌نظری تلاش می‌ورزید. با همین خصوصیات بود که او وظیفه‌ی خطیرِ ریاست کمیسیون حقوق بشر و کمیتهٔ نگارش آن را برعهده گرفت. اگر این خصوصیات نبود، اگر این استعداد در برقراری مستقیم روابط انسانی متعدد نبود و اگر این توانایی در آشتی دادنِ دیدگاه‌های فرهنگیِ اغلب متضاد نبود امروزه اعلامیه‌ای جهانی نداشتیم که به اتفاق آرا در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده و در دیگر متن‌های اساسی ملل متحد و در قانون اساسی بسیاری از کشورها بارها و بارها به آن ارجاع شده است.[15]

باید افزود که شور و شوقی که او از خود نشان داد و دقتی که در انجام مأموریتش به‌کار برد، در کنار اعتبار عامی که در ایالات متحد و کشورهای دیگر از آن برخوردار بود، به مجموعه‌ی این اقدامات [تدوین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر] دامنه‌ای بخشیدند که بی‌حضور النور روزولت چه بسا امکان‌پذیر نمی‌شد.[16]

النور روزولت پیکار در راه حقوق بشر را در سال‌های پس از جنگ با چنان نحوه‌ی متفاوتی تجسم بخشید که گاهی فراموش می‌شود که گرداگرد او در «کمیسیون»، یا در درون دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد، و یا در یکایک سازمان‌هایِ

←

موضوعی را به من بفهماند، دیگر آن موضوع برای همه افراد در کشور روشن خواهد بود. شاید اساس نقش من و ارزش واقعی مشارکتم در کمیته‌ی نگارش اعلامیه‌ی جهانی در همین نکته باشد.»

Eleanor Roosevelt, «My Day», Releas date, February 12, 1947, *Eleanor Roosevelt Papers*, Bibliothèque Franklin D. Roosevelt, Hyde Park, New York.

۱۵. این نظر بارتر مککیور است که همکار ا. روزولت در ملل متحد بود. مصاحبه‌ی بارتر مککیور، ۲۴ مارس ۱۹۷۹، به نقل از:

Eleanor Roosevelt Oral History Project, Bibliothèque Roosevelt, Hyde Park, New York.

۱۶. جان پ. هامفری که در آن زمان مدیر بخش حقوق بشر در دبیرخانه‌ی ملل متحد بود، این مأموریت را مهم‌ترین اقدام النور روزولت می‌داند:

John P. Humphrey, *Human Rights and the United Nations: A Great Adventure*, Dobbs Ferry, New York: Transnational Publishers, 1984, p. 5.

متعدد غیرحکومتی، گروهی از اشخاصی یافت می‌شدند که آن همه شایستگی و گیرایی استثنایی داشتند.

● پ. س. چانگ

معاون کمیسیون حقوق بشر دکتر پ. س. چانگ بود که پرورشی اساساً آمریکایی داشت: تحصیلات عالی خود را ابتدا در دانشگاه کلارک گذرانده و سپس در دانشگاه کلمبیا دنبال کرده بود. در دانشگاه اخیر دوره‌ی دکتری را به پایان رسانده و رساله‌ای را درباره‌ی آموزش و پرورش در خدمت مدرن‌سازی در چین عرضه کرده بود. او با وجودی که اساساً هم به‌طور شخصی و هم در چارچوب دانشگاهی تربیت و پرورشِ «سبکِ غربی» داشت، یکی از اعضای نادرِ «کمیسیون» بود که همواره به همکارانش یادآوری می‌کرد که اعلامیه‌ای «جهانی» باید نظام‌هایِ فلسفی غیرغربی را نیز دربرگیرد و خود وی نیز غالباً برای روشن شدن مناظرات، به اصول کنفوسیوس ارجاع می‌کرد. چانگ استاد میهمان در دانشگاه شیکاگو و چند دانشگاه در انگلستان بود. به گفته‌ی جان. پ. هامفری او از تسلط خود بر فلسفه‌ی کنفوسیوسی برای رسیدن به مصالحه در موارد بسیار حساس و دشوار بهره می‌جست.[۱۷]

● چارلز مالک

چارلز مالک (اهل لبنان) نقش گزارش‌گر «کمیسیون» را برعهده گرفت. این مسیحیِ اورتودوکسِ یونانی‌تبار، رئیس «شورای اقتصادی و اجتماعی»، و در جریان مناظرات درباره‌ی «اعلامیه‌ی جهانی»، رئیس «سومین کمیته» در ۱۹۴۸ نیز بود. در دانشگاه آمریکایی بیروت (AUB)، فرایبورگ و هاروارد فلسفه خوانده و دکتریِ فلسفه گرفته و سپس چند سال در دانشگاه بیروت به تدریس پرداخته بود. در ۱۹۵۱ پس از خانم روزولت به ریاست کمیسیون حقوق بشر رسید و بعدها رئیس مجمع عمومی شد. چارلز مالک از جهات متعددی شخصیتی برجسته و برتر بود. ناظران وزارت امور خارجه درباره‌اش نوشته‌اند که لقب «ورزشگاه ذهنی و فلسفی» را

---

17. J. Humphrey, *op. cit.* (16), p. 23.

به‌دست آورده بود و عده‌ای نیز وی را «نامرسوم و غیرعادی» می‌خواندند.[18] او در جریان نگارش و تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد. داروارد ساندیفر، یکی از معاونان النور روزولت در وزارت امور خارجه معتقد بود که خانم روزولت و آقای مالک هردو در به نتیجه‌رسیدنِ تمام کوشش‌های انجام‌شده برای نگارش و تصویب «اعلامیه‌ی جهانی» نقش اساسی داشته‌اند.[19] مالک با اعتقاد راسخ به این که مبنای حقوق بشر حقوق طبیعی است، در اغلب موارد دیرجوش و گاهی جزمی و سرسخت بود. او از کوشش برای گنجاندنِ این نکته در متن «اعلامیه» که حقوق بشر از حقوق طبیعی سرچشمه می‌گیرد پشتیبانی کرد، کوششی که نتیجه‌بخش نبود و گاهی نیز منشأ دودستگی می‌شد.[20]

● رنه کاسن

چهارمین عضو تعیین‌کننده‌ی «کمیسیون»، حقوق‌دان برجسته‌ی فرانسوی رنه‌کاسن بود که بعدها در ۱۹۶۸ جایزه‌ی صلح نوبل را به سبب مجموعه‌ی تلاش‌هایش در راه دفاع از حقوق بشر به‌دست آورد. او یکی از مهم‌ترین حقوق‌دانان فرانسوی و مدتی رئیس دانشکده‌ی حقوقِ دانشگاه پاریس بود. پس از شروع جنگ جهانی دوم، در لندن به ژنرال دوگل پیوسته، اعتبار گسترده‌ی خود را در اختیار

---

18. United States, Department of State, «Bibliographic Reports» dans *US Delegation Handbook*, N° 2. Nations Unies Commission on Human Rights, Third Session, Lake Success, New York, May-June 1948, dans Boîte 4595, *Eleanor Roosevelt Papers*, Bibliothèque F.D. Roosevelt (New York).

۱۹. مصاحبه‌ی داروارد ساندیفر در ۲۷ آوریل ۱۹۷۹، به نقل از:
Eleanor Roosevelt Oral History Project, E. R. Papers, Bibliothèque F.D. Roosevelt (New York).

۲۰. در این باره به مقاله‌ی زیر رجوع شود:
«International Business – Government Relations», Sol Linowitz, Charles H.Malik and Daniel Parker, *The Creative Interface: International Business-Government relations*, vol. 2. Washington: American University.
همچنین رجوع شود به:
Charles H. Malik, *War and Peace*, Stamford, Conn.: The Overbook Press, 1950.

«نهضت مقاومت» گذاشته و مشاور حقوقی اصلیِ این نهضت شده بود.[۲۱] کاسن ناطقی برجسته و ماهر بود. «کمیته‌ی نگارش» از او درخواست کرد که پیش‌نویس اولیه‌ی «اعلامیه» را بنویسد. این پیش‌نویس دستی که در جریان تعطیلاتی طولانی به نگارش درآمد، بوته‌ی آزمایش بسیار جالبی بود که پیشنهادهای دولت‌ها و سازمان‌هایِ غیرحکومتی گوناگون را ترکیب می‌کرد. اگرچه فرانسویان و آمریکاییان گاهی کوشیده‌اند که فضل تقدم در تدوین «اعلامیه» را به خود اختصاص دهند، یکی از مسئولان وزارت امور خارجه‌ی آمریکا ارزیابی کرده است که مهم‌ترین و برجسته‌ترین اعضای «کمیسیون»، رنه کاسن و النور روزولت بوده‌اند. در یادداشتی از وزارت امور خارجه‌ی آمریکا گزارش شده که کاسن «به دیگر اعضای کمیسیون توجه و محبت بسیار داشته، خوش‌برخورد و آسان‌گیر بوده و نمی‌کوشیده است که عقایدِ ــ معمولاً بسیار سازنده‌ی ــ خود را به دیگران تحمیل کند.»

● دیگر اعضای کمیسیون

النور روزولت، پ. س. چانگ، چارلز مالک و رنه کاسن بی‌هیچ تردیدی «غول‌های کمیسیون» در فرایند نگارش و تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بودند. ولی اعضای دیگری نیز در «کمیسیون» وجود داشتند که در مرحله‌هایِ مختلف نقشی مهم ایفا کردند.

استاد ف. دوهوس به ویژه نقشی کاملاً مهم در کار «کمیسیون» ایفا کرد. او سوسیالیستی اهل بلژیک، استاد حقوق در دانشگاه لیژ، و در طول اشغالگری سپاهیان آلمانی، ناشر روزنامه‌ای مخفی بود. وزارت امور خارجه‌ی آمریکا او را فردی معرفی می‌کند که «باهوش، پرتوان و خوش‌برخورد است اما به صراحت و رک‌گویی بسیار گرایش دارد.»

نماینده‌ی استرالیا، سرهنگ روی هاجسون به سبب خدماتی که در اولین جنگِ جهانی انجام داده، نشان صلیب جنگ گرفته بود. او فردی پیچیده به‌حساب می‌آمد: ملی‌گرا، بسیار صادق و صریح بود و گاهی در مبارزه برای دفاع از ملت‌های کوچک

---

۲۱. اطلاعات و ارزیابی‌های کتاب‌شناختی متن دکتر گلن جانسون از «گزارش کتاب‌شناسی» وزارت امور خارجه‌ی ایالات متحد آمریکا گرفته شده‌اند.

در دنیای قدرت‌های بزرگ، زود به خشم می‌آمد.

خانم هانسا مهتا که نمایندگی هندوستان را برعهده داشت، عضو فعال کنگره‌ی ملی هند بود. او به سبب فعالیت‌های ضد استعماری‌اش مدتی طولانی زندانی بود. خانم مهتا رئیس دانشگاه زنان SNDT بود و وزارت امور خارجه‌ی آمریکا وی را شخصی باهوش و بهره‌مند از اندیشه‌ای روشن می‌دانست. متأسفانه از آن‌جا که با صدایی چنان ضعیف سخن می‌گفت که شنیده نمی‌شد، کارآیی‌اش تا حدی به چشم نمی‌آمد.

● جان. پ. هامفری

در درون دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد، مسئول اصلی کار کمیسیون حقوق بشر، جان. پ. هامفری، مدیر بخش حقوق بشر در قسمت امور اجتماعی بود. او اهل کانادا، حقوق‌دانی بین‌المللی، مردی اهل عمل و در عین حال، در مورد حقوق بشر، آرمان‌گرایی پرشور بود. جان هامفری که رئیس سابق دانشکده‌ی حقوقِ دانشگاه مک‌گیل (کانادا) بود، در گزارش وزارت امور خارجه‌ی آمریکا چنین توصیف شده: مردی با «توانایی‌های استثنایی برای مدیریت سازنده». او که به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تسلط داشت و کارمندی عالی‌رتبه با توانایی‌های گسترده بود، سرانجام نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد: دیدگاه‌های فرهنگی انگلیسی‌زبانان و فرانسوی‌زبانان، دانشگاهیان و افراد اهل عمل، سیاست‌گذاران و مجریان را به هم پیوند داد و نزدیک کرد. مسئولیتِ سنگینِ گردآوری و تحلیل مجموعه‌ی اسنادِ ضروری برای کمیسیونِ حقوق بشر برعهده‌ی او بود. جان هامفری آن‌ها را به صورت یک مجموعه‌ی اسنادِ ۴۰۸ صفحه‌ای با نام «Documented Outline» («داده‌های مستند عام») عرضه کرد که به سندِ کاریِ «کمیسیون» بدل شد.[۲۲] او پس از سال‌ها خدمت در ملل متحد، برایِ تدریس به دانشگاه مک‌گیل بازگشت. از آن پس کوشش خود را برای دفاع از

---

22. United Nations, Economic and Social Council, Division of Human Rights/Nations unies, Conseil économique et social, Division des droits de l'homme, *Documented Outline*, Nations Unies Doc E/CN. 4. AC. 1/3/Add. 1, June 2, 1947 (Boîte 4594, *Eleanor Roosevelt Papers*, Bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

حقوقِ بشر در کانادا و نیز در چهارگوشه‌ی دنیا ادامه داد. آثار متعددی درباره‌ی حقوق بشر به‌طور عام و «اعلامیه‌ی جهانی» به‌طور خاص نوشته و به تازگی خاطرات خود را درباره‌ی تلاش‌هایش در درون ملل متحد در راه دفاع از حقوق بشر منتشر کرده است. تازه‌ترین اثرش نیز با نام «No Distant Millennium» به زبان انگلیسی چاپ شده است.*

● سازمان‌های غیرحکومتی

گروه اشخاص استثناییِ پیشگفته در همکاری با نمایندگانِ متعددی از سازمان‌های غیرحکومتی فعالیت می‌کردند. نهادینه شدنِ مشارکت سازمان‌هایِ غیرحکومتی یکی از ابتکارهای برجسته‌ی سازمان جدید ملل متحد بود. کار مربوط به حقوق بشر یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این مشارکت به‌حساب می‌آید. افراد و سازمان‌ها، پیش‌نویس‌ها و ملاحظات‌شان را به «کمیسیون» عرضه می‌کردند و نمایندگان بعضی از سازمان‌های غیرحکومتی در نشست‌های «کمیسیون»، از جمله در نشست‌های کمیته‌ی نگارش اعلامیه، حضور منظم و حتی مشارکت داشتند. این عملکرد ادامه‌ی مستقیم همان عملکردی به‌حساب می‌آمد که به هنگام نگارشِ منشور ملل متحد در پیش گرفته شده بود.

از میان این سازمان‌های غیرحکومتی باید از «مؤسسه‌ی حقوق آمریکایی» نام ببریم که در پناه حمایت گسترده‌ی دولت پاناما، تدوین یکی از پیش‌نویس‌های مهمِ «اعلامیه‌ی جهانی» را برعهده گرفته بود. آلفردو آلفارو، وزیر امور خارجه‌ی پاناما هم یکی از نویسندگان این پیش‌نویس بود. پیش‌نویس‌ها و تفسیرهای مهم دیگری را نیز سازمان‌های زیر به «کمیسیون» ارائه کردند: فدراسیونِ آمریکاییِ کار، کمیسیونِ پژوهش برای سازمان صلح (وابسته به انجمن آمریکایی دفاع از ملل متحد)، کمیته‌ی یهودیِ آمریکایی، شورای ائتلافی کلیساها، اتحادیه‌ی زنان، انجمن وکیلان آمریکایی و...

اگرچه سازمان‌های غیرحکومتیِ آمریکای شمالی از جمله سازمان‌هایی بودند که بیشترین مشارکت را داشتند، «کمیسیون» اطلاعیه‌های متعددی را از سازمان‌هایِ غیرحکومتی بین‌المللی ــ انجمن بین‌المللی وکیلان، اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوقِ

---

*. نگاه کنید به کتاب‌شناسی.

بشر ـ سازمان‌های غیرحکومتی‌ای که به رسمیت شناخته نشده‌اند، مانند گروه‌های هوادار صلح، انجمن‌های حقوق‌دانان، انجمن‌های دینی و نیز افراد خاصی از تمام کشورها و به ویژه از آلمان، آرژانتین، استرالیا، کانادا، دانمارک، ایالات متحد آمریکا، فرانسه، فلسطین و انگلستان دریافت داشت.[۲۳]

مباحثه درباره‌ی ماهیت و گستره‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

«کمیسیون هسته‌ای» و «کمیسیون کامل» در وهله‌ی اول بایستی به تعریف وظیفه‌ی خود می‌پرداختند. در آغاز و در اصل بایستی معنا و اهمیت «اعلامیه‌ی جهانی حقوق» را تعریف می‌کردند. اعضای کمیسیون حقوق بشر پس از بررسی اعلامیه‌های پیشین ملی درباره‌ی حقوق بشر ـ اعلامیه‌ی فرانسوی حقوق بشر و شهروند، منشور حقوق شهروندان آمریکایی ـ و تمام پیش‌نویس‌های پیشنهادی دولت‌ها و سازمان‌های غیرحکومتی مختلف، به این نتیجه رسیدند که سه نوع برخورد را می‌توان به‌طور جداگانه یا به هم پیوسته در پیش گرفت. برخورد اول عبارت بود از نگارش اعلامیه‌ی صرفِ هدف‌ها یا هنجارهایی که فاقد صراحت و مقام و اهمیت مقررات قانونی است و به عنوان موضع‌گیری مجموعه‌ی جامعه‌ی ملل از نیرویی اخلاقی برخوردار خواهد بود. برخورد دوم مبتنی بود بر نگارش یک یا چند معاهده (یا «پیمان») که، بر اساس حقوق بین‌المللی، در حکم قراردادهای قانونی باشند و در نتیجه دولت‌های امضاکننده را متعهد سازند. برخورد سوم بر تمرکز روی مسأله‌ی تدابیر عملی و تعیین ساختکارهای بین‌المللی محافظت از حقوق بشر مبتنی بود.

از همان آغاز به روشنی مشخص شد که مسأله‌ی تدابیر عملی دشوارترین مسأله است، زیرا موضوع صلاحیت ملی کشورها را به مستقیم‌ترین وجه مطرح می‌سازد. آن دو برخوردِ دیگر نیز مسائلی را پیش می‌کشیدند که حل‌شان بیشتر در گرو تحولِ رویدادها بود تا حاصل تصمیمی صوری. این مسائل در تمام طولِ اجلاس‌هایی که

۲۳. متن بسیاری از اطلاعیه‌ها در بایگانی‌های ملل متحد در نیویورک موجود است:
New York (NY), Central Registry, 1946–1947, RAG. 1/13, dossier n° 605–5–1–2–3.

«کمیسیون» و «شورای اقتصادی و اجتماعی» به حقوق بشر اختصاص داده بودند تا هنگام تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومیِ ملل متحد مورد بحث بودند.

کسانی که می‌خواستند به کارِ نگارش اعلامیه‌ای عام اولویت بدهند، توضیح می‌دادند که در تمام دنیا مردم منتظر یک اقدام بین‌المللی سریع هستند و در نتیجه ملل متحد باید به‌سرعت عمل کند: بی هیچ تردیدی اعلامیه ممکن است بسیار زودتر به تصویب برسد، زیرا نه به واژگان حقوقیِ دقیق و مشخصی نیاز دارد و نه به فرایند طولانیِ تصویب دولت‌ها. به علاوه آنان خاطرنشان می‌کردند که چنین اعلامیه‌ای از اعتباری چشم‌گیر برخوردار می‌گردد، زیرا نخستین تأیید هم‌نظریِ بین‌المللی درباره‌ی حقوق بشر خواهد بود.

در برابر این استدلال‌ها کسانی که کار تدوین معاهدات را برتر می‌شمردند، خاطرنشان می‌کردند که اعلامیه‌هایِ صرف از آن رو نامناسب هستند که نه در عرصه‌ی ملی جنبه‌ی اجرایی دارند و نه در عرصه‌ی بین‌المللی. آن‌چه همگان بی‌صبرانه انتظارش را می‌کشند، تهیه‌ی ساختکارهای واقعی و مؤثرِ حمایت حقوقی است. اعلامیه‌ی صرف با این خطر روبه‌رو است که فریبکاری زبان‌باری بیش نباشد. عده‌ای معتقد بودند که صدور اعلامیه‌ای پرسروصدا و پرتبلیغات، جنبش گسترده‌ی طرفدار اقدامی مؤثر را دست‌کم تا حدی از شور و شوق می‌اندازد و سست می‌کند، و در نتیجه، تصویب معاهدات الزام‌آور بسیار دشوارتر می‌شود.[۲۴]

«کمیسیون هسته‌ای» مسأله را حل نکرد اما تمایل خود را به یک اعلامیه‌ی جهانی حقوق نشان داد که از این امتیاز برخوردار بود که نگارش سریع آن ناممکن نبود.[۲۵] اما «شورای اقتصادی و اجتماعی» از گزینش میان این برخوردهای مختلف

---

۲۴. به عنوان نمونه نگاه کنید به استدلال‌های خانم نیولندز، نماینده‌ی زلاندنو در جریان مناظرات سومین کمیته:

(United Nations, General Assembly, Official Records of the Third Session of the General Assembly, Part I, Social, Humanitarian and Cultural questions, Third Committee, *Summary Records of Meetings, 21 sept.-8 déc.*, 1948, Lake Success, New York, 1948, p. 34).

25. UN Doc E/38/Rev. 1 May 21, 1946, Commission on Human Rights, Report of

خودداری ورزید و «کمیسیون» را دعوت کرد که همچنان در مورد اعلامیه، معاهداتِ الزام‌آور و تدابیر عملی کار کند. در نهایت، هنگامی که از اعلامیه‌ی جهانی حقوقِ بشر در مجموع سخن به میان می‌آمد، به همین سه جنبه از مسأله ارجاع می‌شد.

بر پایه‌ی تمام این اسناد، «کمیته‌ی نگارش» در این باره به بحث پرداخت که از میان اعلامیه‌ای با الزام اخلاقی یا معاهده یا قراردادی با الزام قانونی، بهتر است کدام‌یک را برگزید.

در این مرحله نمایندگان آمریکایی رفته‌رفته از مسائلی نگران می‌شدند که اگر بایستی معاهده یا قراردادی الزام‌آور را برای تصویب به سنای آمریکا بفرستند ــ معاهده‌ای که چه بسا متن آن بیان مصالحه‌ای دیپلوماتیکی می‌بود ــ احتمالاً در سنا مطرح می‌شدند.[۲۶] این نگرانی که هرچه بیشتر نمایان می‌شد، گرایش نمایندگانِ ایالات متحد را به گزینشی تقویت کرد که می‌خواست در وهله‌ی اول یک «اعلامیه» نگاشته شود. این گرایش بیشتر نیز در تمایلی آشکار بود که النور روزولت نسبت به انجام‌کاری محسوس درکم‌ترین زمان ممکن به روشنی بیان کرده بود. اما انگلیسی‌ها دیدگاهی متفاوت داشتند و معتقد بودند چیزی که فقط اعلامیه‌ی صرفِ نیات و مقاصد باشد، ارزش کمی خواهد داشت. آنان ــ همان گونه که به هنگام تأسیس جامعه‌ی ملل رفتار کرده بودند ــ قراردادی قانونی را ترجیح می‌دادند که برایِ دولت‌های امضاکننده الزام‌آور باشد و تعهدات مشخصی را دربرگیرد.[۲۷]

«کمیسیون» در وهله‌ی نهایی تصمیم گرفت که به کار همزمان در مورد هردو برخورد ادامه دهد؛ اما در واقع بخش اعظم توجه و کوشش‌هایش را به «اعلامیه» اختصاص داد. «کمیته‌ی نگارش» یک گروهِ کاریِ موقت را برگزید که از رنه کاسن، چارلز مالک، النور روزولت و جئوفری ویلسون تشکیل شده بود. این گروه از



the commission on Human Rights to the Second Session of the Economic and Social Council, p. 6.

26. Mémorandum: «Conversation between Mrs Roosevelt, Senator Austin, Mr. Ross, Mr. Winslow and Mr. Hendricks», July 3, 1947 (boîte 4587, Eleanor Roosevelt papers, bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

27. J.P. Green, *op. cit.* (7), p. 26.

رنه‌کاسن درخواست کرد که با توجه به رهنمودها و سندهای دبیرخانه‌ی بخش حقوق بشرِ سازمان ملل متحد، پیش‌نویس اعلامیه را تهیه کند. او نیز این کار را انجام داد. برمبنای همین متن که دیگر اعضای گروهِ کاریِ موقت آن را کمی تغییر دادند، مجموعه‌ی «کمیته‌ی نگارش» سندی را تهیه کرد که به «کمیسیون» ارائه شد.[۲۸]

«کمیته‌ی نگارش» بر سر پیش‌نویس معاهده‌ی پیشنهادی انگلستان چندان درنگ نورزید و سرانجام روایتی از آن را با اندکی تغییر و تنظیم مجدد به‌صورت گزارش ــ و نه توصیه ــ به «کمیسیون» ارائه کرد.[۲۹]

همان‌گونه که النور روزولت خاطرنشان کرده، «اعلامیه» بر مبنای یکی از دو پیش‌نویس تنظیم شد که با بیشترین دقت و توجه اندیشیده و نگاشته شده بود.[۳۰]

و اما به تدابیر عملی وقت و توجه باز هم کمتری اختصاص داده شد. در واقع فقط یک اجلاس به این مسأله اختصاص یافت و «کمیته‌ی نگارش» صرفاً

---

۲۸. پیش‌نویس رنه‌کاسن که نسخه‌ی اصلی آن در بایگانی ملل متحد در نیویورک است، به اختلاف‌نظرهایی دامن زده است. عده‌ای از این متن برای پشتیبانی از این نظر استفاده کرده‌اند که کاسن «پدر اعلامیه‌ی جهانی» است. در مقابل، عده‌ای دیگر تا بدان‌جا پیش رفته‌اند که در ایراد به این متن گفته‌اند که چیزی بیش از ترجمه‌ی فرانسوی اندکی تغییریافته‌ی سندی نیست که دبیرخانه‌ی بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد تدوین کرده است. جان ب. هامفری که البته در این مورد بی‌غرض‌ترین ناظر نیست، نظر خود را در این باره در کتاب زیر بیان کرده است:

Human Rights and the United Nations: A Great Adventure (op. cit. (16), pp. 42-45.

همچنین نگاه کنید به سند زیر:

E/CN. 4/21, United Nations, Economic and Social Council, Commission on Human Rights, Drafting Committee on an International Bill of Human Rights, First Session (Nations Unies, Conseil économique et social, Comité de rédaction sur une déclaration internationale des droits de l'homme, 1re session), *Report of the Drafting Committee to the Commission on Human Rights*, 1 July, 1947, pp. 3-4.

و نیز نگاه کنید به دست‌نوشته‌ی رنه‌کاسن و ترجمه‌ی آن در صفحه‌ی بعد.

29. UN Doc. E/CN/.4/21, *Report of the Drafting Committee*, pp. 64-67.

30. Mémorandum: «Conversation...», *op. cit.* (26).

مجموعه‌ای از ملاحظاتِ غالباً ابتدایی اعضای خود را که در جریان این اجلاس بیان شده بودند در اختیار کمیسیون حقوق بشر قرار داد.[۳۱]

بدین ترتیب کمیسیون حقوق بشر به هنگام برگزاری دومین جلسه‌اش در دسامبرِ ۱۹۴۷ سه گزارش را پیش روی خود داشت: پیش‌نویس مختصر اعلامیه‌ی اصولِ عام که از حمایت ایالات متحد برخوردار بود؛ معاهده‌ی الزام‌آوری که در اساس انگلستان آن را عرضه کرده بود؛ و چند تفسیر مختلف درباره‌ی تدابیر عملی.[۳۲]

---

31. Document Nations Unies: UN Doc E/CN.4/21, *Report of the Drafting Committee*, pp. 4-5.

32. J.F. Green, *op. cit. (7)*, p. 25.

فتوکپی پیش‌نویس اعلامیه که رنه کاسن به درخواست «کمیته‌ی نگارش» نوشته است (ژوئن ۱۹۴۷).

GOUVERNEMENT PROVISOIRE

DE LA

RÉPUBLIQUE FRANÇAISE

1e

LE 194

Préambule

Nous, Peuples des Nations Unies,

1 Considérant que l'ignorance et le mépris des droits de l'homme ont été une des causes les plus importantes des souffrances de l'humanité et ~~des massacres~~, en particulier, des massacres qui ont souillé la terre au cours de deux guerres mondiales;

3 que ~~[illegible]~~ l'établissement ~~[illegible]~~ d'un régime où les êtres humains libres de parler et de croire, ~~[illegible]~~ mis à l'abri de la terreur et de la misère a été proclamé comme l'objectif suprême de la plus récente lutte;

4 Que dans la Charte du 26 juin 1945, nous avons réaffirmé notre foi dans les droits fondamentaux de l'homme, dans la dignité et la valeur de la personne humaine et dans l'égalité de droit des hommes et des femmes; ~~[illegible]~~

5 Qu'un des buts des Nations Unies est de réaliser la coopération internationale en développant et en encourageant le respect des droits de l'homme et des libertés fondamentales pour tous sans distinction de race, de sexe, de langue ou de religion;

6 Qu'il importe que ceux-ci soient ~~[illegible]~~ protégés par la communauté des Nations et garantis tant par [illegible] la loi internationale que par les lois ~~[illegible]~~ nationales

[illegible]

فتوکپی یکی از صفحات پیش‌نویس «اعلامیه» به قلم جان همفری (دانشگاه مک‌گیل).

XI No one shall be subjected to arbitrary searches or seizures or to unreasonable interference with his person, ~~[illegible]~~ family relations, reputation, privacy, activities, ~~[illegible]~~ or personal property.

XII The sanctity of the home and the secrecy of correspondence shall be respected.

XIII Slavery and compulsory labour are inconsistent with the dignity of man and therefore prohibited by this Bill of Rights. But a man may be required to perform his just share of any public service that is equally incumbent upon all, and his right to a livelihood is conditioned by his duty to work. Involuntary servitude may also be imposed as part of a punishment pronounced by a court of law.

پیش‌نویس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

پیشنهادیِ استاد رنه کاسن، نماینده‌ی فرانسه در کمیته‌ی نگارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۶ ژوئن ۱۹۴۷).

دیباچه

ما، مردمان ملل متحد،

۱. *از آن جا* که نادیده‌گرفتن و تحقیر حقوق بشر از مهم‌ترین علل رنج‌های بشر و به‌ویژه قتل‌عام‌هایی بوده‌اند که در جریان دو جنگ جهانی دنیا را آلوده‌اند؛

۲. *از آن جا* که صلح فقط در صورتی امکان‌پذیر است که حقوق و آزادی‌های بشر رعایت شوند و در عین حال، این حقوق و آزادی‌ها نیز فقط درصورتی به تمامی رعایت می‌گردند که جنگ و تهدیدهای جنگ از میان بروند؛

۳. *از آن جا* که برقراری نظامی که در آن انسان‌ها در پرتو آزادی گفتار و اعتقاد، از وحشت و فقر درامان باشند، برترین هدف مبارزه‌ی جاری اعلام شده است؛

۴. *از آن جا* که در منشور ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت، کرامت و ارزش فردِ انسان و برابری حقوق تمام مردان و زنان دوباره اعلام کرده‌ایم؛

۵. *از آن جا* که یکی از هدف‌های ملل متحد، تحقق همکاری بین‌المللی در پرتو گسترش و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بی هیچ تمایزی از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین است؛

۶. *از آن جا* که بسیار مهم است که جامعه‌ی ملل از این حقوق و آزادی‌ها حمایت کند و قانون بین‌المللی و نیز قوانین ملی به تضمین آن‌ها بپردازند؛

۷. ....

مصمم *شده‌ایم* که در اعلامیه‌ای رسمی، حقوق ضروری و آزادی‌های اساسی انسان را معین سازیم تا این اعلامیه‌ها که همواره در پیش روی تمام اعضای جامعه‌ی جهانی قرار دارد، حقوق و وظایف آنان را پیوسته یادآوری کند و سازمان ملل متحد و اعضای آن نیز همیشه بتوانند اصولِ مندرج در این اعلامیه را به کار بندند.

در نتیجه، اعلامیه‌ی زیر را تصویب کرده‌ایم:

فصل ۱. اصول عام

ماده‌ی ۱

همگی انسان‌ها که اعضای خانواده‌ای واحداند، آزاد و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق برابر هستند و باید یکدیگر را برادر بدانند.

ماده‌ی ۲

رسالت جامعه آن است که این امکان را برای همه انسان‌ها فراهم آورد که شخصیت طبیعی، فکری و اخلاقی خود را به‌طور همه‌جانبه و در پرتو امنیت رشد دهند، بی‌آن که هیچ یک از این وجوه سه‌گانه قربانی دیگری شود.

ماده‌ی ۳

انسان نمی‌تواند به‌دور از کمک و پشتیبانی جامعه زندگی کند و هدف‌هایش را تحقق بخشد؛ هرکس در برابر جامعه وظایفی اساسی دارد: پیروی از قانون، انجام دادن فعالیتی مفید، پذیرشِ مسئولیت‌ها و فداکاری‌هایِ لازمه‌ی خیر مشترک.

ماده‌ی ۴

حقوق هر فرد با حقوق دیگران محدود می‌شود.

ماده‌ی ۵

قانون برای همگان یکسان است و هم در مورد مقامات عمومی به اجرا درمی‌آید، هم در موردِ قضات و هم در مورد افراد عادی. آن‌چه را منع قانونی ندارد، نمی‌توان ممنوع کرد.

پیش‌نویس دیباچه

متن گروه کاری کمیته‌ی نگارش (روایت دوم)، ۱۶ ژوئن ۱۹۴۷

ما، مردمان ملل متحد،

از آن جا

۱. که نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر از مهم‌ترین علل رنج‌های بشر و قتل‌عام‌ها و وحشی‌گری‌هایی بوده‌اند که وجدان بشر را پیش از جنگ جهانی اخیر و به‌ویژه در طول آن جریحه‌دار ساخته‌اند؛

۲. که صلح راستین فقط در صورتی امکان‌پذیر است که حقوق و آزادی‌های بشر رعایت شوند و درعین حال این آزادی‌ها فقط در صورتی برای همگان تضمین می‌شوند که جنگ و تهدید آن از میان برود؛

۳. که برقراری نظامی که در آن انسان‌ها با بهره‌مندی از آزادی گفتار و اعتقاد، از وحشت و فقر درامان باشند، برترین هدف مبارزه‌ی جاری اعلام شده است؛

۴. که در آغاز منشور ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فردِ انسان و برابری حقوق تمام مردان و زنان دوباره اعلام کرده‌ایم؛

۵. که یکی از هدف‌های ملل متحد، تحقق همکاری بین‌المللی در پرتو گسترش و تشویقِ رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بی هیچ تمایزی از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین است.

مصمم شده‌ایم که در اعلامیه‌ای رسمی، حقوق ضروری و آزادی‌های اساسی انسان را معین سازیم تا این اعلامیه که همواره در پیش روی تمام اعضای جامعه‌ی جهانی قرار دارد، حقوق و وظایف آنان را پیوسته یادآوری کند و سازمان ملل متحد و دولت‌های عضو آن نیز همیشه بتوانند اصول مندرج در این اعلامیه را به‌کار بندند.

در نتیجه، اعلامیه‌ی زیر را تصریب کرده‌ایم (...)

اسناد کمیته‌ی نگارش

بایگانی رنه کاسن، پاریس.

● دسامبر ۱۹۴۷ ـ دومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر در دومین اجلاس خود در دسامبر ۱۹۴۷ کار در سه عرصه ـ اعلامیه، معاهده(ها) (که امروزه «پیمان» نامیده می‌شوند)، و تدابیر عملی ـ را ادامه داد و سه گروه کاری ایجاد کرد. اگرچه این اجلاس دو هفته بیشتر طول نکشید، «کمیسیون» در تدوین «اعلامیه» به پیشرفت‌های چشم‌گیری رسید و در پایان اجلاس پیش‌نویس تقریباً کاملی در اختیار داشت که می‌توانست آن را برای نظرخواهی به دولت‌ها بدهد. پیش‌نویس معاهده نیز ـ البته به همان صورتی که انگلستان پیشنهاد کرده بود و چندان کامل نبود ـ برای نظرخواهی در اختیار دولت‌ها گذاشته شد.

«کمیسیون حقوق بشر در دومین اجلاس خود، پس از چند روز مباحثه که در طول آن خانم روزولت (ایالات متحد) و آقای بوگومولوف (اتحادِ جماهیر شوروی) از دیدگاه‌های‌شان دربارهٔ اولویت «اعلامیه» بر «معاهده» دفاع کردند و آقای داکستون (انگلستان) و آقای هاجسون (استرالیا) بر اهمیتِ «معاهده» تأکید ورزیدند، پیشنهاد آقای دهوس (بلژیک) را در مورد ایجاد سه گروه کاری برای بررسی مسائل زیر با اکثریت آرا تصویب کرد:

● مسائل «اعلامیه»،

● مسائل «معاهده»

و

● تدابیر عملی.

(...) گروه کاری (...) با توجه به مواد پیشنهادی برای درج در «اعلامیه»، از افراد زیر تشکیل شده بود:

ـ آقای استپانفنکو (بیلاروسیا)

ـ خانم روزولت (ایالات متحد)

ـ آقای کاسن (فرانسه)

ـ آقای آمادر (پاناما)

ـ آقای رومولو (فیلیپین)

ـ آقای بوگومولوف (اتحاد جماهیر شوروی).

ناگفته نماند که برای نخستین بار، هیأت نمایندگی شوروی در مباحثات،

به‌ویژه در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقشی مثبت ایفا کرد.
هرچند آقای بوگومولوف اعلام کرده بود که درباره‌ی مجموع پیش‌نویس «اعلامیه» قید و شرط‌های جدی و دقیقی دارد و آن را ناکافی می‌داند، هیأتِ نمایندگی شوروی توانست بر «اعلامیه»، به‌ویژه در مورد اِعمالِ مشخص و ملموسِ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تأثیری چشم‌گیر بگذارد».
(Albert Verdoodt, *op. cit.*, p. 47.)

● ژوئن ۱۹۴۸ ـ سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر در سومین اجلاس خود به بررسی تفسیرهایی پرداخت که دولت‌های مختلف درباره‌ی پیش‌نویس ارائه کرده بودند. در جریان بررسی معلوم شد که این تفسیرها چندان زیاد نیستند و بیشتر به پیشنهادهای ساده شباهت دارند: کمبود وقت و کندی و سنگینی ذاتی بوروکراسی‌های دولتی، همراه با اولویت بسیار کمی که دولت‌ها برای حقوق بشر قائل می‌شدند، در محدود کردنِ تعداد، دقت و جامعیت پاسخ‌ها نقش داشتند.[33] با این همه «کمیسیون» در پیش‌نویس به تجدیدنظر پرداخت و آن را به «شورای اقتصادی و اجتماعی» توصیه کرد و این شورا نیز پس از مناظره‌ای کوتاه آن را به «مجمع عمومی» فرستاد.

بدین ترتیب هنگامی که «مجمع عمومی» در سپتامبر ۱۹۴۸ در پاریس تشکیلِ جلسه داد، متن پیش‌نویس «اعلامیه» را که سه‌ماه پیش به تأیید کمیسیون حقوق بشر رسیده بود، در اختیار داشت. این متن به سومین کمیته‌ی «مجمع عمومی» تسلیم شد که چارلز مالک رئیس آن بود و النور روزولت نیز نمایندگی آمریکا را برعهده داشت. رنه‌کاسن و تعدادی از دیگر اعضای «کمیسیون» نیز کشورهای خود را نمایندگی می‌کردند.

33. (document Nations Unies): E/CN.4/82/Add.4, United Nations, Economic and Social Council, Commission on Human Rights (Nations Unies, Conseil économique et social, Commission des droits de l'homme), *Comments from Governments on the Draft International Declaration of Human Rights and Measures of Implementation.*

● پاییز ۱۹۴۸

پیش‌نویس اعلامیه‌ی عام حقوق بشر که آن را کمیسیون حقوق بشر در طول دوسال تدوین کرده بود به مجمع عمومی *ملل* متحد تسلیم شد که در اکتبر ۱۹۴۸ در پاریس تشکیل جلسه داده بود.

مجامع سرتاسر دنیا که در مورد موضوع حقوق بشر بسیج شده بودند، خواسته‌ها و ملاحظات خود را برای کمیته‌های مسئول مجمع عمومی فرستادند.

از جمله، شورای جهانی کلیساها:

COMMISSION OF THE CHURCHES ON INTERNATIONAL AFFAIRS
Established by
The World Council of Churches
and
The International Missionary Council

Kenneth G. Gruss C.M.G. (London)
Executive Chairman
O. Frederick Nolde (New York)
Director
Sartell Prentice, JR. (New York)
Administrative Secretary

297 Fourth Avenue
New York 10, New York
—
Gremercy 5-3475

November 18, 1948

استاد رنه کاسن
کمیته‌ی سوم
قصر شایلو
پاریس، فرانسه

استاد کاسنِ عزیز،

من ضروری دانستم که پاریس را برای مدتی کوتاه ترک کنم، اما به احتمالِ زیاد در اواخر هفته‌ی آینده به آن‌جا بازمی‌گردم. در این میان اجازه می‌خواهم مراتب قدردانی خود را از هواداری پرشور شما از پیش‌شرط‌های ضروری برای آزادی اندیشه، اعتقاد و دین بیان کنم. به‌ویژه مایه‌ی شادمانی من است که شما در متن فرانسوی، واژه‌ی

«اعتقادات» را جایگزین «ایمان» کرده‌اند. این امر، هدف مطلوب همه‌ی ما را تضمین می‌کند.

ماده‌ی ۱۶ به ترتیبی که کمیسیون حقوق بشر تدوین، و کمیته‌ی سوم تصویب کرده، ممکن است معنایی گسترده داشته باشد. به‌طور کلی این ماده پیش‌شرط‌هایی را بیان می‌کند که برای تحقق آزادی دینی ضروری هستند. این ماده، ارجاع به آزادی اندیشه و وجدان و آزادی تغییر دین یا اعتقاد را دربردارد و اصلی را به رسمیت شناخته که رقابت مسالمت‌آمیز میان باورها و ایده‌ئولوژی‌های مختلف را ممکن می‌سازد. در دنیایی که پیوسته کوچک‌تر می‌شود، تأثیر یک نظام فکری بر دیگری، کاربرد این اصل را به ضرورتی قطعی برای صلح و نظم جهانی بدل می‌سازد.

بنابراین، اهمیت عاجل دارد که هنگامی که مجمع عمومی در اجلاس عمومی خود به تصمیم‌گیری نهایی درباره‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌پردازد، متن کامل ماده‌ی ۱۶ حفظ و تأیید شود.

با درودهای صمیمانه،

او. فردریک نولد

کنگره‌ی جهانی یهود:

CONGRÈS JUIF MONDIAL
Tél. : Balzac 06-96 - Agence Télégraphique : WORLDGRESS
78, avenue des Champs-Élysées
PARIS 8e

WORLD JEWISH CONGRESS **CONGRESO JUDIO MUNDIAL**

GENÈVE	NEW YORK N.Y.	LONDON W.1	BUENOS AIRES
37, quai Wilson	1834 Broadway	96, New Cavendish Street	Corrientes 2024
Tél. : 20128	Tél. : Circle 6.1900	Welbeck 03-3 S	Union Tél. : 47 (Cuyo) 5660

Novembre 1948

S.E. le Délégué de FRANCE
à la Troisième Commission
de l'Assemblée Générale
de l'Organisation des
Nations Unies
Palais de Chaillot
PARIS

عالی‌جناب،

پیشنهاد ماده‌ای جدید به جای ماده‌ی ۲۹ (توضیحی درباره‌ی واژه‌ی «خودسرانه»).

کنگره‌ی جهانی یهود به‌عنوان سازمانی که مطابق با ماده‌ی ۷۱ منشور ملل متحد، در «شورای اقتصادی و اجتماعی» از مقام مشورتی برخوردار است، در تدوین پیش‌نویس اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق بشر شرکت ورزیده است. کنگره‌ی جهانی یهود با احترام تمام توجه شما را به پیشنهادی برای یک ماده ۲۹۵ جدید جلب می‌کند.

هیأت نمایندگی لبنان گنجاندن یک ماده‌ی ۲۹ جدید را به شرح زیر پیشنهاد می‌کند: «قوانین هر دولتی تا آن جا که به حقوق بشر مربوط می‌شوند، باید با هدف‌ها و اصول ملل متحد که در این اعلامیه بیان شده‌اند سازگار باشند.»

ماده‌ی مشابهی که به تازگی به هنگام تنظیم متنِ ژنوِ اعلامیه به اتفاق آرا به تصویب رسیده، در سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر فقط به این علت حذف شده که با توجه به متن ماده‌ی ۲، زاید به حساب آمده است. اما این کار اشتباه بوده ــ همان‌گونه که در زیر نشان داده می‌شود ــ و از آن‌جا ناشی شده که این ماده در پایان مذاکرات به بحث گذاشته شده و وقت کافی برای ارزیابی عمیق پیامدهای حذف آن وجود نداشته است.

گنجاندن مجدد این ماده که حاصل پذیرش پیشنهاد هیأت نمایندگی لبنان خواهد بود به نظر ما به‌ویژه برای روشن‌تر شدن معنای واژه‌ی «خودسرانه» که در چند ماده‌ی «اعلامیه» به کار رفته، ضروری است.

در ماده‌ی ۷ «اعلامیه» چنین آمده است: «هیچ‌کس را نباید خودسرانه توقیف یا حبس کرد.»

در ماده‌ی ۱۰ آمده است: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های ناروا صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی هدف حمله‌های نادرست قرار گیرد.»

در بند دومِ ماده‌ی ۱۳ نوشته شده: «هیچ کس را نباید *خودسرانه* از تابعیت خویش، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.»

در بند دومِ ماده‌ی ۱۵ آمده است: «هیچ کس را نباید *خودسرانه* از حق مالکیت

محروم کرد.»

اکثریت شرکت‌کنندگان در «سومین کمیسیون» دیدگاه چندین هیأت نمایندگی را مبنی بر این‌که، واژه‌ی «خودسرانه»، مترادف عبارت «به‌طور غیرقانونی» نیست، تأیید کرده بودند.

نه فقط اقدامات غیرقانونی، بلکه قوانین نیز در صورتی که انسان‌ها را از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان محروم کنند، خودسرانه خواهند بود. هیتلر و حکومت نازی‌ها با صدور قوانینی که بر اساس نظام قانونی آلمان اعتبار صوری داشتند همواره «به‌طور قانونی» رفتار می‌کردند، اما قوانین آن‌ها در ذات خود جنایت بر ضد نوع بشر محسوب می‌شدند.

گنجاندن مجدد ماده‌ی ۲۹ که بر اساس آن تمام قوانین هر کشوری، در مورد آن‌چه به حقوق بشر مربوط می‌شود، باید با اصول و مقاصد ملل متحد سازگار باشند، به روشنی آشکار می‌سازد که هر قانونی که این اصول و مقاصد را نقض کند، از دیدگاه حقوق بین‌المللی، خودسرانه خواهد بود.

چنین ماده‌ای حاکمیت هیچ دولتی را نقض نمی‌کند و با بند ۷ ماده‌ی ۲ «منشور» نیز در تضاد نیست. اصول و مقاصد «منشور» را تمام دولت‌های عضو ملل متحد پذیرفته‌اند و هریک از آن‌ها با پذیرش این «منشور» متعهد شده است که از اصول و مقاصد آن سرپیچی نکند. بنابراین، پیش‌نویس جدید ماده‌ی ۲۹ چیزی جز تکرار مجدد و رسمی اصولی نیست که به تأیید تمام دولت‌های عضو ملل متحد رسیده و گنجاندن مجدد این ماده به‌ویژه از آن‌رو ضروری است که در غیر این صورت واژه‌ی «خودسرانه» معنای دقیقی نخواهد داشت.

حذفِ تأسف‌انگیز ماده‌ی مشابه آن در متن ژنو، در جریان سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در لیک ساکسس ناشی از آن بود که گویا موضوع ماده‌ی ۲۹ در ماده‌ی ۲ آمده است که مطابق آن هرکس می‌تواند از تمام حقوق و آزادی‌ها بهره‌مند گردد. با این همه در آن هنگام توجه نشد که هرکس فقط می‌تواند از حقوق و آزادی‌های ذکرشده در *«اعلامیه»* بهره‌مند شود. به عنوان مثال، بر اساس ماده‌ی ۲، از هر کس در برابر توقیف و حبس خودسرانه دفاع خواهد شد. اما این امر معنای «محرومیت خودسرانه از آزادی» را به روشنی تعریف نمی‌کند و توضیح نمی‌دهد که قوانین ناقض اصول و مقاصد ملل متحد باید خودسرانه محسوب شوند.

بنابراین، در نهایت احترام از عالی‌جناب تقاضا می‌کنیم بـه پـیشنهاد اصـلاحی هیأت نمایندگی لبنان رأی بدهید که در سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشـر بـه اتفاق آرا به تصویب رسـیده و به نظر ما ستون اصلی «اعلامیه» است.

خواهشـمندیم احترامات همه‌جانبه‌ی ما را بپذیرید.

سیلون کان ــ دبره
مدیر دفتر کنگره در پاریس

دکتر ف. ر. بینانفلد
عضو کمیته‌ی اجرایی
مشاور حقوقی

انجمن فرانسوی دفاع از حقوق زنان:

LIGUE FRANÇAISE POUR LE DROIT DES FEMMES
3, rue Victor-Massé — Paris-IXe

Fondée en 1870 par Léon Richer

Anciens présidents d'honneur :
Victor Hugo - Victor Schoelcher
René Viviani - Louis Martin

Présidence :

1870-1893, Léon Richer
1893-1904, Maria Pognon
1904-1918, Maria Bonnevial
1918-1938, Maria Vérone
1938-19[illegible], O. Lhermitte

Comité d'Honneur :

MM. Julliot de la Morandière, doyen de la Faculté de droit de Paris ; Justin Godart, ancien ministre ; Dr Sicard de Plauzoles, directeur de l'Institut Alfred-Fournier, président de la Ligue des droits de l'homme ; Laborde-Lacoste, professeur à la Faculté de droit de Bordeaux ; Paul Coutant, président honoraire à la Cour d'Appel de Paris ; Louis Marin, ancien ministre, député à l'Assemblée nationale constituante ; Messager, ancien sénateur ; Jean Bon, ancien député.

Mmes Amieux, directrice honoraire de l'École normale supérieure de jeunes filles à Sèvres ; Maryse Bastié, aviatrice ; Judith Cladel, femme de Lettres ; Marianne Verger, ancien membre de l'Assemblée consultative ; Germaine Sellier, présidente de l'Association des françaises diplômées des Universités ; Eugénie Simon, présidente fondatrice des Ligues de Bonté.

Chèques postaux, Paris [illegible]

Présidente :
Andrée Lehmann
Avocate à la Cour d'appel de Paris

Le 3 décembre 1948

A Monsieur le Professeur Cassin

Conseiller de la Délégation Française
à la 3e Session
de l'Assemblée générale de l'onu

عالی‌جناب،

اجازه می‌خواهم نامه‌ای را یادآور شوم که در ۱۳ نوامبر گذشته، افتخار فرستادن آن برای شما تصمیم شده و درباره‌ی نگارش ماده‌ی ۴ اعلامیه حقوق بشر بوده است.

در آن نامه به شما خاطرنشان کرده بودم که عبارت «آنان» (مرد و زن) «در مورد ازدواج حقوق برابر دارند»، ممکن است درباره‌ی حقوق زن و مرد نسبت به این برابری در طول ازدواج تردیدی باقی بگذارد.

من کارهای «سومین کمیسیون» را که به نگارش کنونی ماده‌ی ۱۴ جدید انجامیده‌اند، پی‌گیری کرده و دریافته‌ام که نگرانی هیأت‌های نمایندگی گوناگون در مورد نگارش بندی که توجه ما را جلب کرده بود، مشابه نگرانی ما است و سرانجام به نگارش ماده‌ی کنونی انجامیده که نارسایی آن شما را وادار کرده که بر ضد متن کامل ماده‌ی ۱۴ رأی بدهید.

امروز با شادمانی بسیار باخبر شدیم که شما به اتفاق آرا به ریاست کمیسیون فرعی مسئول تنظیم متن نهایی برگزیده شده‌اید.

جناب استاد اجازه می‌خواهم که یک‌بار دیگر پیشنهادهای‌مان را در باره‌ی نگارش ماده‌ی ۱۴ که خود شما نیز بی‌هیچ تردیدی خواستار تغییرات عمده‌ای در آن هستید، در اختیارتان بگذارم. به نظر ما این پیشنهادها را می‌توان به ترتیب زیر مطرح کرد:

بند ۱. مطابق با ماده‌ی ۲ اعلامیه‌ی حاضر، مرد و زن بالغ حق دارند با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند.

بند ۲. ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی زن و مرد صورت گیرد. مردان و زنان باید در تمام طول زناشویی و هنگام انحلال آن، از حقوق برابر بهره‌مند شوند.

ما به خوبی درک می‌کنیم که عبارات به‌کار رفته در پیش‌نویس اولیه‌ی کمیسیون حقوق بشر «آنان در مورد ازدواج حقوق برابر دارند» در ذهن نویسندگان‌شان به معنای «در تمام مراحل ازدواج» بوده است، ولی به نظر ما اعلامیه‌ی حقوق بشر را همگان باید به نحوی دریابند که نیازی به مراجعه به کارهای مقدماتی مربوط به آن نباشد و به همین سبب ضروری می‌دانیم که برابری حقوق زنان و شوهران در تمام مدت زناشویی با صراحت در «اعلامیه» بیاید.

عالی‌جناب، از صمیم قلب امیدواریم که دیدگاه ما را بپذیرید و پیشاپیش مراتب

حق‌شناسی بی‌پایان خود را اعلام می‌کنیم. جناب استاد خواهش‌مندیم احترامات صمیمانه‌ی ما را بپذیرید.

آ. لمان

اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی:

Union Internationale des Organismes familiaux
International Union of Family Organizations

Secrétariat général
28, place Saint-Georges
Paris IX° TRUdaine 96-70

Secrétariat général
28, place Saint-Georges
Paris IX° TRUdaine 96-70

RB/SC 911
1 pièce jointe

Le 2 décembre 1948

آقای رنه کاسن
معاون شورای دولتی
پاله روایال
پاریس
آقای رئیس

افتخار دارم توجه نیک‌خواهانه‌ی شما را به یکی از خواسته‌های اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی، در مورد اعلامیه‌ی حقوق بشر جلب کنم.

ما امیدواریم سازمان ملل متحد که شورای اقتصادی و اجتماعی آن به اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی، جایگاه مشورتی، رده‌ی ب، اعطا کرده، در تصمیم‌هایی که ممکن است درباره‌ی اعلامیه‌ی حقوق بشر بگیرد، خواسته‌ی ما را نیز در نظر داشته باشد.

آقای رئیس از شما خواهش‌مندیم احترامات بی‌پایان ما را بپذیرید.

دبیرکل
(ژان دلاپورت)

اتحادیه‌ی بین‌المللی سازمان‌های خانوادگی

با توجه

به آن که از یک سو در بیشتر کشورها و به ویژه در آن‌هایی که مصیبت جنگ را کشیده‌اند، منابع بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین حداقل معاش کافی نیست. و از سوی دیگر،

با توجه

به ناهماهنگی میان سطح زندگی متوسط خانواده‌ها و زوج‌های بی‌فرزند و نیز فقری که شمار بسیار زیادی از خانواده‌ها در آن فرو رفته‌اند و در وضعیت کنونی تمدن ما به کلی ناعادلانه است.

خواستارِ

آن است که در اعلامیه‌ی حقوق بشر ماده‌ای به حق ضروری خانواده‌ها در مورد داشتن زندگی‌ای منطبق با نیازها و خواسته‌های‌شان، و در نتیجه به حق دریافت غرامت متناسب با هزینه‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی‌شان، اختصاص یابد.

مباحثه در باب متن «اعلامیه» در مجمع عمومی ملل متحد (سپتامبر ـ دسامبر ۱۹۴۸)

کار بسیار جدی کمیسیون حقوق بشر، مانع آن نشد که «سومین کمیته»، با بیشترین توجه به مباحثه‌ی عمیق درباره‌ی متن پیش‌نویس «اعلامیه» بپردازد. این کمیته درباره‌ی پیش‌نویس «اعلامیه» هشتاد و پنج جلسه برگزار کرد ـ صرف‌نظر از بیست جلسه‌ای که در کمیته‌های فرعی گوناگون برگزار شدند.[۳۴]

اگرچه بسیاری از نکاتی که پیشتر در درون «کمیسیون» مورد بحث قرار گرفته

---

34. *Third Committee, Summary Records* (Troisième Comité, Comptes rendus).

همچنین نگاه کنید به خلاصه‌ای که چارلز مالک از کار سومین کمیته عرضه کرده است:

United Nations Official Records of the Third Session of the General Assembly, Part I, Plenary Meetings of the General Assembly (Comptes rendus officiels des Nations Unies de la 3ᵉ session de l'Assemblée générale, 1ʳᵉ partie, Réunions Plénières de l'Assemblée générale), *Summary Records of Meetings* (Comptes Rendus des réunions), 21 sept-12 déc. 1948 (Palais de Chaillot, Paris), p. 860.

بودند در «سومین کمیته» نیز دوباره مطرح گشتند، و چندین اصلاحیه نیز پیشنهاد و به رای‌گیری گذاشته و بعضی از آن‌ها تصویب شدند. سندی که سرانجام «سومین کمیته» در ۶ دسامبر ۱۹۴۸ تهیه کرد، هم از حیث سبک و هم از نظر جمله‌بندی شباهت نمایانی به پیش‌نویس پیشنهادی «کمیسیون» داشت.

پس از مناظره‌ای پرشور، که البته در مقایسه با مناظره‌های پیشین در درون «سومین کمیته» نسبتاً کوتاه بود، و پس از تصویب فقط یک اصلاحیه، مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و بی‌هیچ رأی مخالفی تصویب کرد.

آرای ممتنع به کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی (سابق)، اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی و عربستان سعودی تعلق داشتند (دلایل این رأی را جلوتر بررسی خواهیم کرد).

النور روزولت از جمله افرادی بود که برای تأمین اتفاق آرا تلاش ورزیده و با چندین نماینده‌ی متزلزل به تماس و مباحثه‌ی شخصی پرداخته بود.[۳۵] به همین

---

۳۵. پورتر مک‌کیور که در هیأت نمایندگی ایالات متحد در ملل متحد با النور روزولت کار می‌کرد، ماجرای جالبی را نقل می‌کند: النور روزولت پی می‌برد که هیأت نمایندگی پاکستان در «سومین کمیته» قصد دارد به «اعلامیه» رأی مخالف بدهد زیرا اعتقاد دارد که بند مربوط به حمایت از حق تغییر دین، برخلاف احکام اسلام است ـ دیدگاهی که در واقع به رأی ممتنع نماینده‌ی عربستان در رأی‌گیری نهایی انجامید. خانم النور روزولت این مسأله را با آقای محمد ظفرالله‌خان، رئیس هیأت نمایندگی پاکستان، در میان گذاشت. ظفرالله خان اطمینان داد که حتی اگر به کلی درست باشد که چنین حکمی در قرآن آمده است، همین کتاب مقدس آموزش می‌دهد که ریا و تزویر گناهی وخیم‌تر است و در نتیجه هیچ‌کس نباید به دینی که اعتقادی به آن ندارد، اقرار آورد. پاکستان به نفع «اعلامیه» رأی داد. نگاه کنید به:

(Mckeever Interview, May 24, 1979, *Eleanor Roosevelt Oral History Project*, Biblioth. F. O. Roosevelt, New York).

محمد ظفرالله‌خان هنگام بحث در مجمع عمومی، این آیه‌ی قرآن را ذکر کرد: «بگذارید کسی که ایمان داشتن را برگزیده است، ایمان داشته باشد، و کسی که ایمان نداشتن را برگزیده است، ایمان نداشته باشد» سپس به نمایندگان گفت: «آن چه محکوم شده، نداشتن ایمان نبوده، بلکه تزویر بوده است.»

General Assembly, Summary Records (صورت جلسات مجمع عمومی), p. 890.

←

سبب، پس از رأی‌گیری و به تصویب رسیدن اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد، نمایندگان حاضر در تالار قصر شایلو به‌پا خاستند و با تشویق و تحسین پرشور، ستایشی استثنایی از او به عمل آوردند.

موضوعات مناظره بر سر تعریف و محتوای حقوق بشر

هنگامی که جان. پ. هامفری و گروه او در بخش حقوق بشر ملل متحد در پی اجرای مأموریت خود مبنی بر تدوین یک سندِ کاری برآمدند تا کمیسیون حقوق بشر برمبنای آن کارهایش را آغاز کند، فرایندی از باریک‌اندیشی و مباحثه‌ی فکری را در باره‌ی مجموعه‌ی ابعاد حقوق بشر شروع کردند که امروزه نیز هنوز ادامه دارد.

البته پیش از آن مباحثاتی در باب محتوای حقوق بشر صورت گرفته بود. هدف از مبارزه با جنگ‌های جهانی این بود که نوعی برداشت از حقوق بشر معین و محترم شمرده شود؛ اما این مباحثات آغازین در میان افرادِ متعلق به فرهنگی واحد درگرفته بودند که ارزش‌های مشترکی داشتند و در مکان‌هایی نسبتاً نزدیک هم به‌سر می‌بردند. چیزی که آنان خواستارش بودند، یافتن رشته‌های متفاوتی بود که قادر باشند جنبه‌های گوناگون حقوق بشر را در دل فرهنگ خودشان به هم پیوند دهند و مستحکم سازند.

اما هدفی که جان هامفری و کمیسیون حقوق بشر دنبال می‌کردند کاملاً متفاوت بود و ماهیتی بسیار پیچیده‌تر داشت. آنان می‌خواستند برداشتی مشترک از حقوق بشر بیابند که همگان، به رغم تفاوت‌های بسیار میان فرهنگ‌ها، نظام‌های سیاسی، جایگاه‌های جغرافیایی و اوضاع و احوال‌شان آن را بپذیرند. در واقع عده‌ای معتقد

---

*

همچنین نگاه کنید به:

Joseph P. Lash. *Eleanor: The Years Alone,* London: André Deutsch, 1973, p. 79.

هربرت اوات، رئیس استرالیایی «مجمع عمومی»، ستایش‌های بسیار ویژه‌ای را نثار النور روزولت کرد: «حضور خانم روزولت که همراه با بسیاری از دیگر اشخاص در کار تدوین «اعلامیه» نقشی درجه اول ایفا کرده و نامی را که به او تعلق داشته به بلندای رفیع‌تری برکشیده است، مایه‌ی افتخار بسیار ویژه‌ی این مجمع است.»

General Assembly, Summary Records, p. 934.

بودند که خاصیت و فضیلت اصلی «اعلامیه‌ی جهانی» باید ارائه‌ی پاسخی مثبت به این پرسش باشد که آیا در زمینه‌ی حقوق بشر می‌توان بر سر قاعده و هنجاری بین‌المللی به توافق رسید؟[۳۶] هربرت اوات اهل استرالیا که در آن هنگام رئیس «مجمع عمومی» بود، چنین دیدگاهی داشت و نوشته بود: «برای نخستین بار در تاریخ، جامعه‌ی بین‌المللی یک صدا اندیشه‌ای جمعی را درباره‌ی آزادی‌ها و حقوق اساسی‌ای بیان کرده است که یکایکِ ملت‌ها برای آن‌ها پیکار کرده، رنج برده یا حتی در گذر قرن‌ها جان باخته‌اند.»[۳۷] اما رسیدن به این اندیشه‌ی جمعی و دست‌یابی به توافق کاری آسان نبود.

• مساله‌ی هم‌نظری

بسیاری از شرکت‌کنندگان در فرایند تدوین «اعلامیه»، به ویژه کسانی که خاستگاهِ فرهنگی غربی (اروپایی یا آمریکایی) داشتند، تأکید می‌ورزیدند که حقوق بشر از مفاهیمی بسیار روشن تشکیل شده که در مورد آن‌ها هم‌نظری گسترده‌ای وجود دارد.

در واقع به هنگام کارهای مقدماتی برای تدوین منشور ملل متحد، در درونِ حکومت ایالات متحد، بحث‌های نسبتاً اندکی درباره‌ی محتوای حقوق بشر جریانِ داشت. خیلی زود این توافق به‌دست آمد که حقوق بشر به مفاهیمی بسیار آشنا مانندِ «آزادی‌های سیاسی» و «ضمانت‌های قضایی» (که امروزه با نام رایج «حقوق مدنی و

---

۳۶. به عنوان نمونه نگاه کنید به مجموعه‌ی یادداشت‌های زیر:

«Study on Human Rights Covenants by Consultative Council of Jewish Organisations» (Archives des Nations Unies, New York: Dossier Oscar Schachter, Director-General Legal Division, United Nations, Box 52).

همچنین نگاه کنید به تفسیرهای رنه کاسن در «سومین کمیته»:

Summary Records, p. 62.

37. Herbert V. Evatt, «The World Most Powerful Influence for Peace», *United Nations Bulletin* (Bulletin des Nations Unies), Janv. 1, 1949, p. 2.

همچنین رجوع شود به تفسیرهای نماینده‌ی انگلستان که در منبع زیر ذکر شده است:

Hersch Lauterpacht, «The Universe Declaration of Human Rights», *British Year Book of International Law*, 1948, London: Oxford University Press, 1948, p. 371.

سیاسی» مشخص می‌شوند) استناد می‌ورزد. حقوق امنیت اقتصادی مباحثاتی را برانگیختند؛ مبنای این مباحثات گفته‌های فرانکلین د. روزولت درباره «آزادسازیِ نیازها» در «گفتار در باب چهار آزادی» در سال ۱۹۴۱ بود. پیشنهاد مربوط به حق آموزش نیز بحث کوتاهی درپی داشت، زیرا آمریکاییان به سبب اعتقاد به جدایی کلیسا و دولت به چنین حقی علاقه‌مند بودند. اساس بحث در آن دوران حولِ مسأله‌ی به اجرادرآوردن و کاربرد حقوق بشر در سطح بین‌المللی می‌چرخید تا حولِ مسائلِ مربوط به هم‌نظری.[۳۸]

نشانه‌ی دیگری از این «هم‌نظریِ» مفروض را در بررسی‌ای می‌یابیم که کمیته‌ی دانشگاه‌ها در دسامبر ۱۹۴۳ با همکاری بنیاد جهانی برای صلح، درباره‌ی مسائل بین‌المللی پس از جنگ انجام داده است. گروه‌هایی از دانشکده‌های چهل و شش کالج و دانشگاه از ایالات متحد گرد آمده بودند تا با مباحثات دسته‌جمعی حقوق بین‌المللی بشر را پس از جنگ مطالعه کنند. این مطالعه زیر نظر یکی از استادان برجسته‌ی دانشگاه شیکاگو، کوئینسی رایت، انجام می‌شد. نتایج به‌دست آمده از این گروه‌های مباحثاتی را چارلز آ. بیلیس در فصل‌نامه‌ی *The Public Opinion Quarterly* تحلیل می‌کرد.[۳۹] بیلیس دریافته بود که درباره‌ی محتوای اساسی حقوق بشر نوعی هم‌نظری وجود داشته که تا حد بسیار زیادی بیان مفاهیم غربیِ حقوق مدنی و سیاسی بوده است. در واقع بیلیس خاطرنشان می‌کرد که شهروندانِ آگاهی که او به بررسی واکنش‌های‌شان پرداخته، می‌توانسته‌اند انواع گوناگون حقوق ــ حقوقِ «عام» و «نسبی» یا حقوق «منفی» (حقوق اساساً مدنی و سیاسی) و حقوق «مثبت» (حقوق اساساً اقتصادی) ــ را از هم متمایز سازند، تمایزی که بعدها بسیار معروف شد؛ اما به گفته‌ی او هم‌نظری حول این امر شکل می‌گرفت که اقدام بین‌المللیِ بی‌درنگ فقط با حقوق رایج اندیشه‌ی لیبرالی غربی امکان‌پذیر بود. در مورد بقیه‌ی افراد، رسیدن به چنین تمایزی به وقت بسیار بیشتری نیاز داشت؛ تا آن هنگام بایستی به برنامه‌های آموزشی و اطلاع رسانی بسنده می‌شد.

یکی از تلاش‌های نادر در راه گسترش هم‌نظریِ وسیع‌تر در سطح جهانی درباره‌ی

---

38. Ruth B. Russel, *op. cit.* (4), pp. 324–326.

39. Charles A. Baylis, «Towards an International Bill of Rights», *The Public Opinion Quarterly* 8:2 (Summer 1944), pp. 244–253.

محتوای حقوق بشر ـ پیش از شروع کارهای کمیسیون حقوق بشر ملل متحد ـ با حمایت «انجمن حقوق آمریکایی» صورت گرفته است.

این انجمن در سال ۱۹۴۲ کمیته‌ای از حقوق‌دانان و پژوهش‌گران علوم سیاسی را از کشورهای گوناگون برگزیده بود که نظام‌های فلسفی و فرهنگی بسیار متعدد و مختلفی را نمایندگی می‌کردند. آنان از کشورهای آلمان، فرانسه، ایتالیا، لهستان، هند، انگلستان، اسپانیا، چین، کانادا، پاناما و نیز ایالات متحد آمده بودند. در میان این افراد متخصصان آشنا با نظام‌های فکریِ سوریه، لبنان، چین، اتحاد شوروی [سابق] و کارشناسان حقوق بین‌المللی نیز یافت می‌شدند. این کمیته که تحت ریاستِ مدیرِ «انجمن حقوق آمریکایی»، ویلیام درپیر لوئیس، بود در حدود دوسال فعالیت کرد. نتایج کارهای آن در *گزارشی در باب حقوق اساسی بشر* گردآوری شده‌اند. جان هامفری این گزارش را به مثابه بهترین سندی توصیف کرده، که در نگارش «سندِ کاری» برای کمیسیون حقوق بشر از آن بهره‌مند شده است.[۴۰] با آن که «انجمن» تصمیم گرفته بود این پیش‌نویس را به صورت رسمی در سازمان ملل به رأی نگذارد، حکومت پاناما، که رئیس‌جمهورِ سابقش عضو کمیته‌ی همین «انجمن» بود، این کار را انجام داد. حکومت پاناما در سان‌فرانسیسکو بیهوده کوشید تا این پیش‌نویس را در منشور ملل متحد بگنجاند؛ یک بار دیگر نیز در اولین نشست مجمع عمومی سازمان برای تصویب آن تلاش ورزید.

پیش‌نویس «کمیته‌ی» «انجمن حقوق آمریکایی» شامل هجده ماده‌ی کوتاه بود که موارد زیر را بیان می‌کردند:

آزادی‌های معروفِ دین، عقیده، سخن، گردهمایی و اجتماعات؛ حق مصون بودن از مداخله‌ی غیرقانونی، دستگیری خودسرانه، قوانینی که عطف به ماسبق می‌شوند و تبعیض برمبنای نژاد، دین و جنس؛ حق بهره‌مندی از قضاوت منصفانه؛ حق مالکیت؛ حق مشارکت در حکومت. این پیش‌نویس حقوق اقتصادی و اجتماعی مانند حق آموزش، کار، شرایط مطلوبِ کار، خوراک، مسکن و تأمینِ اجتماعی را نیز شامل می‌شد و ماده‌ی هجده آن مفهومی بسیار مهم را بیان می‌کرد و مقرر می‌داشت که حقوق مذکور با حقوق دیگران، و با «الزاماتِ عادلانه‌ی دولتِ

---

40. John P. Humphrey, *op. cit.* (16), p. 43.

دمکراتیک» محدود می‌شوند.[۴۱] روایت مشروح‌تری از این پیش‌نویس وجود دارد که شامل دیباچه و تفسیرهایی درباره‌ی هریک از ماده‌ها است. ذکرِ دیباچه‌ی آن در این جا سودمند است زیرا اصول فلسفی‌ای را مطرح می‌کند که بعدها در درونِ «کمیسیون» مباحثات متعددی را برانگیختند:

«آسایش مردم، امنیت دولت و صلح در جهان، تابع آزادی فرد است؛ آزادی‌های عده‌ای با آزادی‌های دیگران محدود می‌شوند، و تضمین این آزادی‌ها در گرو آن است که افراد وظایف خود را به مثابه عضو جامعه انجام دهند. نقش دولت تقویت اوضاعی است که در آن فرد می‌تواند آزادتر باشد.

این اعلامیه برای آن صادر شده که آزادی‌هایی را که حق هر انسانی است و این ضمانت را بیان دارد که هرکس بتواند در پناه حکومت مردم، برای مردم و به دست مردم زندگی کند.»

از آن جا که در درون کمیته‌ی برگزیده‌ی «انجمن حقوق آمریکایی» اختلاف‌نظرهایی وجود داشت، این کمیته نتوانست به هم‌نظری عام برسد؛ این امر راه پیشرفت «انجمن» را سد کرد و در تصمیم‌گیری آن در مورد خودداری از ارائه‌ی پیش‌نویس با امضای «انجمن» نقش داشت.[۴۲]

با آن که کار کمیته‌ی انجمن حقوق آمریکایی برخی از دشواری‌ها را آشکار کرده بود که در راه دست‌یابی به هم‌نظریِ مبتنی بر اصول فرهنگی ویژه وجود داشت، به هنگام تشکیل کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، اعتقاد به چنین هم‌نظری‌ای بسیار رایج بود.

---

۴۱. متن این پیش‌نویس را سازمانِ American's United for World Organisation در ۱۹۴۵ منتشر و پخش کرده بود. ملل متحد نیز همین متن را با عنوان زیر تجدید چاپ کرده است:
Statement of Essential Human Rights Presented by the Delegation of Panama, UN Doc. A/148, 24 Oct. 1946.

۴۲. همچنین نگاه کنید به:
American Law Institute, *Proceedings* 32 (1643–1944), pp. 32–34.
صورت مجلس‌های «کمیته» در ۱۹۴۲-۱۹۴۳ و دیگر اسنادهای آن ـ سرچشمه‌ی حقیقی اندیشه‌های بدیع ـ در بایگانی‌های ملل متحد در نیویورک یافت می‌شود
(Dag–18/2.1.1–1, DAG - 18/2.1–2).

نظریه‌ی حقوق «طبیعی» و نظریه‌ی حقوق «وضعی»

به هنگام شروع نظرخواهی‌های کمیسیون حقوق بشر، تفاوت‌های اساسی با روشنی فزاینده‌ای آشکار شدند. یکی از پایدارترین مسائل این بود که حقوق بشر را باید برچه مبنایی اعلام کرد؟ مفاهیم غربی حقوقِ ذاتی شخص انسان زاده‌ی سنت حقوقِ «طبیعی» هستند که برمبنای آن انسان‌ها حقوقی دارند که طبیعت، یا به نظر عده‌ای فطرت الهی به انسان اعطا کرده است. درست همین فرض فلسفی مبنای اعلامیه‌ی استقلال ایالات متحد آمریکا است. «همه‌ی مردم برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان به آن‌ها حقوق سلب‌ناپذیری اعطا کرده است...» اگر عبارت کاملاً دینی این نظریه را به‌کار ببریم یا نبریم، در هرحال به معنای آن است که مبنای مفروض حقوق بشر، پدیده‌ای فراملی و برون‌بشری است. این مفهوم از حقوق بشر حاصل نظریه‌ای است که گروهی از فیلسوفان اروپایی در قرن هجدهم تدوین کرده بودند (در تمام طولِ مباحثات درباره‌ی «اعلامیه‌ی جهانی» بارها از آنان نام برده شده است). این نظریه در زمره‌ی نظریه‌های مسلطِ مبانی درست حقوق بین‌المللی قرار داشته است.

همراه با نظریه‌ی جدیدترِ حقوق «وضعی» دیدگاه بسیار متفاوتی درباره‌ی مبانی حقوق بشر پدیدار شد که خواستار آن بود که فقط اعمال و رفتار انسان‌ها و ــ به‌تعبیری وسیع‌تر ــ دولت‌ها، منشأ و تعیین‌کننده‌ی حقوق (و در واقع خودِ حق) باشند.[۴۲] این دیدگاه نشان‌دهنده‌ی پیروزی عقل‌باوری بود و اعتقاد داشت که انسان‌ها همانند دولت‌ها به هیچ‌وجه تحت الزام قوانین برون‌بشری قرار ندارند، بلکه داوطلبانه و از روی عقل می‌پذیرند که خودشان رفتارهای‌شان را محدود سازند تا از بهترین امکانات برای تکامل شخصی یا ملی برخوردار شوند. در نتیجه، با رعایتِ محدودیت‌هایی که دولت‌ها برای اعمال خود وضع می‌کردند، تعیین محدوده و دامنه‌ی حقوق بشر و نیز حقوق بین‌المللی امکان‌پذیر می‌شد.

---

۴۲. خلاصه‌ی موجزی از این نظریه‌های متفاوت در منبع زیر آمده است:
Michael Akehurst, *A Modern Introduction to International Law*, Sixth Edition, London: Allen and Unwin, 1987, pp. 13-15.

در جریان نظرخواهی‌های «کمیسیون»، این تفاوت اساسی برداشت‌های فلسفی هنگامی آشکار گشت که مسأله‌ی گنجاندن یا نگنجاندنِ استناد به خدا یا طبیعت به‌مثابه منشأ حقوقِ بیان‌شده در «اعلامیه» مطرح گشت. هلندی‌ها طرفدار گنجاندنِ این استناد بودند و کوشیدند تا در جریان مباحثات سومین کمیته‌ی «کمیسیون»، پیش‌نویس «اعلامیه» را به سمت پذیرش همین استناد بکشانند. نماینده‌ی هلند، دکتر ی. هـ. رواین، در مجمع عمومی به سخن‌رانی پرداخت و اظهار تأسف کرد که «در " اعلامیه" به منشأ الهی انسان و جاودانگی روح او اشاره نشده است؛ در واقع سرچشمه‌ی تمام این حقوق خودِ خدای متعال است که مسئولیت بزرگی بر دوشِ کسانی گذاشته که این حقوق را مطالبه کرده‌اند. نادیده‌گرفتن این پیوند، در حکمِ جداکردن گیاه از ریشه‌های آن، یا ساختن خانه‌ای بدون پی است.»[۴۴] اگرچه پیشنهادِ هلند، در اصل، از پشتیبانی استوار بعضی از کشورها، به‌ویژه چند کشور اروپایی برخوردار شد، کشورهای دیگر با آن مخالفت کردند: کشورهای اروپایی که طرفدارِ نظرگاه حقوقِ «وضعی» بودند و نیز کشورهای غیرغربی که هرگونه بیان حقوقِ «طبیعی» را نشانه‌ی ارزش‌های فرهنگی غرب می‌دانستند.

نظریه‌ی لیبرالی و نظریه‌ی مارکسیستی

دومین سرچشمه‌ی ستیزه ـ که از جهاتی حادتر بود ـ نمایندگان لیبرالیسمِ غربی را در برابر نمایندگان دولت‌های مارکسیست قرار داد. این اختلاف دست‌کم سه عرصه را دربرمی‌گرفت: (۱) عرصه‌ی فلسفی، (۲) عرصه‌ی تاریخی، و (۳) عرصه‌ی عملی.

در عرصه‌ی فلسفی، برداشت مارکسیستی از حقوق، برپایه‌ی جمع استوار شده بود و به چیزی که آن را فردگراییِ ازخودبیگانه‌ساز، تقسیم‌کننده و حاصل لیبرالیسمِ غربی به‌حساب می‌آورد، اعتماد نداشت. دست‌یابی به رفاه و آسایش اقتصادی، پیش‌شرطِ بهره‌مندی واقعی از حقوق مدنی و سیاسی شمرده می‌شد و این رده‌بندیِ

---

44. General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), *op. cit.*, p. 874.

همچنین نگاه کنید به:

Third Committee, *Summary Records* (Comptes rendus du Troisième Comité), *op. cit.*, pp. 755-756.

ترجیحات، برخلاف رده‌بندی ترجیحاتِ لیبرالیسم غربی بود.* به‌علاوه مارکسیست‌ها اعتقاد داشتند که حقوق بشر فقط در چارچوب نیازها و حقوق جامعه تصورپذیر است؛ برای آنان حقوق بشر صرفاً هنگامی تحقق‌پذیر می‌شد که حقِ‌دولت‌ها تضمین شده باشد، زیرا خود حقوق بشر را نیز باید دولت‌ها تضمین می‌کردند. مارکسیست‌ها پافشاری دولت‌های غربی را بر مقدم شمردن حقوق مدنی و سیاسی، چیزی جز دفاع از حقوق «بورژوایی» نمی‌دانستند، حقوقی که در بهترین حالت، مطلوب و خدمت‌گزار طبقه‌ی حاکم بود و در بدترین حالت ممکن بود به‌مثابه ابزار سرکوبِ طبقه‌ی کارگر به‌کار گرفته شود. مارکسیست‌ها همچنین می‌اندیشیدند که دولت در مقام نماینده‌ی جامعه، در کلیت آن، برای تضمین رعایتِ حقوق بشر و آسایش اقتصادی مسئولیت خاصی برعهده دارد؛ این دیدگاه برخلاف اندیشه‌ی لیبرالی کلاسیک بود که چنین مسئولیتی را به دیده‌ی نوعی دخالتِ زیانبار برای آزادی می‌نگریست.

در عرصه‌ی تاریخی کشورهای مارکسیستی مدعی بودند که به سطحی از برابری در دست‌یابی به منابع اقتصادی رسیده‌اند که دور از دسترس از جامعه‌های سرمایه‌داری غربی است؛ آن‌ها به این امر می‌بالیدند و به پافشاری کشورهای غربی بر حقوق مدنی و سیاسی بدگمان بودند، زیرا این کار را ترفندی برای پنهان‌داشتنِ نتایج نامناسب در زمینه‌ی برابری اقتصادی می‌دانستند. با این همه نمایندگان اروپای غربی، ایالات متحد و آمریکای لاتین، خاطرنشان می‌کردند که خودداری از اعطایِ حقوق مدنی و سیاسی در کشورهای مارکسیستی برخلاف پیشنهادهای خود آن‌ها در مورد اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بوده است.

در عرصه‌ی عملیِ روابطِ سیاسی بین‌المللی، این ستیزه‌های فلسفی و تاریخی به‌مثابه پیش‌درآمد جنگ سرد مطرح می‌شدند که در حال برآمدن بود. قدرت‌هایِ

---

*. ناگفته نماند که آقای گلن جانسون، به اقتضای طبع لیبرالی خود، مارکسیسم عامیانه و جزم‌آلوده‌ی استالینی را با نگرش مارکسیستی به معنای عام یکی می‌انگارد. درست برخلاف نظر او، مارکس ـ به‌ویژه در مسأله‌ی یهود ـ رهایی سیاسی را مقدمه‌ی رهایی اجتماعی می‌داند و بر اهمیت ـ و نیز نارسایی ـ رهایی سیاسی تأکید می‌ورزد. مارکس خواستار رهایی همه‌جانبه‌ی نوع بشر است که به ناگزیر از نفی مناسبات سرمایه‌داری گذر می‌کند. همین نکته از مهم‌ترین عوامل ضدیت سرسختانه‌ی لیبرالیسم با مارکس و مارکسیسم است ـ م.

غربی، به ویژه مهم‌ترینِ آن‌ها، حقوق بشر را هرچه بیشتر به چشم سلاحی مهم و کارساز در چارچوب جنگ سرد با اتحاد شوروی می‌دیدند و اتحاد شوروی نیز به‌ناگزیر مباحثه درباره‌ی حقوق بشر در سازمان ملل را ــ دست‌کم تا حدی ــ به‌مثابه حمله‌ی غربی‌ها درنظر می‌گرفت.

این جنبه از مسائل به هنگام سخنرانی النور روزولت در سپتامبر ۱۹۴۸ در دانشگاه سوربون بیش از هر زمان دیگری روشن شد.[۴۵] بخش اعظم متن این سخنرانی را وزارت امور خارجه‌ی آمریکا به زبان فرانسوی برای خانم روزولت نوشته بود. این سخنرانی توجه بسیاری را در اروپا جلب کرد و یکی از مفسرانِ آمریکایی در توصیف آن نوشت: «سخنرانی جنگ سرد با این هدف که به دنیا نشان داده شود که آمریکا ــ و نه اتحاد شوروی ــ قهرمان نمونه‌ی حقوق بشر است و تمامِ موضوع جنگ سرد نیز در همین موضوع خلاصه می‌شود.»[۴۶] این مباحثه در مجمعِ عمومی از سر گرفته شد و در آن نمایندگان غربی، از جمله النور روزولت، اقداماتِ شوروی‌ها را در نقض حقوق مدنی و سیاسی افشا کردند و شوروی‌ها و متحدان‌شان نیز نه فقط از دستاوردهای‌شان در این زمینه به دفاع پرداختند، بلکه ایالات متحد و دیگر کشورهای غربی را به سبب میزان تورم، دست‌یابی نابرابر به آموزش و پرورش و ناکافی‌بودن اوقات فراغت کارگران به باد حمله گرفتند. به نظر آنان تمام این امور ناقض حق کار، آموزش و پرورش و فراغت بودند.

از همان اولین نشست «کمیسیون» در ژانویه‌ی ۱۹۴۷، ماهیت این اختلاف تا حدی روشن شد. دکتر ریبنیکار، نماینده‌ی یوگسلاوی، در تفسیر طرحِ پیشنهادیِ «اتحادیه‌ی آمریکایی کار» خاطرنشان کرد که اوضاع اقتصادی جدید عصر مدرن موجب پیدایش روحیه‌ی جمعی تازه‌ای شده، بدین معنی که آرمان یا هدف اجتماعی آن است که منافع جامعه و فرد همانند باشند. چارلز مالک و دوشیزه سندر که نماینده‌ی «اتحادیه‌ی آمریکایی کار» بودند، در برابر گفته‌های دکتر ریبنیکار

---

45. Eleanor Roosevelt, «The Struggle for Human Rights», *Department of State Bulletin*, October 10, 1948, pp. 457-466.

46. A. Glenn Mower Jr. *The United States, the United Nations and Human Rights: the Eleanor Roosevelt and Jimmy Carter Eras*, Westport, Conn .: Greenwood Press, 1979, p. 35.

به‌سرعت واکنش نشان دادند. آنان با پافشاری بر این نکته که شیوه‌ی نگرش او راهنمای جباریت است از این دیدگاه دفاع کردند که حقوق مدنی و سیاسی در اساس باید فردی باشند.[47] شوروی‌ها نه قانع شدند و نه دل‌سرد. آندری ویشینسکی ــ که در سازمان ملل، برخورد او با النور روزولت در مورد مسأله‌ی پناهندگان در اولین نشست مجمع عمومی تقریباً زبانزدِ همه شده بود ــ در جریان مباحثه در مجمع عمومی درباره‌ی «اعلامیه‌ی جهانی» به این تفاوت بازگشت و گفت که در نظامِ شوروی «دولت و فرد با یکدیگر هماهنگ هستند و منافع‌شان برهم منطبق‌اند.»[48]

اما در جریان کارهای «کمیسیون»، این تفاوت‌های فلسفی، تاریخی و سیاسی، شاید کم‌تر از آن‌چه انتظار می‌رفت دشواری ایجاد کردند. نمایندگان شوروی در اغلبِ موارد به‌سرعت عوض می‌شدند، گاهی در نظرخواهی‌ها به‌صورت کامل شرکت نمی‌کردند و معمولاً به نظر می‌رسید که به کار «کمیسیون» اهمیت چندانی نمی‌دهند. با این همه آنان اصلاحاتی را در مورد پیش‌نویس‌های متعدد «اعلامیه» پیشنهاد کردند که هم عام و هم خاص بودند. صرف‌نظر از چند استثنا، تغییراتی که آنان توصیه می‌کردند، با پاسخ ردِّ اکثریت قاطع اعضای «کمیسیون» روبه‌رو می‌گشت. کوشش‌های بعدی آنان برای دفاع از پیشنهادهای‌شان در «سومین کمیته» و در نشست همگانی «مجمع عمومی» نیز با همین سرنوشت روبه‌رو شد.

هدف اصلاحات پیشنهادی شوروی‌ها و متحدان‌شان معمولاً تقویت یا پشتیبانی از برخی اصولی بود که با گزینش‌ها و نظرگاه‌های فلسفی، تاریخی و سیاسی خودشان پیوند داشتند. از جمله‌ی این موارد هنگامی بود که در پاییز ۱۹۴۸، در جریان مباحثه‌ی «سومین کمیته» درباره‌ی پیش‌نویس «کمیسیون»، نماینده‌ی لهستان آقای م. موجلوسکی با تأکید خواستار شد که «اعلامیه» اصول زیر را دربرگیرد:

۱. به رسمیت شناختن حقوق سیاسی بی‌فایده است مگر در صورتی که حقوقِ اقتصادی و اجتماعی تضمین شده باشد؛

---

47. James P. Hendrick, «An International Bill of Human Rights», *op. cit.* (14), p. 197.

48. General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 929.

۲. به رسمیت شناختن حقوق باید تابع اجرای وظایف باشد؛
۳. حقوق باید برای تمام خلق‌ها، از جمله خلق‌های تحت انقیاد و خلق‌های سرزمین‌های غیرمستقل به رسمیت شناخته شود؛
۴. پذیرش «اعلامیه» نباید متضمن هیچ نوع دخالت در اموری باشد که به صلاحیت ملی دولت‌های مستقل مربوط می‌شوند؛
۵. آزادی گفتار و بیان نباید به فاشیست‌ها داده شود.[۴۹]

نباید اندیشید که در مورد ضروری بودنِ حقوق اقتصادی و اجتماعی فقط میان جامعه‌های مارکسیستی و جامعه‌های لیبرالی غربی تفاوت وجود داشت. بسیاری از سوسیالیست‌هایِ غربی و نمایندگان کشورهایی که بعدها کشورهای جهان سوم خوانده شدند نیز اهمیت بسیار زیادی برای این امر قائل بودند که حقوق اقتصادی و اجتماعی به‌نحوی در یک اعلامیه گنجانده شود. بسیاری از آن‌ها اصل فرانکلین روزولت را دربارهٔ «آزادسازی نیازها» پذیرفته بودند. موضع رسمی ایالات متحد محافظه‌کارانه‌تر بود. بر اساس این موضع، حقوق اقتصادی و اجتماعی فقط باید در خدمت بیان اهداف و مقاصد باشند؛ این حقوق آرزویی مطلوب هستند اما به هیچ‌وجه نباید به‌مثابه حقوقی درنظر گرفته شوند که تدابیر حکومتی را ضروری می‌سازند.[۵۰] موضع دولت‌های مارکسیستی از همه رادیکال‌تر بود. آن‌ها حقوقِ اقتصادی و اجتماعی را از حقوق مدنی و سیاسی برتر می‌شمردند و حقوق دولت‌ها را دست‌کم هم‌سطحِ حقوق افراد قرار می‌دادند. در هرحال مسأله‌ی اهمیت دادن به حقوق اقتصادی و اجتماعی و نیز مسأله‌ی حقوق و مسئولیت‌های دولت‌ها، موضوع مباحثات مکررِ بسیاری از نمایندگان در کمیسیون حقوق بشر و «در سومین

---

49. Third Committee, *Summary Debates* (Résumé des débats du Troisième Comité), pp. 46-47.

همچنین نگاه کنید به:

Summary of the comments by the Soviet Representative Mr Pavlov (Résumé des commentaires du représentant soviétique M. Pavlov), *in ibid.*, pp. 57-59.

۵۰. به عنوان مثال رجوع شود به سخنرانی النور روزولت در همان شب تصویب «اعلامیه»:

Eleanor Roosevelt, «General Assembly Adopts Declaration of Human Rights — Statement by Mrs F.D. Roosevelt», *Department of State Bulletin* 19, 19 déc. 1948, p. 751.

کمیته» بود و اختلافات و دیدگاه‌های گوناگون را آشکار می‌ساخت. از روی این اختلافات می‌شد پیش‌بینی کرد که در تمام طول فرایند نگارش دو پیمان‌نامه‌ی اصلی درباره‌ٔ حقوق بشر، و نیز پس از آن، چه تفاوت دیدگاه‌های مهمی تنورِ مباحثات را همچنان گرم نگه می‌دارند.

فرهنگ غربی و فرهنگ‌های غیرغربی

نگارش «اعلامیه‌ی جهانی» تفاوت‌های فلسفی بزرگی را در مورد محتوای بایسته‌ی حقوق بشر آشکار ساخت. با این همه مشخص شد که مسائل مورد بحث در آن دوران و دیدگاه‌هایی که الهام‌بخش روایت نهایی «اعلامیه» بودند، در اساس به یک منظومه‌ی فلسفی نسبتاً غربی مربوط می‌شدند. سنّت حقوق طبیعی، حقوقِ وضعی و مارکسیسم همگی ریشه‌های استواری در سیر تحول فلسفه و حقوق غربی دارند. سنت‌های فلسفی و حقوقی غیراروپایی ــ که شاید می‌توانستند خواسته‌هایِ آرمانی متفاوت یا تکمیلی حقوق بشر را مطرح سازند ــ به‌ندرت در مذاکرات و مشورت‌ها مدنظر قرار گرفتند. حتی آن بخش از اعضای کمیسیون حقوق بشر که نمایندگی کشورهای غیراروپایی را برعهده داشتند، در اغلب موارد خودشان نیز یا در غرب یا در مؤسساتی درس‌خوانده بودند که نمایندگان قدرت‌های استعماریِ اروپایی درکشورهای‌شان ایجادکرده بودند. اگرچه گاه‌گاهی به اندیشه‌های سنت‌هایِ غیراروپایی مانند آیین کنفوسیوس یا اسلام ارجاعاتی می‌شد، ارجاع به دیدگاه‌هایِ اروپایی بر نظرخواهی‌هایی که به نگارش «اعلامیه جهانی» انجامیدند، سخت مسلط بود.[۵۱]

---

۵۱ برای بحث گسترده‌تر در مورد مسائل مربوط به تفاوت‌های فلسفی و فرهنگی در تعریف حقوق بشر رجوع شود به:

Glen Johnson, «Human Rights in divergent Conceptual Settings: How do Ideas Influence Policy Choices?» dans David Cingranelli (éd.), *Human Rights: Theory and Measurement*, London: Macmillan, 1988, pp. 41-59, et particulièrement pp. 42-45.

برای آشنایی با دیدگاهی متفاوت، نگاه کنید به:

Jack Donnelley, «Human Rights and Human Dignity: An Analytical Critique

←

بدین ترتیب دیدگاه‌های کشورهای جهان سوم ــ که بعدها بر سازمان ملل متحد مسلط شدند ــ در جریان نگارش «اعلامیه‌ی جهانی» بازتاب چندانی نداشتند. البته بسیاری از دولت‌های «جدید»، که پس از تصویب «اعلامیه‌ی جهانی» در سال ۱۹۴۸ به سازمان ملل پیوستند، این اعلامیه را تصویب کردند و در موارد بسیاری آن را به صورت مرجع در قانون اساسی خود گنجاندند. سازمان‌های منطقه‌ای متعددی نیز در بیرون از اروپا «اعلامیه‌ی جهانی» را مرجع چندین قطع‌نامه و معاهده قرار دادند. در هرحال با توجه به تغییر ترکیب اکثریت در درون سازمان ملل متحد می‌توان به عللِ تغییرات تدریجی در برتر شمردن برخی از حقوق در «اعلامیه‌ی جهانی» و سخن‌رانی‌ها، قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های بعدی در مورد حقوق بشر پی برد. تغییراتی که در این سخن‌رانی‌ها، قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها در مقایسه با «اعلامیه‌ی جهانی» دیده می‌شود، چه بسا در مواد و متن‌های مربوط به حقوق مالکیت نمایان‌تر از سایرِ موارد باشد.

مجادله درباره‌ی بعضی از حقوق

علاوه بر تفاوت‌های مهمی که به مناظره‌ی عام بر سر اعلامیه دامن زدند، محتوا و جمله‌بندی بسیاری از ماده‌های خاص نیز اختلاف‌نظرهایی را موجب شده‌اند. هریک از ماده‌های «اعلامیه» مباحثه‌ای عمیق را در درون «کمیسیون»، «کمیته‌ی نگارش» و «سومین کمیته» برانگیخته است.[۵۲]

از جمله ماده‌ی ۱ «اعلامیه» که در متن نهایی و تصویب شده‌ی آن آمده است:

> «تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابراند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ای برادرانه رفتار کنند.»

←

of Non-Western Conceptions of Human Rights», *American Political Science Review* (1982), pp. 303-316.

۵۲ تفسیرهایی که در این‌جا درباره‌ی مباحثات مربوط به ماده‌های «اعلامیه» عرضه گشته، برمبنای اسناد و صورت مجلس‌های «سومین کمیته» تنظیم شده‌اند:

Third Committee, *Summary Records*, pp. 32-790, 847-890.

این ماده در طول فرایند نگارش اعلامیه مسائلی را ایجاد کرده بود. از یک‌سو مسأله‌ی پی‌ریزی حقوق بشر برپایه‌ی حقوق طبیعی با این پرسش مطرح شده بود که «چه کسی عقل و وجدان را به افراد بشر داده است؟» پس از مناظره‌ای جدی که در آن پیشنهادهایی به ویژه در مورد گنجاندن «از رهگذر طبیعت»، یا استنادهای کمابیش ویژه به خدا عرضه گشت، تصمیم گرفته شد که این مسأله را دور بزنند و فقط بر سرشت انسانی عقل و وجدان تأکید ورزند.

بعضی از فمینیست‌ها معتقد بودند که عبارت «تمام افراد بشر» به اندازه‌ی کافی بیان نمی‌کند که حقوق مندرج در «اعلامیه» به یکسان به زنان و مردان تعلق دارد. آنان نگران بودند که، دست‌کم در بعضی از کشورها، حذف استناد آشکار به زنان باعث شود که رهبران فرهنگ‌هایی که به‌طور سنتی مردسالارانند، این حقوق را همچنان (به‌نحوی محدودکننده) طوری تفسیر کنند که گویی فقط متعلق به مردان هستند.[۵۳] نمایندگانی دیگر، از جمله النور روزولت، می‌گفتند که عبارت «تمام افراد بشر» به روشنی زنان را نیز دربرمی‌گیرد و *ماده‌ی ۲* نیز مؤید همین نکته بود:

> «هرکس می‌تواند بی هیچ‌گونه تمایزی، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند گردد.»

بعضی از نمایندگان احساس می‌کردند که *ماده‌ی ۱* بیشتر بر یک اعتقاد تأکید می‌ورزد تا بر یک حق و به همین سبب آن‌چه در ماده‌ی ۱ آمده، باید در پیش‌گفتار جای گیرد، نه در داخل متن ماده‌ها.

ترتیبات *ماده‌ی ۲* در مورد ضرورتِ نبودِ تبعیض نیز بحث‌های متعددی را عمدتاً درباره‌ی مناسب بودنِ گنجاندن یا حذف بعضی از عبارات از فهرست مقوله‌هایِ تبعیض‌آمیز برانگیخت. برخی از کشورها، به‌ویژه اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی مدافعِ این نظر بودند که مقوله‌ی عدم تبعیض فقط باید در مورد بعضی از حقوق اساسی به‌کار رود و شماری از حقوق، از جمله حق مشارکت در اداره‌ی امور عمومی نباید در

---

۵۳. نگاه کنید به تفسیرهای خانم بوذیل بگتروپ (نماینده‌ی دانمارک)

General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 892.

«اعلامیه» گنجانده شود.

در قسمت دوم مادهی ۲، مستقل از وضعیت اداری و حقوقی کشور یا سرزمینی که اشخاص تبعهی آن هستند، شرط عدم تبعیض ذکرشده که مسائلی را برانگیخته است. در درجهی اول، عدهای از نمایندگان معتقد بودند که دستکم بعضی از حقوقِ مندرج در «اعلامیه» نباید حتماً به ساکنان مستعمرات یا سرزمینهای تحتِ قیمومت تعلق گیرند.[۵۴] عدهای دیگر با اشاره به دشواریهای مربوط به قانونِ اساسی در نظامهای فدراتیو، خاطرنشان میکردند که بعضی از حکومتهای مرکزی ــ که عضو ملل متحد هستندــ ممکن است با توجه به مقررات قانون اساسی دربارهی اختیارات و وظایف تقسیمات کشوری خود، قدرت لازم را برای به اجرا درآوردن برخی از حقوق در اختیار نداشته باشند.[۵۵]

مادهی ۳ که حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی را تضمین میکند این مسائل را مطرح ساخت که زندگی چه هنگامی آغاز میشود و در چه شرایطی ــ اگر این شرایط وجود داشته باشند ــ دولت حق دارد مجازات اعدام یا محدودیت آزادی را اِعمال کند.

مادهی ۴ که بردگی و بندگی را ممنوع میسازد، مسألهی «بندگی ارادی» را مطرح کرد. مناظرهای که در این باره درگرفت بهروشنی نشان داد که چقدر دشوار است واژگانی را بیابیم که بتوانند برای کسانی که زبانهای مادریشان آن همه متفاوت بود، چیزی واحد را بیان کنند.

این برشمردن مختصرِ مسائلِ ناشی از چند ماده کافی است تا نشان دهیم که در راه گزینش واژگان «اعلامیه» چه دشواریها و پیچیدگیهایی وجود داشته است. میتوان در مورد مباحثات و مناظراتی که دربارهی هر مادهی «اعلامیه» روی دادهاند، تفسیرهای مشابهی ارائه کرد. اما چهبسا مفیدتر آن باشد که توجه خود را حول چند

---

۵۴ جالب است اشاره کنیم که انگلیسیها واضع یگانه اصلاحیهی پیشنویس صومین کمیته هستند که «مجمع عمومی» در اجلاس عمومی خود آن را پذیرفت. در این اصلاحیه پیشنهاد شده بود که مادهای جداگانه دربارهی ضرورت اجرای حقوق در سرزمینهای غیرمستقل حذف گردد و محتوای آن در قسمت دوم مادهی ۲ گنجانده شود. نگاه کنید به:
General Assembly, *Summary Records*, p. 803.

۵۵ برای نمونه نگاه کنید به تفسیرهای لستر پیرسون (کانادا): *Ibid*., pp. 899-900.

ماده‌ای متمرکز سازیم که مسائل مهمی را برانگیخته و موضوع برخورد آرا بوده‌اند. به‌ویژه ماده‌هایی که اختلاف‌نظرهای اساسی پیشگفته را بازتاب می‌دهند. ماده‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از جمله‌ی همین ماده‌ها هستند. و نیز ماده‌ی ۲۳ (حق کار)، ماده‌ی ۲۶ (حق آموزش و پرورش)، و ماده‌ی ۲۹ درباره‌ی وظایف و مسئولیت‌های دولت‌ها.

ازدواج

مفاد ماده‌ی ۱۶ به یکی از محوری‌ترین مسائل سنت‌های فرهنگی مربوط می‌شود، زیرا بیشتر جامعه‌ها ازدواج را با دقت بسیار، بر اساس حقوق یا سنت، با تنوع بسیار، تعریف و ضوابطش را تعیین می‌کنند. در واقع سنت‌های کمی وجود دارند که برای حفظ و دوام فرهنگی معین، به اندازه‌ی سنت‌های مربوط به ازدواج ضروری باشند. عباراتی که در متن نهایی اعلامیه آمده و در آن‌ها تأکید شده که مرد و زن حق دارند «بی‌هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت یا دین» با همدیگر زناشویی کنند، که «آنان در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند»، که «ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی زن و مرد صورت گیرد»، و این که «خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود»، به پایه‌های باورهای فرهنگی عمیقاً ریشه‌دار تقریباً تمام جامعه‌های دنیا می‌تازد.

موانع دینی یا نژادی برای ازدواج باورهایی هستند که در اروپا و آمریکا و نیز در بخش اعظم کشورهایی که امروزه جهان سوم نامیده می‌شوند رواج گسترده داشته‌اند و دارند. موانع مندرج در قانون استثنا نیستند. در واقع شرط مربوط به عدم تبعیض در ماده‌ی ۱۶ در پیش‌نویس پیشنهادی «کمیسیون» وجود نداشت و در پی اصلاحیه‌ای افزوده شد که مکزیک پیشنهاد کرده بود.

در بسیاری از جوامع ازدواج با انواع منع و محدودیت و نابرابری‌ها همراه بوده است. اندیشه‌ی ضرورت برخورد متفاوت به زن و شوهر نه فقط بسیار رایج است، بلکه در اغلب موارد اصول قضایی و دینی نیز مؤید آن هستند. در واقع اگرچه در جریان مناظرات سال‌های دهه‌ی چهل، این دیدگاه که «خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است»، در اساس به پرسش گرفته نشد (هرچند امروزه ممکن است به پرسش گرفته شود)، بحث جدی در این باره درگرفت که آیا دولت برای حمایت از خانواده

باید مسئولیتی داشته باشد؟[۵۶] درپی اصلاحیه‌ی پیشنهادی اتحاد شوروی ضرورتِ این حمایت به پیش‌نویس «کمیسیون» افزوده شد.

درباره‌ی مناسب بودنِ بیان آشکارترِ وجود حقِ طلاق و برخورد برابر به مرد و زن در طلاق نیز بحث‌های مهمی درگرفت. یکی از اصلاحیه‌های هیأت نمایندگیِ شوروی در این مورد را «سومین کمیته» در ابتدا پذیرفت، اما در پایان روایتی به تصویب رسید که صراحت کم‌تری داشت و مقرر می‌کرد مرد و زن «در تمام مدتِ زناشویی و هنگام انحلال آن، در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند.»

با آن که برخی از دیگر حقوق مندرج در «اعلامیه» با اعمال رایج در بسیاری از جوامع تضاد داشتند، این اعمال ــ به‌ویژه شکنجه، محدودسازی آزادی سخن، مطبوعات و... ــ از جمله‌ی اعمالی نبودند که اصل و اساس‌شان با دین یا قانون حمایت یا توجیه شوند ــ دست کم چنین دفاع و توجیهی به همان شکل انجام نمی‌شد که در مورد ارزش‌های فرهنگی مربوط به ازدواج رایج بود. قطعه‌ی زیر که از گزارش رسمی تفسیرهای نماینده‌ی عربستان سعودی در جریان مباحثات «سومین کمیته» برگرفته شده، نظر ما را روشن می‌کند:

> «در عربستان سعودی، ازدواج نوعی قرارداد اجتماعی به‌حساب می‌آید که قانون آن را تعریف کرده و این نظام در حدود چهارده‌قرن با موفقیت دوام آورده است. زن مسلمان می‌تواند صاحب اموال باشد، از آن‌ها ارث و بهره ببرد ــ حتی بی‌رضایت شوهرش. در صورت طلاق، خودبه‌خود از حقِ دریافت مهریه‌ای که شوهرش پیش از ازدواج پرداخت آن را پذیرفته، برخوردار می‌شود. بنابراین آینده‌ی مادی او به تصمیم دادگاه وابسته نیست، تصمیمی که در بعضی از کشورها، به زمانی طولانی نیاز دارد. با همین دو نمونه به‌روشنی می‌توان نشان داد که قانون اسلامی در مورد کوچک‌ترین جزئیاتِ مربوط به ازدواج نیز تا چه حد صراحت دارد.
>
> نماینده‌ی عربستان سعودی در این مورد خواستار یادآوری این نکته شد که بیشتر نویسندگان «اعلامیه» فقط هنجارهای پذیرفته‌ی تمدن غرب را درنظر گرفته و از تمدن‌های قدیمی‌تر غافل مانده‌اند، تمدن‌هایی که دیگر به

---

۵۶. برای نمونه نگاه کنید به تفسیرهای نماینده‌ی هلند.

هیچ‌وجه در مرحله‌ی تجربی نبوده و حکمت‌شان را در جریان قرن‌ها ثابت کرده‌اند. «کمیته» نبایستی برتری یک تمدن را بر تمام دیگر تمدن‌ها اعلام می‌کرد یا هنجارهای واحدی را برای تمام کشورهای دنیا تعیین می‌ساخت.»[۵۷]

دین

مسأله‌ی تفاوت دیدگاه‌های فرهنگی، به هنگام مناظره درباره‌ی آزادی دین نیز ـ حتی چه بسا به نحوی حادتر ـ مطرح شد و در پایان به ماده‌ی ۱۸ انجامید که این آزادی را تضمین می‌کند.

اعضای «کمیسیون» و «سومین کمیته» در اساس به دو مسأله توجه داشتند: تأیید حق اظهار دین یا اعتقاد، و تأیید حق تغییر دین برای همگان. این دو نکته در پیش‌نویس نهایی ذکر شده‌اند ـ بگذریم که در این باره در آغاز مناظره‌ای بسیار پرشور درگرفت و به هنگام رأی‌گیری در مجمع عمومی نیز شاهد آرای ممتنع بودیم.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، حق آزادی دین، توجه شماری از گروه‌های دینی را سخت جلب کرد. بعضی از آن‌ها سخت می‌کوشیدند این حق را به نحوی بسیار ویژه بیان کنند. حق اظهار دین یا اعتقاد، صورت‌بندی جدیدی بود که در واقع حق دین و پرستش را که در بعضی از پیش‌نویس‌های قبلی آمده بود، گسترش می‌داد. نامه‌ی یکی از فعال‌ترین نمایندگان سازمان‌های غیرحکومتی، او. فردریک نولد (از شورای جهانی کلیساها) به النور روزولت، نشان‌دهنده‌ی کوشش‌هایی است که برای گسترش دادن و معین ساختن مفهوم حق دین و پرستش صورت گرفته‌اند. این نماینده تأکید می‌ورزید که «اعلامیه» به جای حق دین و پرستش، حق دین رسمی، حق رفتار اجتماعی بر اساس اعتقاد دینی و حق اجرای آیین‌ها و مراسم مذهبی را به رسمیت بشناسد.[۵۸]

---

57. Third Committee. *Summary Records* (comptes rendus du Troisième Comité), p. 370.

۵۸. نامه‌ی او. فردریک نولد به النور روزولت، ده دسامبر ۱۹۴۷

(Boîte 4587, Eleanor Roosevelt Papers, Bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

حق اظهار دین یا اعتقاد که بیان عام‌تری است که در اعلامیه آمده، بعضی از نمایندگان ــ به‌ویژه نمایندگان دولت‌های عرب و برخی از دولت‌های خاور دور ــ را به تردید واداشت که مبادا چنین مقرره‌ای به نحوی تفسیر شود که حق نودینی یا تازه‌ایمانی* را به هر شکل برای مبلّغان مذهبی تضمین کند. در این میان بعضی از نمایندگان، اجحافات جنگ‌های صلیبی در قرون وسطیٰ و فعالیت‌های جدیدِ مبلّغان مذهبی را در خاور دور یادآوری کردند.

ایراد عربستان سعودی به حق تغییر دین، جدی‌تر بود. به نظر نماینده‌ی این کشور، تضمین چنین حقی در حکم تعرض به اصول فرهنگ‌های دولت‌های اسلامی بود. اصلاحیه‌های پیشنهادی و مورد حمایت سعودی‌ها برای حذف این مقرره هربار با مخالفت اکثریتی قاطع روبه‌رو شدند. و سرانجام همان‌گونه که پیشتر گفته شد، برای نماینده‌ی عربستان سعودی این مسأله آن‌قدر مهم بود که در رأی‌گیری نهایی در مجمع عمومی رأی ممتنع داد.

مالکیت

تفاوت دیگری که جنبه‌ی فرهنگی و سیاسی داشت، در جریان مناظره در بابِ حق مالکیت (*ماده‌ی ۱۷*) با تأکید خاطرنشان شد. واژگان ساده و به‌ویژه فشرده‌ی پیش‌نویس «کمیسیون» برخی از مسائل را حل‌نشده می‌گذاشت. بیشتر این مسائل به نحوی در مباحث مربوط به کاربردهای اجتماعی ممکنِ مالکیت پاسخی یافتند. اتحاد شوروی به‌ویژه، و نیز تعدادی از دیگر کشورها چندین بار کوشیدند تا عباراتی را در «اعلامیه» بگنجانند که در زمینه‌ی مالکیت به اصول منفعت عمومی استناد می‌ورزیدند: ناگفته نماند که شوروی‌ها به‌ویژه پیشنهاد کردند که حق مالکیت بر اساس قوانین جاری در هر کشور درنظر گرفته شود و در متن «اعلامیه» مقرر گردد که «هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صورتی *غیرقانونی* از حق مالکیت محروم کرد.» آنان عبارتِ «به‌صورتی غیرقانونی» را به جای «خودسرانه» پیشنهاد می‌کردند. اگرچه چندین نماینده از کشورهای غربی تمایل خود را نسبت به جنبه‌هایی از نظریات پیشنهادیِ شوروی‌ها بیان کردند، صورت‌بندی بهتری که قادر به کسب رأی اکثریت باشد پیدا

---

* prosélytisme

شد و سرانجام پیش‌نویس «کمیسیون» بی‌هیچ اصلاحیه‌ای در مجمع عمومی به تصویب رسید.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ماده‌های ۲۲ تا ۲۶ «اعلامیه‌ی جهانی» مسائل جدیدی را مطرح کردند، زیرا به چیزی مربوط می‌شدند که به حقوق اقتصادی و اجتماعی موسوم است، یعنی حقِ امنیت اجتماعی، کار، استراحت، فراغت و تفریح، سطح زندگی مناسب، مراقبت‌های بهداشتی، خوراک، پوشاک، مسکن و نیز حق آموزش و پرورش. این مفهوم‌های «جدید» حقوق از بسیاری جهات پردردسرتر از حقوقی بودند که نمایندگان درباره‌ی آن‌ها عادت به مباحثه داشتند. برای نمونه فقط به حقِ کار اشاره می‌کنیم (ماده‌ی ۲۳): این مسأله چنان پیچیده می‌نمود که «سومین کمیته» در آغاز نتوانست آن را به تصویب برساند.[59] «کمیته» پس از مناظرات طولانی و بسیار مشاجره‌آمیز، سرانجام راهی برای تصویب این ماده پیدا کرد.[60]

اختلاف‌نظر بیش از آن که به اصل عامِ حق کار مربوط شود، به مسائل مربوط به حق کار برمی‌گشت. به‌ویژه باید از حق تشکیل اتحادیه‌ها نام برد. بعضی از نمایندگان معتقد بودند که این تضمین ضروری نیست، زیرا شناسایی حق تشکیل مجامع و جمعیت‌ها (ماده‌ی ۲۰) آن را تأمین کرده است. عده‌ای دیگر د مورد «عضویتِ اجباری» که عضوشدن در اتحادیه‌ها را شرط استخدام می‌سازد، اختلاف‌نظر داشتند. درنهایت حق پیوستن به اتحادیه با صراحت بیشتر مقرر گشت، اما به لحاظ احترام نسبت به طرفداران «عضویت اجباری»، از تقریر حق عضو نشدن در اتحادیه خودداری شد.

مباحثه‌ی دیگری درباره‌ی ماده‌ی ۲۳ درگرفت که در روایت نهایی آن چنین آمده است: «هرکس که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت‌بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایل حمایت اجتماعی کامل شود.» بسیاری از نمایندگان اعتقاد

59. Third Committee, *Summary Records* (comptes rendus du Troisième Comité), p. 539.

60. *Ibid.*, p. 689.

داشتند که این نکته مسائلی را برمی‌انگیزد. از جمله مدعی بودند که عبارات این ماده چنان مبهم و نامشخص‌اند که ممکن است در تفسیر متن، مشکلاتی جدی ایجاد کنند؛ نوعی الزام به یاری و پشتیبانی اجتماعی را به دولت تحمیل کنند و اندیشه‌ی هماهنگ‌ساختن مُزد با نیازهای خانواده، نزدیکی خطرناکی به این مفهومِ مارکسیستی دارد که دریافت مُزد را بیشتر بر اساس نیازها می‌داند تا بر مبنای کار. در پایان، بیشتر نمایندگان مفهوم حق کار را چنان ضروری می‌دانستند که نارضایتی‌شان از بابت جنبه‌هایی از این ماده به دادن رأی منفی به نحوی که باعث حذف این حق از «اعلامیه» بشود، نینجامید. ماده‌ی ۲۳ در سومین کمیته با ۳۹ رأی مثبت در برابر ۱ رأی منفی و ۲ رأی ممتنع به تصویب رسید. ایالات متحد رأی منفی داد (کانادا و چین ممتنع بودند). خانم روزولت با نوعی سردرگمی توضیح داد که حکومتش سخت نگران مسائل ناشی از برخی بندهای این ماده بوده است.[۶۱]

مباحثه در مورد دیگر ماده‌های مربوط به حقوق اقتصادی و تصریب آن‌ها نشان دادند که تعهدات جدید دولت در عرصه‌ی اقتصادی و اجتماعی، مایه‌ی اشتغالِ خاطرِ جدی کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحد بودند.

آموزش و پرورش

حق آموزش و پرورش ــ که از دیگر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است ــ در ماده‌ی ۲۶ آمده است. در پی برخی اختلاف‌نظرها، پیش‌نویس «کمیسیون» چند بار اصلاح شد.

از یک سو مسأله‌ی پیچیده‌ی اصل آموزش و پرورش اجباری وجود داشت که بر اساس آن کودکان ــ به رغم تمایلات احتمالی پدر و مادرهای‌شان یا دیگر افراد در جامعه به محروم ساختن آنان از حق آموزش ابتدایی ــ باید از این حق بهره‌مند شوند. از سوی دیگر بسیاری از نمایندگان خواستار حمایت از حقوق پدر و مادر در

---

۶۱ ناگفته نماند که شخص النور روزولت به احتمال زیاد با این مقررات بیشتر از حکومت متبوع خود موافق بوده است. سال‌ها بعد او در خاطرات خود می‌گوید که هوادار پرشورِ این تعهد جدید دولت بوده است. نگاه کنید به:

Glen Johnson, «Contributions of Eleanor and Franklin Roosevelt...», *op. cit.* (13), pp. 35-37.

مورد آموزش و پرورش فرزندان خود بودند و این مقرره را در «اعلامیه» گنجاندند که پدر و مادر «در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود، بر دیگران حق تقدم دارند.»

«کمیسیون» در پیش‌نویس خود، درباره‌ی هدف‌های آموزش و پرورش، متن زیر را گنجانده بود: «هدف آموزش و پرورش باید رشد جسمانی، فکری و اخلاقی شخصیت انسان، گسترش رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید با روحیه‌ی دگرستیزی و کینه‌ورزی نسبت به دیگر ملت‌ها یا گروه‌های نژادی یا دینی در همه جا پیکار کند.»[۶۲] «سومین کمیته» برمبنای اصلاحیه‌ی پیشنهادی مشترک مکزیک و ایالات متحد این نکته را افزود که آموزش و پرورش باید «به توسعه‌ی فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.»[۶۳] «سومین کمیته» متن پیشنهادی «کمیسیون» را نیز اصلاح کرد و صورت‌بندی بعضی از دیگر هدف‌های آموزش و پرورش را تغییر داد.

وظایف افراد

سرانجام، مباحثات درباره‌ی مسائلی که به ماده‌ی ۲۹ «اعلامیه‌ی جهانی» بدل شد، نمایندگان کشورهای مختلف را به بعضی از اختلافات اساسی بازگرداند که در تمام طول فرایند تدوین «اعلامیه» آنان را در مقابل هم قرار داده بود. ماده‌ی ۲۹ از یک‌سو بیان‌کننده‌ی حقوقی از جامعه بود که حقوق فرد بایستی با آن‌ها هماهنگ شوند، و از سوی دیگر وظایف فرد را در برابر جامعه‌ای که عضو آن بود، اعلام می‌کرد. از این لحاظ این ماده بر حقوق مندرج در ماده‌های پیشین محدودیت‌هایی را

---

62. Document des Nations Unies: UN Doc. E/800 – Economic and Social Council Commission on Human Rights (Conseil économique et social, Commission des droits de l'homme). *Report to the Economic and Social Council on the Third Session of the Commission, held at Lake Success, New York, from 24 May to 18 June, 1948* (Rapport au Conseil économique et social sur la 3ᵉ session de la Commission, Lake Success, New York, 24 mai-18 juin 1948), p. 11.

63. Third Committee, *Summary Records* (comptes rendus du. Troisième Comité), p. 604.

تحمیل می‌کرد. کاری بس دشوار بود که عباراتی یافته شود که بیان نیازهایی از جامعه را که تمام نمایندگان به رسمیت می‌شناختند، امکان‌پذیر سازد، اما به توجیهِ تجاوز دولت یا جامعه به حقوق فرد نینجامد.

جایگاه وظایف افراد در «اعلامیه» مسأله‌ای بود که از همان آغاز مباحثات در باب «اعلامیه» پدیدار شد. در پیش‌نویس اولیه‌ی «دبیرخانه» ماده‌ای درباره‌ی وظایفِ فرد نسبت به جامعه به ترتیب زیر آمده بود: «هر فردی در برابر دولت متبوع خود و در برابر (جامعه‌ی بین‌المللی) ملل متحد وظیفه دارد با صداقت و راستی رفتار کند و در اجرای وظایفش در برابر جامعه به سهم خود عهده‌دار مسئولیت شود و در فداکاری‌های مشترکِ ضروری برای خیر همگانی سهیم گردد.» پیش‌نویس دومی نیز برای ماده‌ی مربوط به محدودیت‌های حقوق افراد وجود داشت که در آن آمده بود: «در اجرای این حقوق، هرکس با حقوق دیگری و با مقتضیات عادلانه‌ی دولتِ دموکراتیک محدود شده است.»[64] اولویتی که به نظر می‌رسید به وظایف افراد در برابر دولت داده شده، چند نفر از اعضای «کمیته‌ی نگارش اعلامیه» را ناراحت کرد، اما چارلز مالک بیش از همه در این باره به اظهارنظر پرداخت. تقریباً بی‌درنگ پس از آن که «کمیته‌ی نگارش» کار بررسی پیش‌نویس اولیه و پیشنهادی دبیرخانه را شروع کرد، چارلز مالک گفت که برایش چقدر «عجیب» و «حیرت‌آور» است که در آغازِ «اعلامیه»، «محدودیت‌های» حقوق و آزادی‌های بشر را نهاده‌اند.[65] چارلز مالک در نشست بعدی «کمیته‌ی نگارش» دوباره به سراغ همین موضوع رفت، اعلامیه‌ی

---

64. Document des Nations Unies: UN Doc. E/CN.4/AC. 1/3, 4 June 1947, Commission on Human Rights, Drafting Committee (Commission des droits de l'homme, Comité de rédaction), «*Draft Outline of International Bill of Rights*» (Avant-projet de déclaration internationale des droits de l'homme), préparé par la Division des droits de l'homme des Nations Unies.

65. Document des Nations unies: UN Doc. E/CN.4/AC. 1/SR.2, 13 June 1947, Commission on Human Rights, Drafting Committee, First Session (Commission des droits de l'homme, Comité de rédaction, 1re session), *Summary Records of Second Meeting* (comptes rendus de la 2e réunion), p. 9 (Boîte 4595, Eleanor Roosevelt Papers, Bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

اصول پیش‌نویس ماده‌ی ۱ را «شگفت‌انگیز» خواند و یادآوری کرد که «می‌توان از خود پرسید که آیا فرد به راستی وظیفه دارد مستقل از ماهیت و صفات دولت متبوعِ خود در برابر آن رفتاری وفادارانه و صادقانه داشته باشد؟ او در ادامه افزود که تعجب‌آور است که انسان‌ها در آغاز باید بر سر این نکته توافق کنند که آزادی‌شان محدود شود. اگر به این ترتیب عمل کنیم، نه با اعلامیه‌ی حقوق بشر، بلکه با اعلامیه‌ی وظایف بشر در برابر جامعه سروکار خواهیم داشت. اما در واقع درست به این علت که تعادل به ضرر فرد و به نفع جامعه برگشته است، شاهد تجاوز به حقوق بشر هستیم.»[۶۶]

درنهایت وظایف افراد در پایان سند گنجانده شد و مفهوم «وظایف در برابر دولت» با مفهوم پذیرفتنی‌ترِ «وظایف در برابر جامعه» جایگزین گشت. ماده‌ی ۲۹ مقرر می‌دارد که: «هر فردی فقط در برابر آن جامعه‌ای وظایفی برعهده دارد که رشدِ آزادانه و همه‌جانبه‌ی او را ممکن می‌سازد.» محدودیت‌های حقوق در چارچوب این ماده گنجانده شده‌اند و بدین ترتیب با اختصاص ندادن ماده‌ای جداگانه به این محدودیت‌ها، از اعطای اهمیتی ویژه به آن‌ها خودداری شده است. واژگان به‌کاررفته در این ماده نیز سنجیده‌تر از واژگان پیش‌نویسِ اولیه‌ی «دبیرخانه» هستند. در نتیجه بند دوم ماده‌ی ۲۹ به‌دست آمده است:

«هرکس در اعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابعِ محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه‌ی اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند.»

دیدگاه‌های متفاوتِ نمایندگان، یافتن تعادل دقیق میان واژگان را پیچیده

---

66. Document des Nations Unies: UN Doc. E/CN.4/AC. 1/SR.3, 13 June 1947, Commission on Human Rights, Drafting Committee, First Session (Commission des droits de l'homme, Comité de rédaction, 1re session), *Summary Records of Third Meeting* (comptes rendus de la 3e réunion), p. 9 (Boîte 4595, Eleanor Roosevelt Papers, Bibliothèque F.D. Roosevelt, New York).

می‌ساخت. از یک‌سو شوروی‌ها و دیگر نمایندگان مارکسیست این اصل را مبنا قرار می‌دادند که افراد فقط در چارچوب جمع به رشد همه‌جانبه دست می‌یابند، هر مفهومی از حق باید بر پیوند میان فرد و جامعه بنا شود و در نتیجه اهمیت اساسی دارد که در اعلامیه‌ی حقوق بشر، به حقوق دولت جایگاهی شایسته و بایسته داده شود. در نقطه‌ی مقابل نمایندگانی بودند که به‌ویژه نمی‌خواستند هیچ سلاحی به دولت یا جمع بدهند که محدودیت آزادی فردی را به نوعی توجیه کند؛ آنان به گواهِ تاریخ از این می‌ترسیدند که چنین محدودیتی برای انواع سوءاستفاده‌ها به‌کار گرفته شود. به عنوان مثال نماینده‌ی زلاندنو معتقد بود که مقتضیات «اخلاقی» و «نظمِ عمومی» عباراتی بسیار مبهم‌تر از آن هستند که هرگونه محدودیت حقوق فرد را توجیه کنند. او ترجیح می‌داد که فقط اصطلاح «رفاه همگانی» به‌کار برده شود.[۶۷] رنه‌کاسن موفق شد در این ماده واژه‌ی «عادلانه» را برای توصیف «مقتضیاتی» بگنجاند که مبنای محدودیت‌های احتمالی برای اجرای حقوق فردی خواهند بود. (واژه‌ی «عادلانه» در آغاز به زبان انگلیسی به «Legitimate» [مشروع، مجاز] ترجمه شده بود؛ سرانجام واژه‌ی «عادلانه» تصویب شد که مفهومی اخلاقی‌تر از «مشروع» را القا می‌کرد، واژه‌ای که «حقوقی»تر بود).[۶۸]

«حقوق» از قلم افتاده در «اعلامیه»

در درون «کمیسیون» و «سومین کمیته» چندین «حق» مورد بحث قرار گرفتند اما در پایان در «اعلامیه» گنجانده نشدند. از میان آن‌ها در این جا ــ صرفاً به اختصار ــ درباره‌ی چهار حقِ زیر سخن می‌گوییم:

۱. حق دادخواهی؛
۲. حفظ حقوق اقلیت‌ها؛
۳. مسأله‌ی کاربردپذیری «اعلامیه» در سرزمین‌های غیرخودمختار یا تابع نوعی محدودیت حاکمیت؛
۴. حق مقاومت در برابر ستم.

67. Third Committee, *Summary Records* (comptes rendus du Troisième Comité), p. 645.

68. *Ibid*, p. 643.

حق دادخواهی

حق دادخواهی که در تاریخ تدوین قانون اساسی بسیاری از دولت‌های عضو ملل متحد اهمیت بسیار داشته، در واقع از همان آغاز در درون کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با مباحثاتی همراه بوده است. این مسأله به‌ویژه از آن رو بی‌درنگ پیش کشیده شد که خبر تشکیل کمیسیون حقوق بشر در درون سازمان ملل متحد در میان مردم بسیاری از مناطق جهان امیدهایی را برانگیخته بود و آنان دست‌اندرکار فرستادن دادخواست‌ها و شکایت‌های‌شان به «کمیسیون» بودند.

«کمیسیون» در گزارش خود پیش‌نویس ماده‌ای را درباره‌ی حقِ دادخواهی گنجانده بود که با یادداشتی همراه بود. در این یادداشت اشاره شده بود که «کمیسیون» نتوانسته درباره‌ی این ماده به مباحثه بپردازد زیرا تدابیر عملی در دستور کار سومین اجلاس این کمیسیون نبوده است. در پیش‌نویس این ماده پیش‌بینی شده بود که هرکس حق دارد برای رفع تجاوز به حقوق بشر دادخواست‌هایی به «مقامات دولت متبوع خود یا دولتِ کشور اقامتگاه خویش، یا به سازمان ملل متحد بفرستد.»[69]

مباحثاتی که این پیش‌نویس و اصلاحیه‌های پیشنهادیِ متعدد برانگیختند، اختلاف‌نظرها را آشکار ساختند. بعضی از نمایندگان، از جمله النور روزولت، اعتقاد داشتند که دادخواست‌ها پیوستگی جدایی‌ناپذیری با تدابیر عملی دارند و در نتیجه این مسأله به‌جای آن که در «اعلامیه» گنجانده شود، بهتر است بعدها بررسی گردد. اتحاد شوروی، مکزیک و برخی از دیگر کشورها مدافع نظرگاهی متفاوت بودند. به نظر آن‌ها، هر مقرره‌ای مبنی بر حقِ دادخواهی احتمالی در ملل متحد در حکم حمله به اصول حاکمیت ملی و تجاوز به مقررات مربوط به عدم دخالت در اموری است که دراساس در حیطه‌ی صلاحیت ملی دولت‌های عضو قرار دارند (این اصول و مقررات در ماده‌ی ۲ منشور ملل متحد ذکر شده‌اند). از سوی دیگر رنه کاسن و پرز

---

69. Document des Nations Unies: UN Doc. E/800. *Report of the Economic and Social Council on the Third Session of the Commission* (Rapport du Conseil économique et social sur la 3ᵉ session de la Commission), p 12.

سیینروس (کوبا) مدافع سرسخت این اندیشه بودند که حقِ دادخـواهـی یکـی از حقوق اساسی بشر است. با وجودی که آشکار شد که گنجاندن مادهای دربارهی حقِ دادخواهی در «اعلامیه» ناممکن است، «سومین کمیته» اصلاحیهی پیشنهادی کوبا را بهعنوان متمم قطعنامهی پایهای پذیرفت که در آن، کمیسیون حقوق بشر دعوت شده بود که در آینده تدابیر عملی را بررسی کند.[۷۰]

حقوق اقلیتها

اندیشهی گنجاندن مادهای دربارهی حقوق اقلیتها در «اعلامیهی جهانی» مسائلِ پیچیدهای را پیش کشید. طُرفه آن که در پایان در «اعلامیه» هیچ مادهای دربارهی این مسأله نیامده است، درحالی که جامعهی ملل در این عرصه کاری طولانی انجام داده بود که میتوانست مبنای فعالیت کمیسیون حقوق بشرِ ملل متحد باشد. با این همه «کمیسیون» نیز مانند «سومین کمیته» معتقد بود که با توجه به استدلالهای مختلفی که طرح شدهاند، باید بحث بیشتری صورت گیرد تا بنوان مقرراتی تدوین کرد که تصویبپذیر باشند.

این مسأله تا حدی از آن رو به تعویق انداخته شد که عدهای معتقد بودند حقوقِ اساسی افرادِ متعلق به گروههای اقلیت در «اعلامیه» گنجانده شدهاند، زیرا واژهی «هرکس» که در مادهی ۲ آمده است: «هرکس میتواند... از تمام حقوق و همهی آزادیهای ذکرشده در این اعلامیه بهرهمند گردد...»، در مورد همهی اقلیتها نیز کاربرد دارد. مطالبهی احتمالی حقوق تکمیلی بهعنوان اعضای یک گروه اقلیت مسألهی دشوار حقوق فردی در برابر حقوق جمعی را مطرح کرد و بیشتر اعضای «کمیسیون» در این نکته توافقنظر داشتند که بررسیِ عمیق این مسأله ضروری است و به مباحثات بیشتری نیاز دارد. «شورای اقتصادی و اجتماعی» نیز یک «کمیسیون فرعی پیکار با تدابیر تبعیضآمیز و حمایت از اقلیتها» ایجاد کرد و بسیاری از نمایندگان معتقد بودند که در این مرحله، گنجاندن مادهای دربارهی اقلیتها در «اعلامیه» در حکم پیشداوری در کار این کمیسیون ویژه است. اگرچه اتحاد شوروی

---

70. Third Committee, *Summary Records* (comptes rendus du Troisième Comité), pp. 694-715.

پافشاری خاصی کرد تا حمایت از اقلیت‌ها در «اعلامیه» گنجانده شود، «سومین کمیته» رأی داد که این مسأله برای مشورت‌های بیشتر به تعویق بیفتد.[71]

حقوق افراد در سرزمین‌های غیرخودمختار

یوگوسلاوی پیشنهاد کرد که ماده‌ای تکمیلی در «اعلامیه» گنجانده شود تا این نکته را آشکارتر سازد که حقوق مندرج در «اعلامیه» در مورد اشخاص ساکن در سرزمین‌های غیر خودمختار یا تحت قیمومت نیز به کار می‌روند. اگرچه در پس مباحثه درباره‌ی این پیشنهاد یکی از مجادلات مهم شرق و غرب ـ به ویژه در حمله به استعمار غرب ـ پدیدار می‌شد، اکثریت بر این نظر بود که اساس این پیشنهاد در مقررات ماده‌ی ۲ «اعلامیه» آمده است و نیازی به افزودن ماده‌ای جداگانه ندارد. در این‌جا باید خاطرنشان کرد که در جریان مباحثات درباره‌ی پیشنهاد یوگوسلاوی بود که رنه‌کاسن مطرح ساخت که اگر عنوان این سند از «اعلامیه‌ی بین‌المللی حقوق بشر» به «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» تغییر یابد، ممکن است خواستِ کاربردِ آن در مورد همه‌ی افراد در سرتاسر دنیا روشن‌تر و قطعی‌تر شود. این پیشنهاد سرانجام به تصویب رسید.[72]

حق مقاومت در برابر ستم

پیشنهادهای کوبا و آرژانتین در مورد گنجاندن حق مقاومت در برابر ستم، در نهایت از آن رو پذیرفته نشد که مسائل پیچیده‌ای را برمی‌انگیخت. پیشنهادهای مشابهی در کنفرانس دولت‌های آمریکای لاتین در بوگوتا مطرح شده بودند؛ این کنفرانس یک اعلامیه‌ی حقوق بشر را تدوین کرده که در کنفرانس مکزیکو در ۱۹۴۵ مطرح شده بود. اما در آن جا نیز این پیشنهادها برای مشورت‌های بیشتر به تعویق انداخته شده بودند. سرانجام تصمیم گرفته شد که اشاره‌ای مختصر به مقاومت در برابر ستم در دیباچه‌ی «اعلامیه جهانی» بیاید و از طرح آن در ماده‌ای جداگانه خودداری شود. به همین سبب در یکی از ملاحظات دیباچه که با «از آن جا که»

71. Third Committee, *Summary Records* (comptes rendus du Troisième Comité), pp. 732-736.

72. *Ibid.*, p. 742.

شروع می‌شود، آمده‌است: «ضروری است‌که ازحقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان بر ضد بیداد و ستم مجبور نگردد.»

به احتمال زیاد هیچ نوع سند دیگری ــ و بی‌تردید هیچ اعلامیه‌ای درباره‌ی حقوق بشر ــ وجود ندارد که گروهی از اشخاصِ تا این حد متفاوت که نمایندگانِ سرزمین‌ها و فرهنگ‌های بسیار متنوعی هستند، درباره‌ی آن چنین عمیق و پرشور مباحثه کرده باشند. دست‌یابی به توافقی تا این حد گسترده در مورد چنین متنی، دستاوردی چشم‌گیر است. باید گفت که نمایندگان کشورهای مختلف و مردمی که آنان نمایندگی‌شان را برعهده داشتند نه فقط می‌خواستند در مورد یک متن به توافق برسند، بلکه خواستار تقویت وسایلی بودند که در خدمت کسانی باشند که برایِ تحقق حقوق انسانی خویش پیکار می‌کنند.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

در صد و هشتاد و سومین اجلاس عمومی
مجمع عمومی ملل متحد،
در قصر شایلو، پاریس،
در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸

با

۴۸ رأی موافق
هیچ رأی مخالف
۸ رأی ممتنع — به تصویب رسید.

کشورهایی که رأی موافق دادند:

اتیوپی، آرژانتین، استرالیا، افغانستان، اکوادور، السالوادور، انگلستان، اوروگوئه، ایالات متحد، ایران، ایسلند، برزیل، برمه، بلژیک، بولیوی، پاراگوئه، پاکستان، پاناما، پرو، ترکیه، جمهوری دومینیکن، چین، دانمارک، زلاند نو، سوئد، سوریه، سیام، شیلی، عراق، فرانسه، فیلیپین، کانادا، کلمبیا، کوبا، کوستاریکا، گواتمالا، لبنان، لوکزامبورگ، لیبریا، مصر، مکزیک، نروژ، نیکاراگوا، ونزوئلا، هائیتی، هلند، هند، یونان.

کشورهایی که رأی ممتنع دادند:

اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (سابق)، اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی، جمهوری سوسیالیستی شوروی اوکراین (سابق)، جمهوری سوسیالیستی شوروی روسیه‌ی سفید (سابق)، چکسلواکی (سابق)، عربستان سعودی، لهستان، یوگوسلاوی.

«این هشت کشور تأکید می‌ورزند که با مجموعه‌ی «اعلامیه» مخالف نیستند، بلکه بعضی از مواد آن را تأیید نمی‌کنند»

(A. Verdoodt, *op. cit.*, p. 76)

کشورهای غایب:

هُندوراس، یمن.

در ۱۲ دسامبر ۱۹۴۸، رنه کاسن اصول «اعلامیه» را در مقاله‌ای در روزنامه‌ی *لوموند* تشریح می‌کند.

۳

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

«توافق میان گروه‌های انسانی متعلق به تمدن‌ها، باورها و زندگی اقتصادی و اجتماعیِ متفاوت تصورناپذیر می‌بود اگر هریک از آن‌ها می‌خواستند دیدگاه خود یا آموزه‌های یک‌سویه را به کرسی بنشانند.»

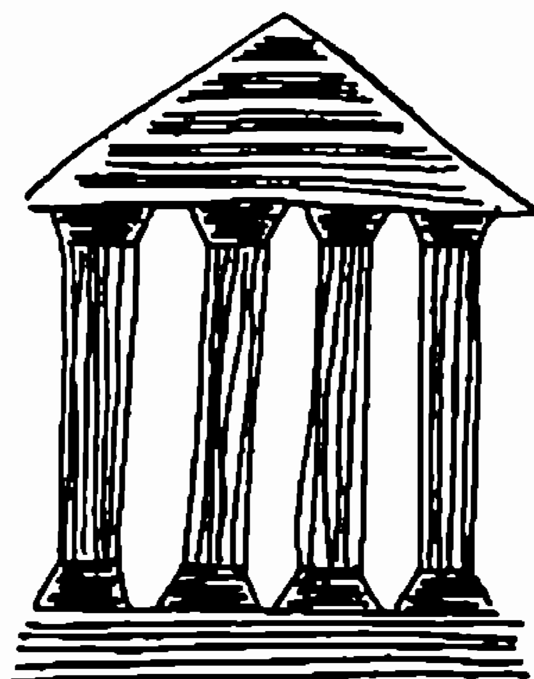
«اگر نگوییم ناممکن، دست‌کم بسیار دشوار است که تمام انسان‌های سرتاسر دنیا درباره‌ی هدف‌های غایی و منشأ اولیه‌ی انسان به توافق برسند...».

«تجاوزات به حقوق بشر که موضوع جنگِ جهانی اخیر بوده‌اند، تحقق "پیمان آرمان‌گراییِ عملی" را ممکن و ضروری ساخته‌اند.»

سخن‌رانی رنه کاسن
در ۹ دسامبر ۱۹۴۸

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده، رواق بنای حقوق بشر را تشکیل می‌دهد که مسئولیت ساخت آن برعهده‌ی ملل متحد است.

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر





دیباچه

از آن جا که شناسایی حیثیت و کرامتِ ذاتی تمام اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق برابر و سلب‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است؛

از آن جا که نادیده‌گرفتن و تحقیر حقوق بشر به اقدامات وحشیانه‌ای انجامیده که وجدان بشر را برآشفته‌اند و پیدایش جهانی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد، و از ترس و فقر فارغ باشند، عالی‌ترین آرزوی بشر اعلام شده است؛

از آن جا که ضروری است که از حقوق بشر با حاکمیت قانون حمایت شود تا انسان به عنوان آخرین چاره به طغیان برضد بیداد و ستم مجبور نگردد؛

از آن جا که گسترش روابط دوستانه میان ملت‌ها باید تشویق شود،

از آن جا که مردمان ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و

کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده‌اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند؛

از آن جا که دولت‌های عضو متعهد شده‌اند که رعایت جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تضمین کنند؛

از آن جا که برداشت مشترک در مورد این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد؛

مجمع عمومی

این

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

را آرمان مشترک تمام مردمان و ملت‌ها *اعلام می‌کند* تا همه‌ی افراد و تمام نهادهای جامعه این اعلامیه را همواره درنظر داشته باشند و بکوشند که به یاری آموزش و پرورش، رعایت این حقوق و آزادی‌ها را گسترش دهند و با تدابیر فزاینده‌ی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای جهانی و مؤثر آن‌ها را، چه در میان خود مردمان کشورهای عضو و چه در میان مردم سرزمین‌هایی که در قلمرو آن‌ها هستند، تأمین کنند.

ماده‌ی ۱

تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت وحقوق با هم برابراند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ای برادرانه رفتار کنند.

ماده‌ی ۲

هرکس می‌تواند بی هیچ‌گونه تمایزی، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند گردد.

به‌علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا

بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیرخودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده‌ی ۳

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده‌ی ۴

هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت: بردگی و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.

ماده‌ی ۵

هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.

ماده‌ی ۶

هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی‌اش در همه‌جا به رسمیت شناخته شود.

ماده‌ی ۷

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیضی از حمایتِ یکسانِ قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقضِ اعلامیه‌ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایتِ یکسانِ قانون بهره‌مند گردند.

ماده‌ی ۸

در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند ـ حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است ـ هر شخصی حق مراجعه‌ی مؤثر به دادگاه‌های ملی صالح را دارد.

ماده‌ی ۹

هیچ‌کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.

ماده‌ی ۱۰

هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره‌ی حقوق و الزاماتِ وی، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد، تصمیم بگیرد.

مادهٔ ۱۱

(۱) هر شخصی که به بزه‌کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا هنگامی که در جریان محاکمه‌ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد.

(۲) هیچ‌کس برای انجام دادن یا انجام ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن، به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که در موقع ارتکاب جرم بـه آن تـعلق می‌گرفت، درباره‌ی کسی اِعمال نخواهد شد.

مادهٔ ۱۲

نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه یـا مکـاتبات هـیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون حق هر شخصی است.

مادهٔ ۱۳

(۱) هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت وآمد کند و اقامت‌گاهِ خود را برگزیند.

(۲) هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشورِ خویش بازگردد.

مادهٔ ۱۴

(۱) در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخـواست پـناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد.

(۲) در موردی که تعقیب واقعاً در اثر جرم عمومی و غیرسیاسی یا در اثرِ اعمالی مخالف با هدف‌ها و اصول ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد کرد.

مادهٔ ۱۵

(۱) هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد.

(۲) هیچ‌کس را نباید خودسرانه از تابعیت خـویش، یـا از حـق تـغییر تـابعیت محروم کرد.

ماده‌ی ۱۶

(۱) هر مرد و زن بالغی حق دارند بی‌هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدتِ زناشویی و هنگامِ انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند.

(۲) ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی زن و مرد صورت گیرد.

(۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

ماده‌ی ۱۷

(۱) هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد.

(۲) هیچ‌کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

ماده‌ی ۱۸

هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهاردین یا اعتقاد، در قالبِ آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورتِ جمعی، به‌طور خصوصی یا عمومی است.

ماده‌ی ۱۹

هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم ونگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده‌ی ۲۰

(۱) هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند گردد.

(۲) هیچ‌کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.

ماده‌ی ۲۱

(۱) هر شخصی حق دارد که در اداره‌ی امور عمومی کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.

(۲) هر شخصی حق دارد با شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد.

(۳) اراده‌ی مردم، اساس قدرتِ حکومت است: این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به‌طور ادواری صورت می‌پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایتِ مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

ماده‌ی ۲۲

هر شخصی به عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگیِ ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه‌ی شخصیت خود را، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور، به‌دست آورد.

ماده‌ی ۲۳

(۱) هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی‌کاری حمایت شود.

(۲) همه حق دارند که بی‌هیچ تبعیضی، در مقابل کارِ مساوی، مزدِ مساوی بگیرند.

(۳) هرکسی که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت‌بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورتِ لزوم با دیگر وسایلِ حمایت اجتماعی کامل شود.

(۴) هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.

ماده‌ی ۲۴

هر شخصی حق استراحت، فراغت و تفریح دارد و به‌ویژه باید از محدودیتِ معقول ساعات کار و مرخصی‌ها و تعطیلات ادواری با دریافت حقوق بهره‌مند شود.

ماده‌ی ۲۵

(۱) هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاهِ خود و خانواده‌اش، به‌ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعیِ ضروری برخوردار شود؛ همچنین حق دارد که در مواقع بی‌کاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از اراده‌ی خویش وسایل امرار معاشش را از دست داده باشد، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.

(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه‌ی کودکان، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی‌ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره‌مند گردند.

ماده‌ی ۲۶

(۱) هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش، و دست‌کم آموزش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش فنی و حرفه‌ای باید همگانی شود و دست‌یابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان‌پذیر باشد تا هرکس بتواند بنا به استعدادِ خود از آن بهره‌مند گردد.

(۲) هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویتِ رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

(۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود، بر دیگران حق تقدم دارند.

ماده‌ی ۲۷

(۱) هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به‌ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره‌مند شود.

(۲) هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، ادبی یا هنريِ خود برخوردار گردد.

ماده‌ی ۲۸

هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه‌ی اجتماعی و بین‌المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه را به تمامی تأمین و عملی سازد.

ماده‌ی ۲۹

(۱) هر فردی فقط در برابر آن جامعه‌ای وظایفی برعهده دارد که رشد آزادانه و همه‌جانبه‌ی او را ممکن می‌سازد.

(۲) هرکس در اِعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابعِ محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌هایِ

دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه‌ی اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند.

(۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد إعمال شوند.

ماده‌ی ۳۰

هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ دولت، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه فعالیتی انجام دهد یا به عملی دست بزند.●

● در ترجمه‌ی این اعلامیه از سه منبع زیر بهره گرفته‌ام:

۱. داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، انتشارات سهروردی و مروارید، تهران، ۱۳۶۶، صص ۱۲۸ـ۱۳۳.

۲. هوشنگ ناصرزاده (گردآورنده)، اعلامیه‌های حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۲ـ۱۷.

۳. «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»، ترجمه‌ی علی میرزایی با همکاری رضا رضایی، نگاه نو، شماره‌ی ۳۷، تابستان ۱۳۷۷، صص ۱۹۰ـ۱۹۶.

مادەهای ۲۸، ۲۹، ۳۰
اصول ملل متحد و وظایف فرد در برابر جمع

مادەهای ۲۲ تا ۲۷
حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مادەهای ۱۸ تا ۲۱
آزادی‌های معنوی و حقوق مدنی و سیاسی

مادەهای ۱۲ تا ۱۷
حقوق فرد در مناسباتش با گروه‌های اجتماعی
و با دنیای بیرونی

مادەهای ۳ تا ۱۱
حقوق و آزادی‌های شخصی

دیباچه
ماده ۱ و ۲
آزادی، برابری، برادری

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

۱ تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابراند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ای برادرانه رفتار کنند.



«... اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر،
آرمان مشترک تمام مردمان و ملت‌ها...»

۲ هرکس می‌تواند بی هیچ‌گونه تمایزی، به‌ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمامِ حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به‌علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحتِ قیمومت یا غیرخودمختار باشد، یا حاکمیتِ آن به شکلی محدود شده باشد.

نخستین ستون:

حقوق و آزادی‌های شخصی

مادهٔ ۳: - حق زندگی، آزادی، امنیت شخصی

مادهٔ ۴: - ردّ بردگی و بندگی

مادهٔ ۵: - ردّ شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، ضدانسانی یا تحقیرآمیز

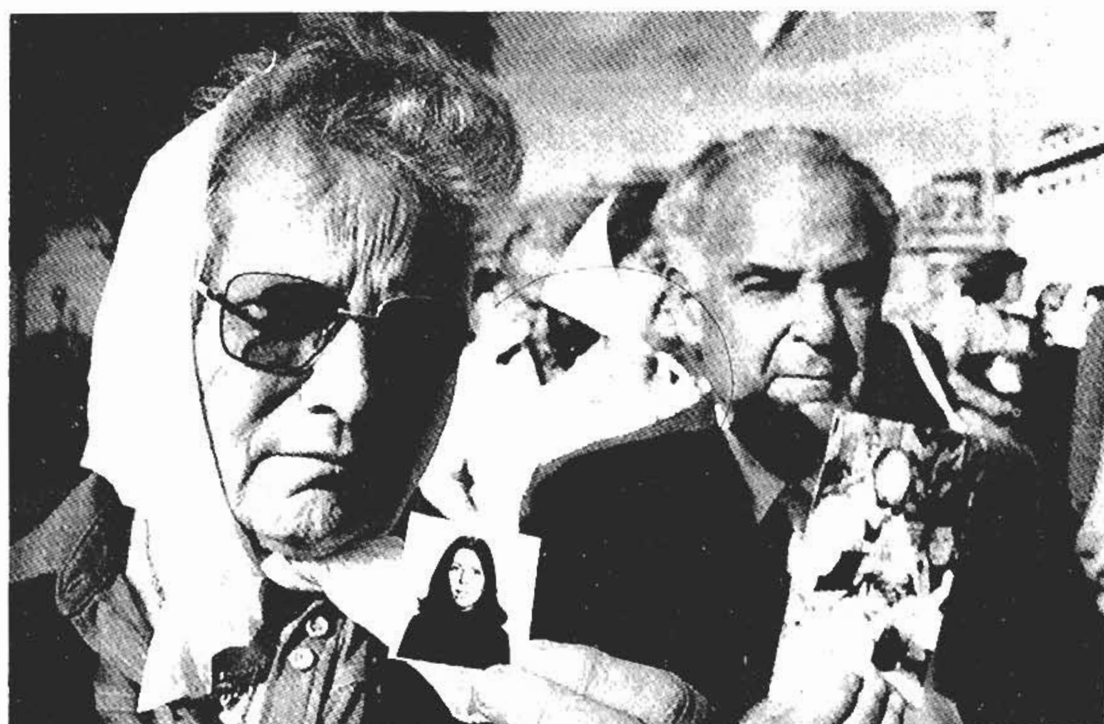
مادهٔ ۶: - شناسایی شخصیت حقوقی افراد در همه جا

مادهٔ ۷: - حق بهره‌مندی از حمایت قانون در برابر اعمال ناقض حقوق اساسی انسان

مادهٔ ۹: - تضمین در برابر توقیف، حبس یا تبعید خودسرانه

مادهٔ ۱۰: - حق بهره‌مندی از دادگستری مستقل و بی‌طرف

مادهٔ ۱۱: - اصل برائت. عطف به ماسبق‌نشدن قوانین



تظاهرات بر ضد «آدم‌ربایی‌ها» بوئنس آیرس، ۱۹۸۲

۳ هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

۴ هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت: بردگی و داد وستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است.

۵ هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضدانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.



۶ هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی‌اش در همه‌جا به رسمیت شناخته شود.



۷ همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیضی از حمایتِ یکسانِ قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایتِ یکسانِ قانون بهره‌مند گردند.

۸ در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند ـ حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است ـ هر شخصی حق مراجعه‌ی مؤثر به دادگاه‌های ملی صالح را دارد.

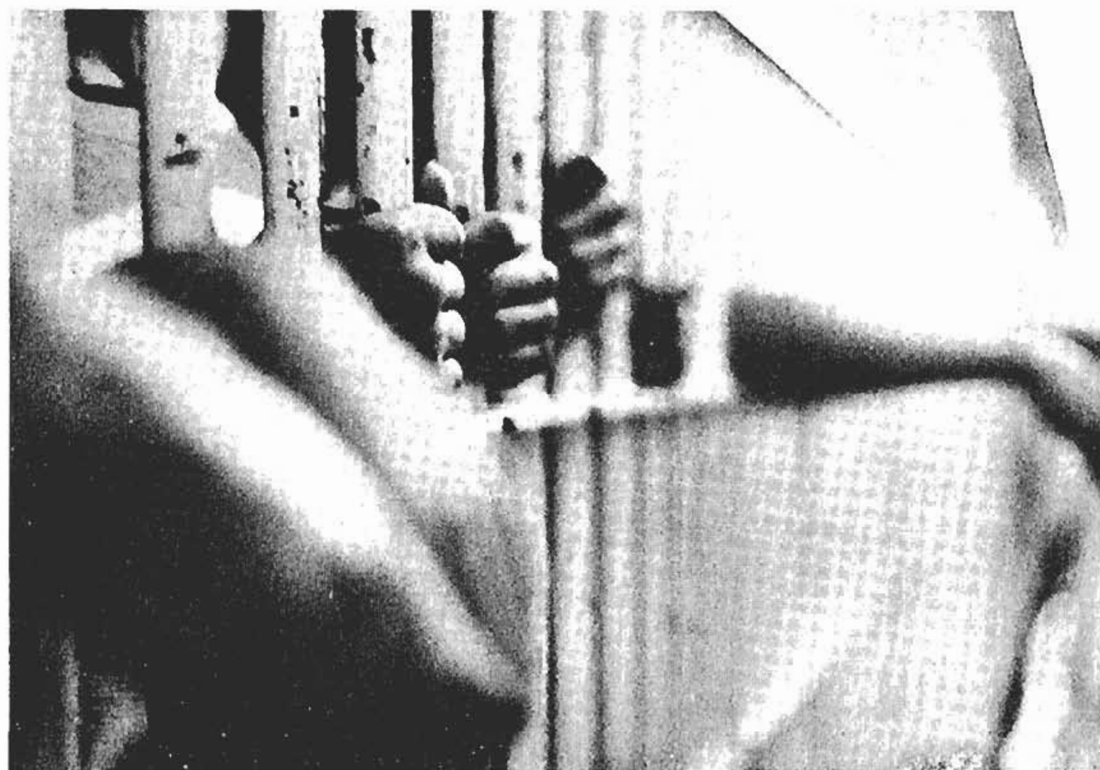
۹ هیچ‌کس را نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد.

۱۰ هر شخصی با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود و چنین دادگاهی درباره‌ی حقوق و الزامات وی، یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد، تصمیم بگیرد.

۱۱

(۱) هر شخصی که به بزه‌کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا هنگامی که در جریان محاکمه‌ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد.

(۲) هیچ‌کس برای انجام‌دادن یا انجام‌ندادن عملی که در موقع ارتکاب آن، به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از مجازاتی که در موقع ارتکاب جرم به آن تعلق می‌گرفت، درباره‌ی کسی اِعمال نخواهد شد.



زندان نوول ـ اورلئان

دومین ستون:

حقوق فرد در مناسباتش با گروه‌های اجتماعی و دنیای بیرونی

مادهٔ ۱۲: ـ حق احترام به زندگی خصوصی

مادهٔ ۱۳: ـ حق رفت‌وآمد آزادانه و انتخاب اقامت‌گاه

مادهٔ ۱۴: ـ حق پناهندگی

مادهٔ ۱۵: ـ حق داشتن تابعیت

مادهٔ ۱۶: ـ حقوق برابر در ازدواج، حق بهره‌مندیِ خانواده از حمایت جامعه و دولت

مادهٔ ۱۷: ـ حق مالکیت فردی و جمعی

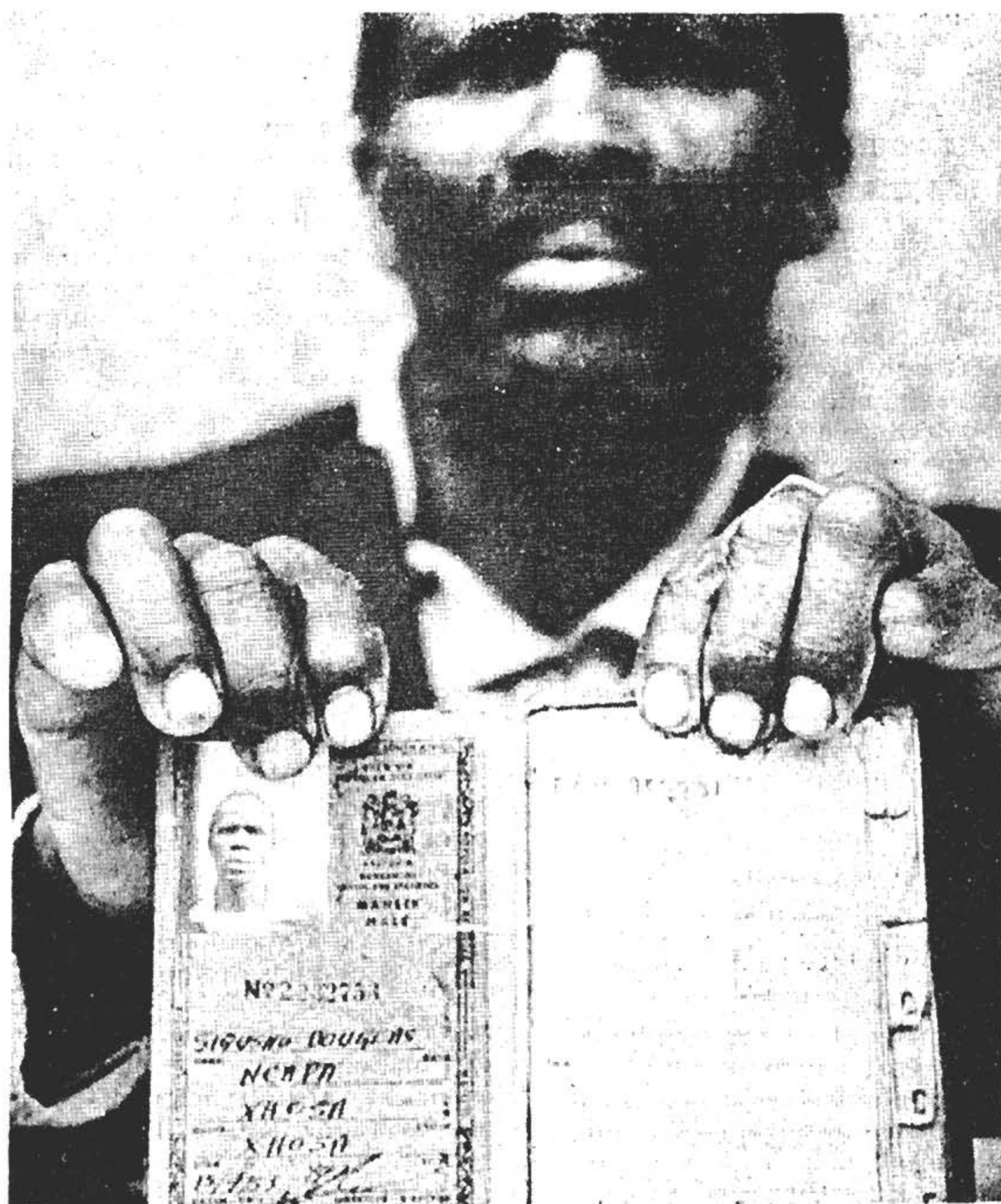
۱۲ نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است.





۱۳ (۱) هر شخصی حق دارد در داخل هر کشور آزادانه رفت‌وآمد کند و اقامت‌گاه خود را برگزیند.

(۲) هر شخصی حق دارد هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خویش بازگردد.

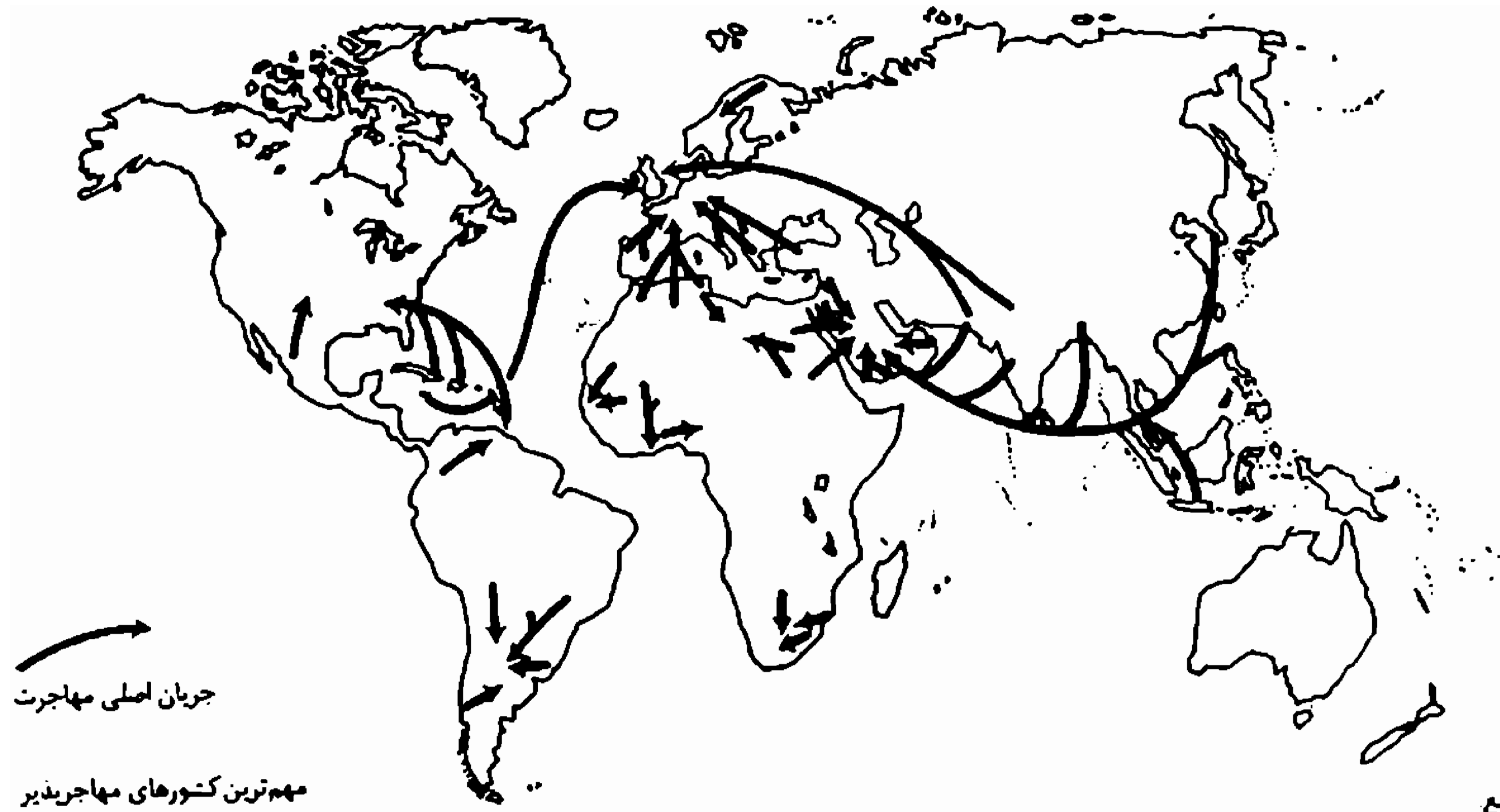


۱۴ (۱) در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارد.

(۲) در موردی که تعقیب واقعاً در اثر جرم عمومی و غیرسیاسی یا در اثر اَعمالی مخالف با هدف‌ها و اصول ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد کرد.

۱۵ (۱) هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد.

(۲) هیچ‌کس را نباید خودسرانه از تابعیت خویش، یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.



منبع
Universite John Hopkins, Baltimore, Etats-Unis.
Population Reports, septembre-octobre 1983,

توضیح: تمام جریان‌ها میزان بالایی دارند به استثنای جریان‌های عازم اروپا، غنا و نیجریه.

۱۶ (۱) هر مرد و زن بالغی حق دارند بی‌هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدتِ زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج، حقوق برابر دارند.

(۲) ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی زن و مرد صورت گیرد.

(۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.



پاریس

۱۷ (۱) هر شخص به تنهایی یا به صورت جمعی حق مالکیت دارد.

(۲) هیچ‌کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

سومین ستون:

آزادی‌های معنوی
و حقوق مدنی و سیاسی

مادهٔ ۱۸: - آزادی اندیشه، وجدان و دین

مادهٔ ۱۹: - آزادی عقیده، و بیان، دست‌یابی آزادانه به اطلاعات

مادهٔ ۲۰: - آزادی تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز

مادهٔ ۲۱: - حق شرکت در امور عمومی حق مشارکت آزادانه در انتخابات ادواری

۱۸ هر شخصی حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و دین بهره‌مند شود: این حق مستلزم آزادی تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهاردین یا اعتقاد، در قالب آموزش دینی، عبادت‌ها و اجرای آیین‌ها و مراسم دینی به تنهایی یا به صورت جمعی، به‌طور خصوصی یا عمومی است.

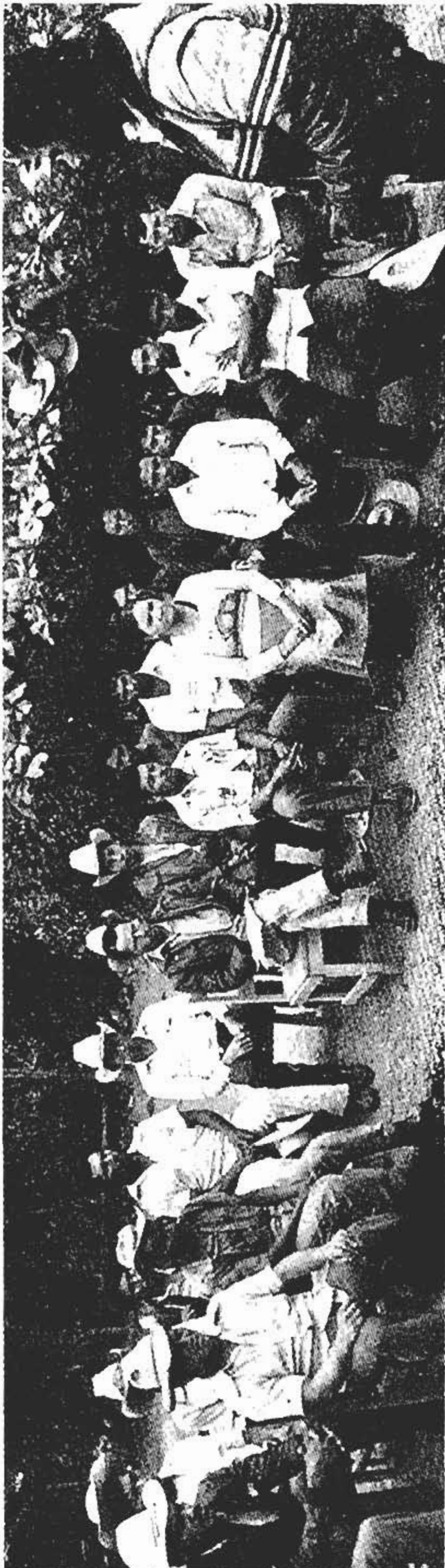
۱۹ هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکنِ بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.



قلم کینه‌توز سانسورچی، هرگونه ارجاع به اراسموس ــ انسان‌باورِ بزرگ هلندی، مروج دگرپذیری و نویسنده‌ی کتاب معروف **در ستایش دیوانگی** ــ را در کتاب **کیهان نگاری** اثر کیهان‌شناس آلمانی سباستیان مونستر (قرن شانزدهم) خط‌خطی کرده و چشم تمثال او را درآورده است.

۲۰ (۱) هر شخصی حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند گردد.

(۲) هیچ‌کس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد.



یک کمیته‌ی روستایی در هندوراس

۲۱ (۱) هر شخصی حق دارد که در اداره‌ی امور عمومی کشور خود، مستقیماً یا به وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.

(۲) هر شخصی حق دارد با شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود دست یابد.

(۳) اراده‌ی مردم، اساس قدرتِ حکومت است؛ این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به‌طور ادواری صورت می‌پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.



سکه‌ی پول رومی (۱۳۷ پیش از میلاد مسیح) که رأی‌گیری را نشان می‌دهد. مجموعه‌ی خصوصی

چهارمین ستون:

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مادهٔ ۲۲: - حق امنیت اجتماعی و سطح زندگی مناسب

مادهٔ ۲۳: - حق کار. گزینش آزادانه‌ی کار.
مُزد مساوی در برابر کارِ مساوی
آزادی تشکیل اتحادیه

مادهٔ ۲۴: - حق استراحت، فراغت و تفریح

مادهٔ ۲۵: - ۱) حق رفاه و سلامتی (خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی، خدمات اجتماعی)
۲) حق مادران و کودکان در برخورداری از حمایت اجتماعی.

مادهٔ ۲۶: - حق آموزش و پرورش

مادهٔ ۲۷: - ۱) حق شرکت در زندگی فرهنگی و علمی
۲) حق حمایت از منافع معنوی و مادی پدیدآورندگان

۲۲ هر شخصی به عنوان عضو جامعه حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به یاری مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگیِ ضروری برای حفظ حیثیت و کرامت و رشد آزادانه‌ی شخصیت خود را، با توجه به تشکیلات و منابع هر کشور، به‌دست آورد.



کارگران اعتصاب‌گرِ لهستانی. گدانسک، اوت ۱۹۸۰.

۲۳ (۱) هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی‌کاری حمایت شود.

(۲) همه حق دارند که بی‌هیچ تبعیضی، در مقابلِ کارِ مساوی، مزدِ مساوی بگیرند.

(۳) هرکس که کار می‌کند حق دارد مزد منصفانه و رضایت‌بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده‌اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تأمین کند و در صورت لزوم با دیگر وسایلِ حمایت اجتماعی کامل شود.

(۴) هر شخصی حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و یا به اتحادیه‌های موجود بپیوندد.

۲۴ هرشخصی حق‌استراحت، فراغت و تفریح دارد و به‌ویژه باید از محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌ها و تعطیلات ادواری با دریافت حقوق بهره‌مند شود.



گروه کودکان در تعطیلات زمستانی

۲۵ (۱) هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، به‌ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعیِ ضروری برخوردار شود؛ همچنین حق دارد که در مواقع بی‌کاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی مستقل از اراده‌ی خویش وسایل امرار معاشش را از دست داده باشد، از تأمین اجتماعی بهره‌مند گردد.

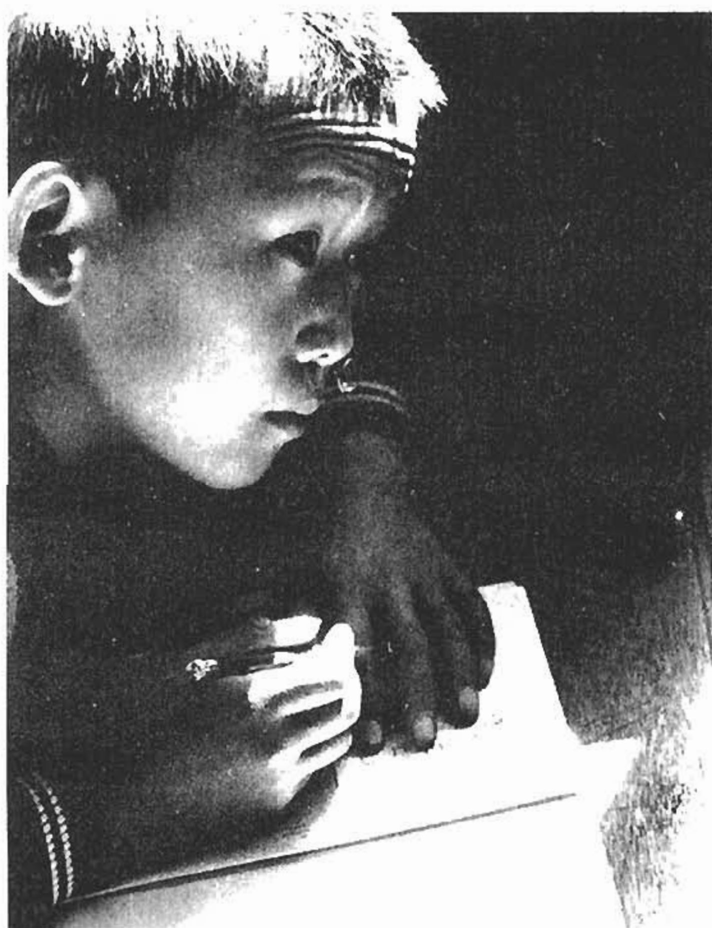
(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه‌ی کودکان، اعم از آن که در پی ازدواج یا بی‌ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره‌مند گردند.



۲۶ (۱) هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش، و دست‌کم آموزش ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش فنی و حرفه‌ای باید همگانی شود و دست‌یابی به آموزش عالی باید با تساوی کامل برای همه امکان‌پذیر باشد تا هرکس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره‌مند گردد.

(۲) هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه‌جانبه‌ی شخصیت انسان و تقویتِ رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگرپذیری و دوستی میان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی یا دینی و نیز به گسترش فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند.

(۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندان خود، بر دیگران حق تقدم دارند.



کودک کره‌ای در دبستان،

۱۹۶۹

۲۷ (۱) هر شخصی حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع سهیم و شریک گردد و از هنرها و به‌ویژه از پیشرفت علمی و فواید آن بهره‌مند شود.

(۲) هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، ادبی یا هنری خود برخوردار گردد.



سردرِ رواق حقوق بشر

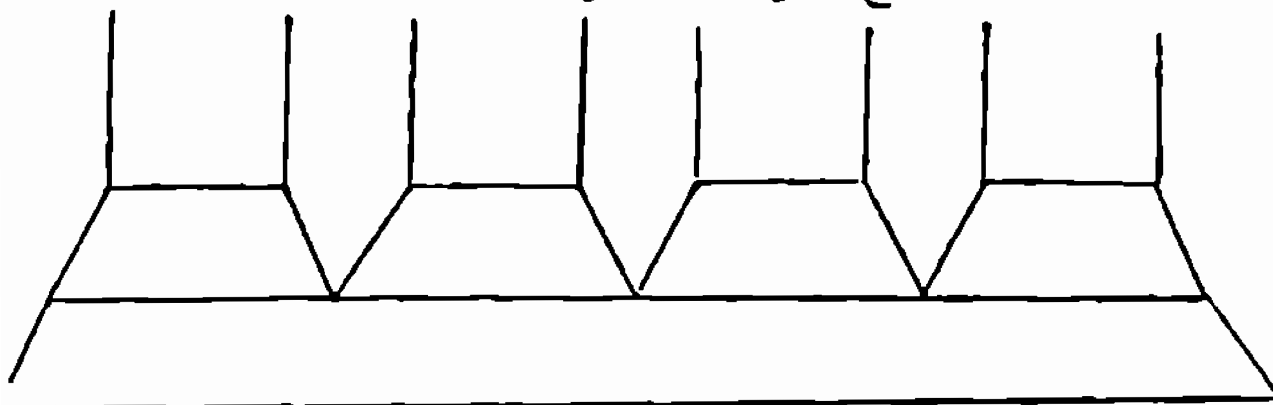
مادهٔ ۲۸: - حق بهره‌مندی از یک نظم اجتماعی بین‌المللی که حقوق و آزادی‌های ذکرشده در «اعلامیه» را به تمامی تأمین و عملی سازد.

مادهٔ ۲۹: - ۱) وظایف فرد در برابر جامعه

۲) شناسایی حقوق و آزادی‌های دیگری

۳) به اجرا درآمدن این حقوق برمبنای هدف‌ها واصول ملل متحد

مادهٔ ۳۰: - هیچ‌یک از مقررات «اعلامیه» نباید چنان تفسیر شود که اقدام‌های صورت‌گرفته برای از بین‌بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را توجیه کند.



۲۸ هر شخصی حق دارد خواستار برقراری نظمی در عرصه‌ی اجتماعی و بین‌المللی باشد که حقوق و آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه را به تمامی تأمین و عملی سازد.



جمهوری آفریقای جنوبی

۲۹ (۱) هر فردی فقط در برابر آن جامعه‌ای وظایفی بر عهده دارد که رشد آزادانه و همه‌جانبه‌ی او را ممکن می‌سازد.

(۲) هرکس در اِعمال حقوق و بهره‌گیری از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی قانونی است که صرفاً برای شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات عادلانه‌ی اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در جامعه‌ای دموکراتیک وضع شده‌اند.

(۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نباید برخلاف هدف‌ها و اصول ملل متحد اِعمال شوند.

۳۰ هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ دولت، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه فعالیتی انجام دهد یا به عملی دست بزند.



(طرح از پلانتو)



مشعلی برای زندگی سرشار از شکوفایی

حقوق بشر

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

فهرست زبان‌هایی که این اعلامیه به آن‌ها ترجمه شده است.

تاریخ انتشار: ۱۰ دسامبر ۱۹۸۷

زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد

۱. انگلیسی ۲. فرانسوی ۳. اسپانیایی ۴. روسی ۵. چینی ۶. عربی

زبان‌های دیگر

۷. آسامی	۲۳. بیرمانی	۳۹. ژاپنی	۵۵. لائوسی
۸. آلبانیایی	۲۴. بلا روسی	۴۰. سنگالی	۵۶. لهستانی
۹. آلمانی	۲۵. پالائویی	۴۱. سوئدی	۵۷. لینگالایی
۱۰. امهاریکی	۲۶. پرتغالی	۴۲. سواحلی	۵۸. مارشالی
۱۱. اردو	۲۷. پشتو	۴۳. ساموروبی	۵۹. مالاگاشی
۱۲. اروپایی	۲۸. پونابتی	۴۴. صربی ـ کرواتی	۶۰. مالایامی
۱۳. اسپرانتو	۲۹. تاگالی	۴۵. عبری	۶۱. مالزیایی
۱۴. اسلوواکیایی	۳۰. تامیلی	۴۶. فارسی	۶۲. مجاری
۱۵. اسلوونیایی	۳۱. تایلندی	۴۷. فنلاندی	۶۳. مقدونیه‌ای
۱۶. اندونزیایی	۳۲. ترکی	۴۸. فیلیپینی	۶۴. مهاراتی
۱۷. اوکرائینی	۳۳. تریکی	۴۹. کانادایی	۶۵. نپالی
۱۸. ایتالیایی	۳۴. تلوگویی	۵۰. کنیارواندایی	۶۶. نوروژی
۱۹. ایرلندی	۳۵. چکی	۵۱. کیروندیایی	۶۷. هلندی
۲۰. ایسلندی	۳۶. دانمارکی	۵۲. گجراتی	۶۸. هندی
۲۱. بلغاری	۳۷. دری	۵۳. گلی	۶۹. یاپی
۲۲. بنگالی	۳۸. رومانیایی	۵۴. گورموخی	۷۰. یونانی

۴

وضعیت حقوقی و اخلاقی «اعلامیه‌ی جهانی»

مناظره در باب وضعیت حقوقی و اخلاقی «اعلامیه‌ی جهانی» به هنگام نگارش آن

بیشتر کسانی که دست‌اندرکار نگارش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بودند، عقیده داشتند که این اعلامیه هیچ نوع مبنای حقوقی ندارد. آنان معتقد بودند که در تدوینِ بیانیه‌ای مشارکت می‌ورزند که هدفش تأثیرگذاری بر وجدان‌ها است و درعین حال نخستین گام در راه رشته‌ای از توافق‌ها به حساب می‌آید که بعدها باید قدرت قانونی بیابند. هرچند النور روزولت این امید را بیان کرد که «اعلامیه» نوعی «منشور کبیر نوعِ بشر» باشد ــ اصطلاحی که ورد زبان‌ها شد ــ به‌طور منظم از دیدگاه ایالات متحد دفاع می‌کرد؛ در این دیدگاه، کوشش برای پی‌ریزی مبانی حقوقی حقوق بشر باید پس از اعلام احکام اخلاقی در اعلامیه‌ی جهانی پی‌گیری شود. بیشتر نمایندگانِ دیگر نیز طرف‌دار همین دیدگاه بودند و نظر خود را در جریان مناظرات «کمیسیون»، «شورای اقتصادی و اجتماعی»، «سومین کمیته» و «مجمع عمومی» همواره بیان می‌کردند. این به معنای آن نبود که نمی‌خواستند درگیر کاری شوند که در عرصه‌ی حقوق بین‌المللی پیامدهایی دارد. آنان نیز درست مانند النور روزولت به واقع قصد داشتند که کوشش‌های‌شان به تدوین گزاره‌هایی بینجامد که قدرت قانونی داشته

باشند. با این همه در آغاز بنا بود «اعلامیه‌ی جهانی» فقط اعلامیه‌ی اصول، اهداف و تمایلات باشد و نه یک سند حقوقی الزام‌آور. در حقیقت خود متن سند نیز گویی مؤید همین نکته بود، زیرا در آن آمده است که «مجمع عمومی» اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را «آرمان مشترک» تمام مردمان و ملت‌ها اعلام می‌کند، آرمانی که همه‌ی افراد و جوامع باید با تدابیری فزاینده به‌سوی آن به پیش بروند. این زبان بیشتر زبان اخلاق است تا زبان تعهد حقوقی.

در عبارات پیش‌نویس نهایی، برتری جنبه‌ی اخلاقی نسبت به تعهد حقوقی فقط در پرتو کوشش مشترک تعدادی از حکومت‌ها گنجانده و نمایان شد که پیشنهادهای موافق این نکته را که «اعلامیه» بیان‌کننده‌ی اصول قانونی لازم‌الاجرا توسط ملل متحد یا در چارچوب دادگاهی بین‌المللی باشد، درحد امکان رد کردند. به‌عنوان مثال هامفری در یادداشتی خطاب به هانری لوژیه، معاون و جانشین دبیرکل سازمان ملل متحد، نوشته بود این نظر که «کمیسیون حقوق بشر» بتواند دادخواست‌های عام را دریافت دارد، مسأله‌ای ایجاد نمی‌کند، اما در مقابل هر پیشنهادی مبنی بر این که همین کمیسیون بتواند شکایت‌های خاصی را دریافت کند، با توجه به ماده‌ی ۲(۷) منشور ملل متحد، مسائلی جدی را برمی‌انگیزد، البته جز در مواردی که این شکایت‌ها در مورد چیزی باشند که ماهیتاً صلح بین‌المللی را ـ آن‌گونه که در «منشور» تعریف شده ـ تهدید کنند.[۷۳]

دولت ایالات متحد به‌ویژه خواستار اجتناب از هر پیشنهادی بود که «اعلامیه» را در سطح بین‌المللی از نظر حقوقی لازم‌الاجرا بداند. در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷، جیمز پ. هندریک، معاون النور روزولت که منصوب وزارت امور خارجه‌ی آمریکا بود، پس از جلسه‌ای کاری با وزیر وقتِ امور خارجه‌ی آمریکا، آ. لوت، برای النور روزولت یادداشت دست‌نویس زیر را فرستاد:

---

۷۳. یادداشت ج. هامفری به هـ. لوژیه، ۲۸ اوت ۱۹۴۶:

(Boîte 52, Dossiers Oscar Schechter, Archives ONU, NY)

تفسیرهای دیگری از ج. هامفری درباره‌ی مسأله‌ی دادخواست‌ها و مسأله‌ی عام‌تر اعتبار حقوقی ملل متحد در مورد حقوق بشر در یادداشت دیگری خطاب به هانری لوژیه در ۲ اکتبر ۱۹۴۶ یافت می‌شود که در آن درباره‌ی تحلیل حقوقی ولینگتون کو در مورد کمیسیون حقوق بشر بحث شده است: (Dossier 605-1, Central Registry File, RAG - 1/73)

«آقای لوت به این پیامد ضمنی «پیش‌نویس اعلامیه» که تمام حقوقِ مندرج در آن بی‌درنگ لازم‌الاجرا باشند، ایراد جدی گرفته است. من بایستی می‌کوشیدم یکی از دو راه زیر را انتخاب کنم: یا با توجه به اشخاص متعددی که «اعلامیه» را تدوین و تصویب کرده بودند او را به پذیرش آن به شکلِ موجودش وادار سازم یا با تغییری بسیار ساده در «دیباچه‌ی اعلامیه» ایرادش را جدی بگیرم. به نظرم رسید حال که او این ایراد را طرح می‌کند (ایرادی که پیش از وی نیز افراد بسیاری گرفته بودند)، دیدگاهش ممکن است با دیدگاهِ همان مخاطبان هوش‌مندی همخوان باشد که ما در درجه‌ی اول خواستارِ تأمین رضایت‌شان هستیم. به‌علاوه جلب پرشورترین پشتیبانیِ ممکن او را بسیار مطلوب می‌دانستم. به همین سبب تسلیم شدم و پیشنهاد کردم که «دیباچه‌ی اعلامیه»، اعضای ملل متحد را به‌جای «رعایت کردنِ» حقوقِ مندرج در اعلامیه، به «ترویج» این حقوق فرا بخواند.

امیدوارم شما موافق باشید که این هوش‌مندانه‌ترین راه‌حل بوده است؛ اما همچنین امیدوارم که اگر موافق نیستید، نزد دین راسل بروید و نظرِ خودتان را بی‌هیچ تردیدی به او بگویید. به عقیده‌ی من نیروی استدلال‌هایِ شما به خوبی تمام می‌تواند او را به پذیرش تصمیم گرفته‌شده، بازگرداند.»[۷۴]

روز بعد، آلیس م. مک دایارمید، معاون بخش سازمان‌های بین‌المللیِ وزارت امور خارجه رهنمودی را به النور روزولت ابلاغ کرد که صراحت کم‌تری داشت:

«به نظر وزیر امور خارجه‌ی فعلی، اعلامیه‌ی حقوق بشر نباید به نحوی تدوین شود که این احساس به شهروندان و حکومت‌ها دست دهد که حکومت‌ها یا مللِ متحد نوعی الزام قراردادی نسبت به تضمین حقوق بشرِ مندرج در آن دارند. در واقع چنین اعلامیه‌ای بسیار بیش از ثبت احکام قطعی، آرزوها و تمایلات را بیان می‌کند.»[۷۵]

---

۷۴. نامه‌ی جان. پ. هندریک به النور روزولت، ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷:
(Dossier «Geneva and Human Rights», Boîte 4587, Eleanor Roosevelt Papers)

۷۵. یادداشت آ. م. مک دایارمید به النور روزولت، ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷.

به پیوست یادداشت فوق پیش‌نویس تغییریافته‌ی «اعلامیه» آمده بود که دیدگاه فوق را درنظر گرفته بود.[76]

حقوق‌دانان عموماً اتفاق‌نظر داشتند که اعلامیه‌ای که بی‌تصویب رسمی دولت‌ها، فقط به تصویب مجمع عمومی رسیده، نمی‌تواند الزامی حقوقی را ایجاد یا حتی تعریف کند. به نظر یکی از کسانی که در آن هنگام از برجسته‌ترین افراد در زمینه‌ی مسائل حقوقی محسوب می‌شد، ناتوانی قضایی مفروضِ «اعلامیه» دلیلی درخور توجه نبود. سر هرش لاترپاچت، در گزارش بسیار مؤثر خود به «کنفرانس انجمن حقوق بین‌المللی» که در ۱۹۴۸ در بروکسل برگزار شد، ملامت بسیار تندی را بیان کرد:

«اعلامیه‌ای با این ماهیت درصورتی ممکن بود ارزشی اخلاقی داشته باشد که از نهادهایی صادر شده بود که وظیفه‌ی آن‌ها انتشار اندیشه‌ها و شکل بخشیدن به افکار است و اگر از چنین منبعی سرچشمه بگیرد، کلماتِ «نورها» و «تشویق» نیز ممکن است به همان اندازه‌ی اعمال معین نیرومند باشند.

اگر این اعلامیه را دولت‌ها صادر کنند، کلمات به هیچ‌وجه در حکمِ اَعمال نیستند. آن‌چه وجدان بشر از دولت‌ها انتظار دارد، اعلام اندیشه‌ی حقوق بشر یا حتی شناسایی این حقوق نیست. آن‌چه وجدان جهانی از آن‌ها انتظار دارد، حمایت مؤثر و عملی از حقوق بشر است که به اجبارها و تعهدات واقعی و الزام‌آور نیاز دارد.»[77]

←

(Dossier «Geneva and Human Rights», Boîte 4587. Eleanor Roosevelt Papers).

۷۶. خوانندگان به یاد می‌آورند که در کنفرانس سان فرانسیسکو نیز مسأله‌ای مشابه درباره‌ی واژگانی که باید در «منشور» در مورد امور مربوط به حقوق بشر به کار رود مطرح گشته و راه‌حل یافته شده هم مشابه بود.

77. H. Lauterpacht, «The Universal Declaration of Human Rights», *op. cit.* (37), p. 372.

بنابراین در آن هنگام بیشتر ناظران ـ هم دانشگاهیان و هم دیپلمات‌ها ـ بر این نظر بودند که «اعلامیه» تعهدات اخلاقی ـ و نه حقوقی ـ ایجاد می‌کند. در واقع هنگامی که «کمیسیون حقوق بشر» در اجلاس خود در دسامبر ۱۹۴۷ سه گروه کاری ایجاد کرد، گروه کار درباره‌ی تدابیر عملی در گزارش خود به این نتیجه رسید که:

«مسأله‌ی تدابیر عملی بیشتر به «معاهده» مربوط می‌شود تا به «اعلامیه». این «اعلامیه» در تحلیل نهایی به صورت یک «توصیه‌ی» مجمع عمومیِ ملل متحد درمی‌آید و در نتیجه، به معنای دقیق کلمه، به لحاظ حقوقی لازم‌الاجرا نخواهد بود. به همین سبب برای این گروه کاری، درنظرگرفتنِ تدابیر عملی برای تعهدی که در واقع جنبه‌ی حقوقی و الزام‌آور نداشت، آشکارا ناممکن بود.»[۷۸]

با این همه در همین زمان عده‌ای این نظر را مطرح کردند که «اعلامیه‌ی جهانی» پیامدهای حقوقیِ ظریف ولی واقعی دارد. مایه‌ی تعجب نیست که نمایندگان بعضی از دولت‌های آمریکای لاتین که ـ بیهوده ـ تأکید ورزیده بودند که واژگانی الزام‌آورتر به کار برده شود، در میان کسانی بودند که از نظریه‌ی تفسیرِ رادیکال‌تر «اعلامیه» دفاع می‌کردند.

به‌عنوان مثال نماینده‌ی پاناما چنین استدلال کرد که ماده‌ی ۲ (۷) «منشور» مانع از آن نیست که «اعلامیه» بر مبنای حقوق بین‌المللی کاربردپذیر باشد. به نظر او، خودِ «منشور ملل متحد» که حقوق بشر را مسأله‌ای بین‌المللی دانسته و برای سازمان مللِ متحد در زمینه‌ی حقوق بشر مسئولیت‌هایی را معین ساخته، این حقوق را به‌مثابه مسأله‌ای بین‌المللی تعریف کرده است و نه به مثابه مسأله‌ای که بنا به تعریف مندرج در «منشور»، «صرفاً به حیطه‌ی صلاحیت ملی» مربوط می‌شود.[۷۹] نماینده‌ی شیلی

78. Document des Nations Unies: UN doc. E/CN. 4/53, 10 décembre 1947, Commission on Human Rights, Second Session (Commission des droits de l'homme, 2e session), *Draft Report to the Working Group on Implementation* (Projet de rapport du roupe de travail sur les mesures d'application), p. 2 (Boîte 4595, Eleanor Roosevelt Papers).

79. M. de Leon (Panama), Third Committee, *Summary Records* (Comptes rendus

در پی‌گیری این استدلال، در عین پذیرش این نکته که از لحاظ حقوقی فقط معاهدات قدرت قانونی دارند، اعلام کرد که هرگونه نقض «اعلامیه» در حکم نقض «منشور مللِ متحد» خواهد بود، زیرا یکی از اصول ملل متحد را نقض می‌کند. او یادآوری کرد که «اعلامیه» صرفاً حقوق اعلام و شناخته‌شده در «منشور» را آشکارا بیان می‌کند.[80] از این دیدگاه، «منشور ملل متحد» است که حقوق بشر را بین‌المللی ساخته است. «اعلامیه» فقط در حکم تدوین، فهرست و سیاهه‌ی حقوق اعطا شده در «منشور مللِ متحد» محسوب می‌شود که معاهده‌ای بین‌المللی است.

به نظر می‌رسید که چندین نماینده‌ی دیگر نیز ـ دست‌کم تا حدی ـ با چنین برداشتی موافق هستند. کنت کارتون دو ویارت (بلژیک) اعلام کرد که هرچند «اعلامیه» از ارزش اخلاقی بی‌سابقه‌ای برخوردار است، در عین حال در درون خود «مقدمات یک ارزش حقوقی» را نیز دارد.[81] به نظر می‌رسد که رنه کاسن نیز مایل نبود که «اعلامیه» را سندی بداند که صرفاً دارای ارزش اخلاقی است. او این نکته را مطرح کرد که «اعلامیه» نوعی ارزش حقوقی دارد، زیرا نخستین اعلامیه‌ی صادرشده از گروهی بین‌المللی است که «صلاحیت حقوقی» ویژه‌ای دارد.[82] رنه کاسن به علاوه در این باره در «مجمع عمومی» اعلام کرد:

«بدیهی است که این اعلامیه به همان اندازه‌ای قوی و الزام‌آور نیست که تعهدات مندرج در معاهده‌ها ممکن است باشند. اما «اعلامیه»ی ما در قالب قطع‌نامه‌ای از «مجمع عمومی» تدوین شده که ارزش حقوقی توصیه را دارد؛ این اعلامیه در حکم گسترش «منشور» است که حقوق بشر را در حقوق موضوعه‌ی بین‌المللی وارد کرده، حقوقی که درباره‌ی آن‌ها می‌توان گفت که اکنون در زمره‌ی چیزی قرار دارند که به «اصول عام حقوق» معروف گشته و در ماده‌ی ۳۸ دیوان داوری لاهه پیش‌بینی شده است. بنابراین من نمی‌توانم

←

du Troisième Comité), p. 43.

80. M. Hernan Santa Cruz (Chili), Third Committee, *Summary Records*, p. 50.

81. General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 880.

82. René Cassin, Third Committee, *Summary Records*, p. 62.

این اندیشه را بپذیرم که «اعلامیه» سندی صرفاً فرهنگستانی باشد. البته می‌پذیرم که این سندی بالقوه است و نطفه‌ای بیش نیست، اما این امر از لازم‌الاجرا بودن «منشور» هیچ چیزی کم نمی‌کند.»[۸۳]

برخلاف نمایندگان کشورهای آمریکای لاتین و استاد کاسن که طرفدار تفسیرهایی بودند که گستره و اهمیت «اعلامیه» را افزایش دهند، دولت اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی چنین تفسیرهایی را فریبنده و در عین حال دست‌وپاگیر می‌دانست.

اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی همواره می‌کوشید تعداد حقوق مندرج در «اعلامیه» را با این استدلال کاهش دهد که فقط حقوق شناخته‌شده‌ی جهانی در قانون‌های اساسی و نظام‌های حقوقی موجود باید در «اعلامیه» گنجانده شوند. هنگامی که در آغازِ ۱۹۴۸، «کمیسیون حقوق بشر»، برای دریافت تفسیرهای دولت‌های عضو، پیش‌نویس اعلامیه را در اختیارشان گذاشت، اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی در پاسخِ خود انتقاد تندی از متن آن عرضه کرد و تأکید ورزید که این متن بد نوشته شده است و مطالبه‌ی حقوق متعددی را دربردارد که در سطح جهانی به رسمیت شناخته نشده‌اند؛ در این پاسخ همچنین آمده بود که فقط حقوق «اساسی بشر» باید در «اعلامیه» گنجانده شوند و از این حقوق «اساسی» نیز باید تعریفی دقیق ارائه گردد. اساس این دیدگاه در نحوه‌ی ارزیابی حکومت اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی از تمامِ اهمیت حقوقی و سیاسی «اعلامیه» نمودار می‌شود:

«چنان تصور می‌شود که اعلامیه‌ای با این ماهیت اگر به تصویب «مجمعِ عمومی» برسد، حقوق یا تعهدات قانونی به‌وجود نمی‌آورد. شاید به همین سبب است که در تدوین آن به مشخص ساختن مسائل و وضعیت‌هایِ خاص یا به گستره‌ی واقعی آزادی‌ها و حقوق اساسی این همه کم‌توجهی شده است. در مقابل این نکته فراموش‌نشده که همین اعلامیه به‌عنوانِ سرچشمه‌ی حقوق و تعهدات اخلاقی معرفی گردد و در نتیجه چه‌بسا نه فقط منشأ آشفتگی و آشوب‌های داخلی فزاینده»، بلکه منبع آشفتگی و دشواری‌های مداوم در «ملل متحد» و نهادهای متفاوت آن نیز باشد. بنابراین

---

83. General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 866.

بی‌نهایت مهم است که این متن در حالتی که قالبی به کلی ناپذیرفتنی دارد، تصویب نشود.»[۸۴]

نماینده‌ی اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی در مناظرات «سومین کمیته» نیز همین نظرگاه را حفظ کرد.[۸۵] و بی‌تردید در پی همین استدلال بود که دولت اتحادیه‌ی آفریقای جنوبی در رأی‌گیری‌های «سومین کمیته» و «مجمع عمومی» رأی ممتنع داد. در جریان مناظره در «مجمع عمومی» استدلال‌آوری نماینده‌ی آفریقای جنوبی کمی پیشتر رفت، زیرا دغدغه‌های او به نظرگاه نمایندگان آمریکای لاتین پیوند داده شد. هرچند این نکته را درست می‌دانست که «اعلامیه» در حکم تعریف معتبر آزادی‌ها و حقوق اساسی‌ای بود که در «منشور» اعلام شده اما تعریف نشده بودند، دولت‌هایی که به این «اعلامیه» رأی می‌دادند «به همان نحوی متعهد می‌شدند که گویی معاهده‌ی بیان‌کننده‌ی این اصول را امضا کرده‌اند... .»[۸۶]

استاد هامفری نظرگاهی میانه برگزید. هرچند قبول داشت که، به لحاظ فنی، این دیدگاه درست است که قطع‌نامه‌ی «مجمع عمومی» نمی‌تواند به خودی خود تعهدی قانونی و لازم‌الاجرا به‌وجود آورد، در عین حال معتقد بود که «اعلامیه» قابلیت حقوقی گسترده‌ای دارد و بعضی از دولت‌ها، مانند ایالات متحد و دیگران که در هر فرصتی بر جنبه‌ی غیرحقوقی و غیرالزام‌آورِ «اعلامیه» تأکید می‌ورزیدند، از یک‌سو اغراق می‌کردند و از سوی دیگر، به آرمان حقوق بشر آسیب می‌رساندند.[۸۷]

---

84. Document des Nations Unies: UN Doc E/CN. 4/82/Add. 4, *Comments from Governments* (Commentaires des gouvernments).

85. Third Committee, *Summary Records* (Comptes rendus du Troisième Comité), p. 39.

86. M. Andrews (Union sud-africaine), General Assembly, *Summary Records* (Comptes rendus de l'Assemblée générale), p. 910.

87. John Humphrey, *op. cit* (19), pp. 73-74.

همچنین نگاه کنید به:

John Humphrey, ch. VII, «No Distant Millennium: The International Law of Human Rights». Paris, Unesco, 1989.

«اگر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر رعایت نشود، فکر نمی‌کنم سیاره‌ی ما آینده‌ای داشته باشد.»



جان هامفری

پاریس، ۷ دسامبر ۱۹۸۸

یکی از نویسندگان پیش‌نویس «اعلامیه» که دبیرخانه‌ی ملل متحد در ۱۹۴۷ تدوین کرده بود.

رئیس «کمیسیون» و مدیر بخش حقوق بشر که محور تمام کار نگارش «اعلامیه» بود.

تحول وضعیت حقوقی «اعلامیه»

هرچند در دوران تصویب «اعلامیه» در «مجمع عمومی ملل متحد»، افراد اندکی تأکید می‌ورزیدند که «اعلامیه» از نظر حقوقی الزام‌آور و لازم‌الاجراست، از آن پس تعداد فزاینده‌ای به این نتیجه رسیدند که آن را از نظر حقوقی برای تمام دولت‌ها لازم‌الاجرا بدانند. سه نوع سند در این تحول نقش داشتند. در وهله‌ی نخست، بسیاری از دولت‌هایی که قانون اساسی خود را پس از ۱۹۴۸ نگاشته‌اند ــ به‌ویژه دولت‌های جدید و تازه استقلال‌یافته‌ای که از قید استعمار آزاد شده‌اند ــ در این قانون‌ها به «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» استناد کرده‌اند. در وهله‌ی دوم سازمان‌هایِ بین حکومتیِ محلی که به حقوق بشر اختصاص یافته‌اند یا ماهیتی عام‌تر دارند نیز در اساس‌نامه‌های خود به «اعلامیه‌ی جهانی» استناد ورزیده یا در قطع‌نامه‌های خود آن را تأیید کرده‌اند. و سرانجام خودِ سازمان ملل متحد و بسیاری از نهادهایِ تخصصی‌اش در قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های خود بارها و بارها به «اعلامیه» استناد جسته‌اند. جان هامفری خاطرنشان کرد که در واقع، به استثنای اتحادیه‌ی آفریقایِ جنوبی، تمام دولت‌هایی که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ رأی ممتنع داشته‌اند سپس به قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های «مجمع عمومی» که دولت‌ها را به رعایت «اعلامیه‌ی جهانی» وادار می‌سازند، رأی مثبت داده‌اند.[۸۸]

بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی ــ بی‌تردید بیشتر آنان ــ اعتقاد دارند استناد مداوم به «اعلامیه‌ی جهانی» در تمام این سطوح بهترین نشانه‌ی آن است که «اعلامیه» اکنون به قانون مرسومِ بین‌المللی بدل شده است که از لحاظ حقوقی برای تمام دولت‌ها جنبه‌ی الزام‌آور دارد.[۸۹] البته این که حقوق‌دانان بین‌المللی «اعلامیه» را از لحاظ قانونی الزام‌آور بدانند بدان معنا نیست که در همه‌جا به‌نحوی یکسان رعایت شده باشد یا رعایت بشود. در واقع این نکته‌ی جان هامفری درست، و مایه‌ی تأسف است که «بدبختانه چندان دلیلی وجود ندارد که بیندیشیم حقوقِ بشر ــ شاید به

---

۸۸ نگاه کنید به: John Humphrey, *op. cit.* (16) pp. 75-76. جیمز ف. گرین در اثر مذکور در پانوشت شماره‌ی ۷، صص ۳۵ـ۳۶ نمونه‌های متعددی از متن‌های مهم ملی یا بین‌المللی را که به «اعلامیه‌ی جهانی» استناد جسته‌اند، ارائه کرده است.

89. John Humphrey, *op. cit.*

استثنای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق مربوط به عدم تبعیض در مورد گروه‌هایی از اشخاص ــ امروزه بیشتر از دوران پیش از ۱۹۴۸ رعایت می‌شود.»[۹۰]

حدود پنجاه سال پس از آن که افرادی مانند النور روزولت، پ. س. چانگ، چارلز مالک، رنه کاسن و جان هامفری برای تدوین اعلامیه‌ای تلاش ورزیده‌اند که ارزشی جهان‌گستر داشته باشد و رعایت عام را الزامی سازد، بسیاری از چیزها دگرگون شده‌اند. جایگاه اکثریت در ملل متحد از کشورهای لیبرال غربی به کشورهای جهانِ سوم رسیده است. جنگ سرد شدت یافته، سپس آرام شده، دوباره شدت گرفته و باز هم آرام شده است. مبارزان حقوق بشر امروزه در شبکه‌ی ارتباطی گسترده‌ای به هم پیوسته‌اند که ایجاد جامعه‌ی بین‌المللی حقوق بشر را ممکن ساخته است. از یک‌سو کارِ سازمان‌های غیرحکومتی ــ که محرک و مشوق برنامه‌ریزان آمریکایی سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ بوده‌اند ــ و از سوی دیگر کار النور روزولت در چارچوب ملل متحد و پس از آن، به قرار دادن حقوق بشر در دستور روز مسائلِ بین‌المللی یاری رسانده‌اند. پاداش کوشش‌های آن‌ها، گسترش باورنکردنیِ توجه به این مسائل در سرتاسر دنیا بوده است. حقوق بشر امروزه بیش از هروقت دیگری فعلیت دارد.

اما به رغم این تحول ــ و شاید هم بر اثر همین تحول ــ آن‌چه را نویسندگان و تصویب‌کنندگان «اعلامیه‌ی جهانی» تحقق بخشیده‌اند هنوز هم بسیار چشم‌گیر جلوه می‌کند. در حالی که مردم هنوز تازه سر از جنگ برمی‌آوردند، جنگ سرد آغاز می‌شد و تجربه‌ی ملل متحد، به‌ویژه در عرصه‌ی اقتصادی و اجتماعی، گام‌های اول خود را می‌پیمود، آنان درست در طول ۳۰ ماه توانستند متنی را تدوین کنند و بر سر آن به توافق برسند که اختلاف‌های زبان‌ها، ملیت‌ها و فرهنگ‌ها را ــ البته نه به تمامی ــ بلکه در حدی پشت سرمی‌گذاشت که تا آن هنگام در مناسبات بین‌المللی بی‌سابقه بود. برای پی بردن به اهمیت کار آنان می‌توان لحظه‌ای به این نکته اندیشید که برای دست‌یابی به توافق درباره‌ی پیمان‌های بین‌المللی «ملل متحد» در مورد حقوق بشر، ۱۸ سال دیگر لازم بود و بایستی ۱۱ سال دیگر نیز بگذرد تا پس از امضایِ

---

90. *Ibid.*

دولت‌هایی که این پیمان‌ها را تصویب نکرده بودند، آن‌ها قابلیت اجرایی پیدا کنند. بگذریم از این که امروزه نیز هنوز، بیش از ۴۰ سال پس از تصویب «اعلامیه»، بعضی از کشورهای مهم، از جمله ایالات متحد، همچنان از امضای این پیمان‌ها خودداری می‌ورزند. کار روی تدابیر اجرایی، در قالب «ملل متحد» حالتی بسیار پراکنده و کم‌تأثیر داشته و فقط در بعضی از چارچوب‌های منطقه‌ای کمی مؤثرتر بوده است.

تاریخچه‌ی «اعلامیه‌ی جهانی» نتایج چندی دربردارد. از یک سو تلاش کسانی که در این کار شرکت کرده‌اند، نمونه‌ای استثنایی از همکاری بین‌المللی است. آنان به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و شخصی‌شان، در جریان کاری مشترک به نگارش، پردازش و بازنویسی همه‌ی پیش‌نویس‌ها پرداخته‌اند، برای هماهنگ‌ساختنِ دیدگاه‌های متفاوت زبان را صیقل داده یا اصلاح کرده‌اند و در پرتو نگرش‌هایِ متفاوت با خودشان، به بررسی مفاهیم و فرهنگ‌های خاص خویش دست زده‌اند. آنان همگی نویسنده‌ی «اعلامیه» و یکایک‌شان شخصیت‌هایی برجسته بودند. اما النور روزولت چه بسا از بسیاری جهات از همه چشم‌گیرتر بود. در واقع از او کم‌تر از همه انتظار داشتند، زیرا نه فیلسوف بود و نه حقوق‌دان. با این همه برای چنین کاری دو خصوصیت ضروری داشت که در هیچ‌کس دیگری یافت نمی‌شدند و به احتمالِ زیاد برای توفیق کار در مورد «اعلامیه» ضروری بودند: جایگاه والای بین‌المللی در محفل‌های سیاسی و نیز در محفل‌های انسان‌دوستانه که به کار «کمیسیون» اعتبار می‌بخشید، و استعداد و هنر آشتی‌دادن «کمیسیون حقوق بشر» با فعالیت‌های دولتِ خود، جایگاه و استعدادی که بدون آن‌ها تدوین و تصویب «اعلامیه» بی‌هیچ تردیدی به تعویق می‌افتاد یا ناممکن می‌شد.

درحالی که اعتبار حقوقی «اعلامیه» پیوسته بیشتر می‌شود، انواع نقض حقوقِ بشر توسط دولت‌ها ــ که هر روزه وسایل پیچیده‌تری را برای مراقبت از افراد و شکنجه‌ی آن‌ها به‌کار می‌برند ــ همچنان نفرت و بیزاری کسانی را برمی‌انگیزند که با نظرگاه النور روزولت و تمام نویسندگان «اعلامیه‌ی جهانی» در باره‌ی جهانی آزادتر و همبسته‌تر موافق هستند.

النور روزولت بی‌تردید راه‌گشا بوده و نشان داده که چگونه «اعلامیه» ممکن است بیشترین تأثیر را داشته باشد: او عادت داشت خطاب به مجامعی که در آن‌ها شرکت می‌کرد بگوید که جست‌وجوی حقوق بشر در مجموع باید نزد هرکس، در هر

روستا، هر شهر، و در همه جای دنیا آغاز شود، زیرا فقط در پرتو تلاش‌های یکایکِ افراد است که حقوق بشر سرانجام ممکن است به تمامی محافظت شود.

چگونه می‌توان حقوق مندرج در «اعلامیه» را تضمین کرد؟

«کمیته‌ی نگارش» در واقع وظیفه داشت که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را بنویسد، اما همچنین به گفته‌ی رنه‌کاسن بایستی *وسایل عملی رعایت آن را زیرِ نظارت جامعه‌ی ملل متحد و بر فراز حاکمیت‌های مرگ‌بارِ قدیمی فراهم آورد.*

این مسأله در همان نخستین جلسات «کمیته‌ی نگارش اعلامیه‌ی جهانی» مطرح شد.

در این جا خلاصه‌ی مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در این مباحثات را می‌آوریم.

«اعلامیه‌ی حقوق و آزادی‌های اساسی» به خودی خود اهمیت اخلاقی چشم‌گیری دارد، اما در صورتی مؤثر و کارساز می‌گردد که:

ـ در معاهده‌ای که به‌مثابه قانون بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، گنجانده شود؛

ـ امضاکنندگان این معاهده بپذیرند که این حقوق در دادگاه‌های کشورهای‌شان لازم‌الاجرا باشند؛

ـ در میان عوامل ممکن بازدارنده از هرگونه نقض این معاهده، نوعی نظارتِ عمومی و بین‌المللی برقرار شود که با ساختکارهای زیر تکمیل گردد: فرستادنِ دادخواست به «ملل متحد»، ایجاد نهادی برای بررسی شکایت‌هایِ مربوط به این نقض‌ها، مباحثات در «مجمع عمومی»؛

ـ دادگاه بین‌المللی حقوق بشر ایجاد شود؛

ـ تمام دولت‌هایی را که بر این نقض‌ها پافشاری ورزند، بتوان از «ملل متحد» اخراج کرد.

پیمان‌های بین‌المللی
یا تکمیل «منشور حقوق بشر»

تدوین پیمان‌های بین‌المللی

اعلامیه‌ی جهانی

که رواق «منشور حقوق بشر» است، باید کامل شود

حقوق بشر تضمین‌پذیر نیستند مگر با پیمان‌هایی که دولت‌ها را متعهد می‌سازند.

FÉDÉRATION MONDIALE
DES ASSOCIATIONS POUR LES NATIONS UNIES

Monsieur René Cassin,
Vice-Président du
Conseil d'Etat,
c/o Association Française
pour les Nations Unies,
Rue de l'Elysée, 2,
<u>PARIS VIII</u>

Genève, le 29 Septembre 1950

Monsieur,

Nous avons l'honneur de vous faire parvenir le texte de deux résolutions sur les Droits de l'Homme qui furent adoptées par la Cinquième Assemblée Plénière de la Fédération Mondiale des Associations pour les Nations Unies réunie à Genève du 6 au 12 Septembre 1950.

<u>Droits de l'Homme</u>

LA CINQUIEME ASSEMBLEE PLENIERE DE LA FMANU,

"ACCUEILLE avec satisfaction le fait que les Nations Unies élaboré le projet d'un premier Pacte International des Droits de l'Homme,

NOTE que le Conseil Economique et Social des Nations Unies a transmis le projet de Pacte à la Cinquième Session de l'Assemblée Générale des Nations Unies pour immédiate considération,

ESPERE que l'Assemblée Générale, bien qu'adoptant le Pacte et le soumettant aux Gouvernements pour une prompte ratification, améliorera encore son texte en prévoyant une procédure rapide pour les pétitions concernant la violation des Droits de l'Homme,

DEMANDE que l'Assemblée Générale autorise la Commission des Droits de l'Homme à procéder à la préparation d'un projet de Pactes additionnels et mesures concernant les droits économiques, sociaux, culturels, politiques et autres non contenus dans le projet du premier Pacte ainsi que la Commission à sa Sixième Session l'a prévu,

CONSIDERANT que les Droits de l'Homme ne peuvent être pleinement garantis que par un Pacte comprenant un mécanisme effectif de mise en application internationale et croit qu'un tel mécanisme ne peut pleinement protéger les Droits des individus à moins qu'il ne prévoit un moyen efficace permettant de donner suite à des pétitions individuelles ou de groupes,

DEMANDE que l'Assemblée Générale des Nations Unies étudie la question de la mise en pratique et, à titre de priorité, prépare ou un des protocoles supplémentaires permettant aux Organisations non-Gouvernementales reconnues et, dès que possible, aux individus de soumettre des pétitions, cela sous certaines garanties".

Hommage aux Membres de la Commission des Droits de l'Homme

LA CINQUIEME ASSEMBLEE PLENIERE DE LA FMANU,

"Au moment où elle adopte la résolution sur les Droits de l'Homme, saisit cette opportunité pour faire part à trois personnalités distinguées, membres de ses Associations pour les Nations Unies, Mrs Eleanor Roosevelt, Membre du Bureau de l'Association Américaine pour les Nations Unies, M. René Cassin, Membre Exécutif de l'Association Française pour les Nations Unies et le Professeur Max Sorensen, Membre Exécutif de l'Association Danoise pour les Nations Unies de sa plus vive appréciation pour les efforts qu'ils firent pour élaborer la Déclaration Universelle et le projet de premier Pacte relatif aux Droits de l'Homme".

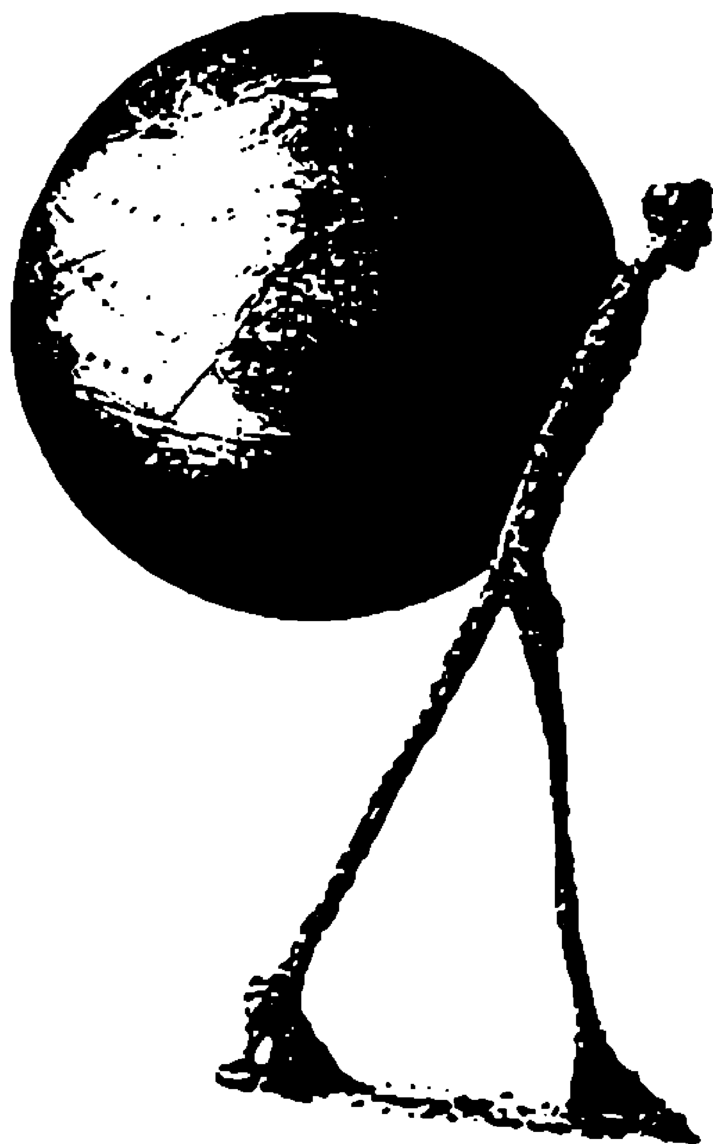
Le texte de ces résolutions a été communiqué au Président de l'Assemblée Générale, à M. Trygve Lie, au Secrétaire-Général Adjoint M. Laugier, au Président et au Secrétaire du Troisième Comité ainsi qu'à tous les Membres du Troisième Comité.

Nous vous envoyons, sous pli séparé, un court rapport sur le travail de l'Assemblée de la FMANU.

En vous priant encore une fois de trouver ici l'expression de notre vive appréciation pour la précieuse contribution que vous avez apportée à la cause des Droits de l'Homme, nous vous demandons de bien vouloir agréer, Monsieur, l'expression de notre haute considération.

John A.F. Ennals,
Secrétaire Général.

فتوکپی متن اصلی دو قطع‌نامه درباره‌ی حقوق بشر که در پنجمین مجمع عمومی «فدراسیون جهانی انجمن‌های طرف‌دار ملل متحد» به تصویب رسیده است.
(ژنو، ۶ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۵۰ ـ آرشیو ر. کاسن. پاریس)



پیمان‌های ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

با توجه به آن که بر اساس «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»، آرمانِ بشرِ بهره‌مند از آزادی‌های مدنی و سیاسی که از ترس و فقر نیز رهایی یافته، فقط در صورت تدوین و تصویب پیمان‌هایی تحقق می‌یابد که امکان برخورداری یکایک انسان‌ها را از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آورند، «مجمع عمومی ملل متحد»، در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ دو پیمان زیر را تصویب کرد:

● *پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،*
● *پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.*

اگر «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر»، به «آرمان مشترک تمام مردمان و ملت‌ها» توصیف شده، اگر نشان‌دهنده‌ی نیروی اخلاقی اساسی و راهنمای جامعه‌ی بین‌المللی است، دو پیمان پیش‌گفته که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب «مجمعِ عمومی ملل متحد» رسیده‌اند، *قراردادهایی* هستند که برای دولت‌های امضاکننده‌ی آن‌ها *لازم‌الاجرا* محسوب می‌شوند.

● «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸)،
● «پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۹۶۶)،
● «پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)»، و مقاوله‌نامه‌ی اختیاریِ این پیمان از این پس

منشور بین‌المللی حقوق بشر

را تشکیل می‌دهند.

با رأی یک‌پارچه‌ی مجمع عمومی ملل متحد (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) «منشورِ حقوق بشر» به مجموعه‌ای کامل بدل گشت.

بدین ترتیب این منشور «تکمیل» شد.

تصویب پیمان‌ها ...

می‌توان دریافت که تصویب چنین پیمان‌هایی برای هر دولتی مهم و دشوار باشد: این کار در حکم پذیرش آن است که نحوه‌ی رفتار با شهروندان یا ساکنان هر کشور که پیشتر در حوزه‌ی صلاحیت انحصاری دولت حاکم برآن قرار داشت، از این پس از این صلاحیت بومی انحصاری خارج می‌شود. اما دومین جنگ جهانی دقیقاً از همین ادعای حاکمی خودکامه به دراختیارداشتنِ انحصاری و اعتراض‌ناپذیر همه حقوق ــ از جمله مرگ و زندگی ــ اتباع خویش سرچشمه گرفته است، همان‌گونه که در گذشته، پدرِ

جبّار خانواده‌ی رومی بر بردگان و پسرانش حاکمیتی مطلق اعمال می‌کرد. وحدت نوع بشر، همبستگی وحدت‌بخش انسان‌ها و ملت‌ها دیگر اجازه نمی‌دهد که مانند دورانی که اقوام و قبیله‌ها جدا از هم می‌زیستند، چنین عادات زشتی را بپذیریم. یک قانون بین‌المللی مشترک را باید تمام دولت‌ها بپذیرند، قانونی که حقوق بشر را تضمین می‌کند. سازمان ملل متحد همانا برای تدوین و حاکمیت چنین قانون مشترکی ایجاد شده است.

رنه کاسن

مجله‌ی *Éducations*، شماره‌ی ۱۲

مهم‌ترین اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر

(الف) اسناد جهانی

۱. *پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی* (۱۹۶۶) که از ۳ ژانویه‌ی ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 2200 A (XXI), Doc UN A/6316).

۲. *پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی* (۱۹۶۶) که از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 2200 A (XXI), Doc UN A/6316).

۳. *بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۴۱ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی* (صلاحیت کمیته‌ی حقوق در مورد دریافت اطلاعیه‌های هریک از کشورهایِ طرفِ پیمان برضد یک کشور دیگرِ طرفِ پیمان). این بیانیه در ۲۸ مارس ۱۹۷۹ به اجرا گذاشته شد.

۴. *مقاوله‌نامه‌ی اختیاری پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی* (۱۹۶۶) که از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 2200 A (XXI), Doc UN A/6316).

(ب) اسناد منطقه‌ای

۵. *معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر* (۱۹۵۰)، با عنوان رسمی معاهده‌ی حفظ حقوق

بشر و *آزادی‌های اساسی* که در ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ به اجراگذاشته شد:

2(Gonseil dc l'Europe, *Série des traités européen,* n° 5).

۶. *بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۲۵ معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (حق شکایت فردی) (۱۹۵۰)* که در ۵ ژوئیه‌ی ۱۹۵۵ به اجراگذاشته شد:

(Conseil dc l'Europe, *Série des traités européens,* n° 5).

۷. *بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۴۶ معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)* که در ۳ سپتامبر ۱۹۵۸ به اجراگذاشته شد:

(Conseil dc l'Europe, *Série des traités européens,* n° 5).

۸. *مقاوله‌نامه‌ی الحاقی به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۲)* که در ۱۸ مه ۱۹۵۴ به اجراگذاشته شد:

(Conseil dc l'Europe, *Série des traités européens,* n° 9).

۹. *مقاوله‌نامه‌ی الحاقیِ شماره‌ی ۲ به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر که به دادگاه اروپایی حقوق بشر، صلاحیت‌دادنِ نظر مشورتی اعطا می‌کند (۱۹۶۳)*. این مقاوله‌نامه در ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۰ به اجراگذاشته شد:

(Conseil dc l'Europe, *Série des traités européens,* n° 44).

۱۰. *مقاوله‌نامه‌ی الحاقی شماره‌ی ۴ به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر که حقوق و آزادی‌های دیگری علاوه بر حقوق و آزادی‌های مندرج در «معاهده» و در اولین مقاوله‌نامه‌ی الحاقی به آن را به رسمیت می‌شناسد (۱۹۶۳)*. این مقاوله‌نامه در ۲ مه ۱۹۶۸ به اجراگذاشته شد:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 46).

۱۱. *مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۶ درباره‌ی الغای مجازات اعدام (۱۹۸۳)* که در ۱ مارس ۱۹۸۵ به اجراگذاشته شد:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 114).

۱۲. *مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۷ (شناسایی حقوق جدید) (۱۹۸۴)* که هنوز به اجرا گذاشته نشده و به امضای هیچ کشوری نرسیده است:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 117).

۱۳. *مقاوله‌نامه‌ی الحاقی شماره‌ی ۷ به معاهده‌ی اروپایی حقوق بشر درباره‌ی سرعت‌بخشی به آیین دادرسی کمیسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۸۵)* که هنوز

(اول ژانویه ۱۹۸۸) به اجرا گذاشته نشده است:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 118).

۱۴.*توافق‌نامه‌ی اروپایی درباره‌ی اشخاص شرکت‌کننده در دعاوی کمیسیون و دادگاه اروپایی حقوق بشر* (۱۹۶۹). این توافق‌نامه در ۱۷ آوریل ۱۹۷۷ به اجرا گذاشته شد:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 67).

۱۵.*منشور اجتماعی اروپایی* (۱۹۶۱) که در ۲۶ فوریه ۱۹۶۵ به اجرا گذاشته شد:

(Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 35).

۱۶.*معاهده‌ی شماره‌ی ۱۰۸ برای محافظت از اشخاص در مورد پردازش ماشینی اطلاعات شخصی* (۱۹۸۱) که در ۱ اکتبر ۱۹۸۵ به اجرا گذاشته شده است:

DIR/JUR(86)

۱۷.*معاهده‌ی آمریکایی حقوق بشر* (۱۹۶۹) که در ۱۸ ژوئیه‌ی ۱۹۷۸ به اجرا گذاشته شد:

(Organisation des États américains, *Série des traités européens,* n° 36, p. 1) (OAS Official Records, OEA/SER/A/16)

۱۸.*منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها* (۱۹۸۱) که به تصویب اکثریت اعضای سازمان وحدت آفریقا رسیده و در ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ به اجرا گذاشته شده است.

اسناد مربوط به پیکار با تبعیض

۱۹.*معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی* (۱۹۶۵) که در ۴ ژانویه‌ی ۱۹۶۹ به اجرا گذاشته شد:

(Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 660, p. 195).

۲۰.*بیانیه‌ی مربوط به ماده‌ی ۱۴ معاهده‌ی بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی* (شناسایی صلاحیت کمیته‌ی رفع تبعیض جنسی). این بیانیه در ۳ دسامبر ۱۹۸۲ به اجرا گذاشته شد.

۲۱.*معاهده‌ی بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید* (۱۹۷۳) که در ۱۸ ژوئیه‌ی ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد:

(AG 3068, Doc. UN A / 9030).

۲۲.معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (OIT) (شماره‌ی ۱۰۰) درباره‌ی برابری پرداخت مزد به نیروی کار مردان و زنان برای کار با ارزش برابر (۱۹۵۱). این معاهده در ۲۳ مه ۱۹۵۳ به اجرا گذاشته شد:

Nation Unies, *Recueil des traités*, Vol. 165, p. 303.

۲۳.معاهده‌ی یونسکو درباره‌ی پیکار با تبعیض آموزشی (۱۹۶۰). این معاهده در ۲۲ مه ۱۹۶۲ به اجرا گذاشته شد:

Nation Unies, *Recueil des traités*, Vol. 429, p. 93.

۲۴.مقاوله‌نامه‌ی ایجاد کمیسیون آشتی و میانجی‌گری برای یافتن راه‌حل اختلافاتی که میان دولت‌های عضو معاهده‌ی پیکار با تبعیض آموزشی ایجاد می‌شوند (۱۹۶۲) این مقاوله‌نامه در ۲۴ اکتبر ۱۹۶۸ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 651, p. 363.

۲۵.معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۱۱) درباره‌ی تبعیض شغلی و استخدامی (۱۹۵۸). این معاهده در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۰ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 362, p. 31.

۲۶.معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۵۶) درباره‌ی برابری حقوق و امکانات برای کارگران هردو جنس: کارگرانی که مسئولیت‌های خانوادگی دارند (۱۹۸۱). این معاهده در ۱۱ اوت ۱۹۸۳ به اجرا گذاشته شد:

Recueil des conventions et recommandations 1919–1984.

۲۷.معاهده‌ی بین‌المللی بر ضد آپارتاید در ورزش (۱۹۸۵). این معاهده در ۳ آوریل ۱۹۸۸ به اجرا گذاشته شد:

Recueil des traités, 1986.

اسناد مربوط به مسائل خاص

(الف) کشتار جمعی، جنایات جنگی، جنایات ضدبشری

۲۸.معاهده‌ی منع و مجازات کشتار جمعی (۱۹۴۸). این معاهده در ۱۲ ژانویه‌ی ۱۹۵۱ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités*, Vol. 78, p. 277.

۲۹.معاهده درباره‌ی مرور زمان‌ناپذیری جنایات جنگی و جنایات ضدبشری

(۱۹۶۸). این معاهده در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۰ به اجراگذاشته شد:
Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 754, p. 73.
۳۰.*معاهده منع شکنجه و دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده* (۱۹۸۴). این معاهده در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به اجراگذاشته شد:
Nations Unies, *Recueil des traités,* 1985.
۳۱.*معاهده‌ی اروپایی درباره‌ی مرور زمان‌ناپذیری جنایات ضدبشری و جنایات جنگی* (۱۹۷۴). تا اول ژانویه‌ی ۱۹۸۸ به اجراگذاشته نشده است:
Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 82.
۳۲.*معاهده‌ی اروپایی منع شکنجه و کیفرها یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرکننده* (۱۹۸۷). این معاهده تا اول ژانویه‌ی ۱۹۸۸ به اجراگذاشته نشده است:
Conseil de l'Europe, *Série des traités européens,* n° 126.
۳۳.*معاهده‌ی سازمان دولت‌های آمریکایی برای منع و مجازات شکنجه* (۱۹۸۵). این معاهده در ۲۸ فوریه‌ی ۱۹۸۷ به اجراگذاشته شد:
OAS Treaty Series n° 67.

(ب) بردگی، خرید و فروش انسان، کار اجباری

۳۴.*مقاوله‌نامه‌ی اصلاحی معاهده‌ی مربوط به بردگی که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ در ژنو تصویب شده* (۱۹۵۳) و در ۷ سپتامبر ۱۹۵۳ به امضا رسیده است:
Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 182, p. 51.
۳۵.*معاهده‌نامه‌ی مربوط به بردگی که در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶ در ژنو به امضا رسیده و با مقاوله‌نامه‌ی مورخ ۷ دسامبر ۱۹۵۳ اصلاح شده است* (۱۹۵۳). این مقاوله‌نامه در ۷ ژوئیه‌ی ۱۹۵۵ به اجراگذاشته شد:
Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 212, p. 17.
۳۶.*معاهده‌ی تکمیلی درباره‌ی الغای بردگی، خرید و فروش بردگان و نهادها و اعمالِ مشابه بردگی* (۱۹۵۶). این معاهده در ۳۰ آوریل ۱۹۵۷ به اجراگذاشته شد:
Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 266, p. 3.
۳۷.*معاهده‌ی مجازات خریدوفروش انسان‌ها و بهره‌کشی از روسپی‌گری* (۱۹۴۹).

این معاهده در ۲۵ ژوئیه‌ی ۱۹۵۱ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 96, p. 271.

۳۸.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۲۹) درباره‌ی کار اجباری* (۱۹۳۰). این معاهده در اول مه ۱۹۳۲ به اجرا گذاشته شد:

Société des Nations, *Recueil des traités,* Vol. 39, p. 55.

۳۹.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۰۵) درباره‌ی الغای کار اجباری* (۱۹۵۷). این معاهده در ۱۷ ژانویه‌ی ۱۹۵۹ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 320, p. 291.

(ج) پناهندگی

۴۰.*معاهده‌ی سازمان دولت‌های آمریکایی درباره‌ی پناهندگی* (۱۹۲۸). این معاهده در ۲۱ مه ۱۹۲۹ به اجرا گذاشته شد:

International Conferences of American State, 1889-1928, p. 434.

۴۱.*معاهده‌ی سازمان دولت‌های آمریکایی درباره‌ی پناهندگی سیاسی* (۱۹۳۳). این معاهده در ۲۸ مارس ۱۹۳۵ به اجرا گذاشته شد:

International Conference of American State, 1st Supplement, 1933-1940, p. 116.

۴۲.*معاهده‌ی سازمان دولت‌های آمریکایی درباره‌ی پناهندگی دیپلوماتیکی* (۱۹۵۴). این معاهده در ۲۹ دسامبر ۱۹۵۴ به اجرا گذاشته شد:

International Conferences of American States, 2nd Supplement, 1942-1954, p. 334.

۴۳.*معاهده‌ی سازمان دولت‌های آمریکایی درباره‌ی پناهندگی سرزمینی* (۱۹۵۴). این معاهده در ۲۹ دسامبر ۱۹۵۴ به اجرا گذاشته شد:

International Conferences of American States, 2nd Supplement, 1942-1954, p. 345.

(د) آزادی اطلاعات

۴۴.*معاهده‌ی حق بین‌المللی تکذیب و تصحیح* (۱۹۵۲). این معاهده در ۲۴ اوت

۱۹۶۲ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 439, p. 191.

اسناد مربوط به حمایت از برخی گروه‌های اجتماعی

(الف) بیگانگان، پناهندگان، افراد بی‌تابعیت

۴۵. *معاهده‌ی وضعیت پناهندگان* (۱۹۵۱). این معاهده در ۲۲ آوریل ۱۹۵۴ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 189, p. 137.

۴۶. *مقاوله‌نامه‌ی وضعیت پناهندگان* (۱۹۶۶). این مقاوله‌نامه در ۴ اکتبر ۱۹۶۷ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 606, p. 267.

۴۷. *معاهده‌ی وضعیت افراد بی‌تابعیت* (۱۹۵۴). این معاهده در ۶ ژوئن ۱۹۶۰ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 360, p. 117.

۴۸. *معاهده‌ی کاهش موارد بی‌تابعیتی* (۱۹۶۱). این معاهده در ۱۳ دسامبر ۱۹۷۵ به اجرا گذاشته شد:

Doc. Nations Unies A/Conf. 9/15 (1961).

۴۹. *معاهده‌ی سازمان وحدت آفریقا درباره‌ی جنبه‌های ویژه‌ی مسائل پناهندگان در آفریقا* (۱۹۶۹). این معاهده در ۲۰ ژوئن ۱۹۷۴ به اجرا گذاشته شد:

Doc. UN MHCR/131 (1969).

۵۰. *توافق‌نامه‌ی اروپایی درباره‌ی انتقال مسئولیت در مورد پناهندگان* (۱۹۸۰). این توافق‌نامه در اول دسامبر ۱۹۸۰ به اجرا گذاشته شد:

Conseil de l'Europe, *Série des traités européens* n° 107.

(ب) کارگران

۵۱. *معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۱) درباره‌ی حقوق تجمع و اتحاد کارگران کشاورزی* (۱۹۲۱). این معاهده در ۱۱ مه ۱۹۲۳ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 38, p. 153-159 (n° 594).

۵۲.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۸۷) درباره‌ی آزادی اتحادیه‌ای و پشتیبانی از حقوق اتحادیه‌ای* (۱۹۴۸). این معاهده در ۴ آوریل ۱۹۵۰ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 68, p. 17.

۵۳.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۹۸) درباره‌ی اجرای اصول حق سازمان‌دهی و مذاکره‌ی جمعی* (۱۹۴۹). این معاهده در ۸ ژوئیه‌ی ۱۹۵۱ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 96, p. 257.

۵۴.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۲۲) درباره‌ی سیاست اشتغال* (۱۹۶۴). این معاهده در ۱۵ ژوئیه‌ی ۱۹۶۶ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 569, p. 65.

۵۵.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۳۵) درباره‌ی پشتیبانی از نمایندگان کارگران در مؤسسات و اعطای تسهیلات به آنان* (۱۹۷۱). این معاهده در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۳ به اجرا گذاشته شد:

OIT, *Bulletin officiel*, Vol. LIV (1971), n° 3.

۵۶.*معاهده‌ی سازمان بین‌المللی کار (شماره‌ی ۱۴۱) درباره‌ی تشکل‌های کارگران روستایی و نقش آنان در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی* (۱۹۷۵). این معاهده در ۲۴ نوامبر ۱۹۷۷ به اجرا گذاشته شد:

OIT, *Bulletin officiel*, Vol. LVIII (1975), Ser A. n° 1.

۵۷.*معاهده‌ی اروپایی درباره‌ی وضع حقوقی کارگران مهاجر* (۱۹۷۷). این معاهده در اول مه ۱۹۸۳ به اجرا گذاشته شد:

Conseil de l'Europe. *Série des traités européens* n° 93.

(چ) زنان

۵۸.*معاهده‌ی حقوق سیاسی زن* (۱۹۵۲). این معاهده در ۷ ژوئیه‌ی ۱۹۵۴ به اجرا گذاشته شد.

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 193, p. 135.

۵۹.معاهده دربارهٔ ملیتِ زنِ ازدواج‌کرده (۱۹۵۷). این معاهده در ۱۱ اوت ۱۹۵۸ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 309, p. 65.

۶۰.معاهده‌ی مربوط به رضایت در ازدواج، سن حداقل ازدواج و ثبت ازدواج‌ها (۱۹۶۲). این معاهده در ۹ دسامبر ۱۹۶۴ به اجرا گذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 521, p. 231.

۶۱.معاهده‌ی رفع هر نوع تبعیض بر ضد زنان (۱۹۷۹). این معاهده در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به اجرا گذاشته شد:

Rés. AG 34/180.

۶۲.معاهده‌ی سازمان کشورهای آمریکایی درباره‌ی ملیت زنان (۱۹۳۳). این معاهده در ۲۹ اوت ۱۹۳۴ به اجرا گذاشته شد:

International Conferences of American States, 1st Supplement, 1933-1940, p. 106.

۶۳.معاهده‌ی بین آمریکایی درباره‌ی اعطای حقوق سیاسی به زنان (۱۹۴۸). این معاهده در ۱۷ مارس ۱۹۴۹ به اجرا گذاشته شد:

International Conferences of American States, 2nd Supplement, 1942-1954, p. 229.

۶۴.معاهده‌ی بین آمریکایی درباره‌ی اعطای حقوق مدنی به زنان (۱۹۴۸). این معاهده در ۱۷ مارس ۱۹۴۹ به اجرا گذاشته شد:

International Conferences of American States, 2nd Supplement, 1942-1954, p. 230.

(د) کودکان

۶۵.معاهده‌ی حقوق کودک (۱۹۸۹). این معاهده در ۲۶ ژانویه‌ی ۱۹۹۰ به امضا گذاشته شد و در سپتامبر ۱۹۹۰ به اجرا درآمد:

Rés. AG 44125-20-11-89.

۶۶.معاهده‌ی ژنو درباره‌ی *بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران نیروهای مسلح به هنگام مأموریت جنگی* (۱۹۴۹). این معاهده در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجراگذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 75, p. 31.

۶۷.معاهده‌ی ژنو درباره‌ی *بهبود سرنوشت مجروحان جنگی و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا* (۱۹۴۹). این معاهده در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجراگذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 75, p. 135.

۶۸.معاهده‌ی ژنو درباره‌ی *رفتار با اسیران جنگی* (۱۹۴۹). این معاهده در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجراگذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 75, p. 135.

۶۹.معاهده‌ی ژنو درباره‌ی *پشتیبانی از اشخاص غیرنظامی در دوران جنگ* (۱۹۴۹). این معاهده در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجراگذاشته شد:

Nations Unies, *Recueil des traités,* Vol. 75, p. 287.

۷۰.مقاوله‌نامه‌ی الحاقی به معاهده‌های ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ درباره‌ی *پشتیبانی از قربانیان درگیری‌های مسلحانه‌ی بین‌المللی* (مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱) (۱۹۷۷). این مقاوله‌نامه در ۷ دسامبر ۱۹۷۸ به اجراگذاشته شد.

۷۱.مقاوله‌نامه‌ی الحاقی به معاهده‌های ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ درباره‌ی *پشتیبانی از قربانیان درگیری‌های مسلحانه‌ی بین‌المللی* (مقاوله‌نامه‌ی شماره‌ی ۲) (۱۹۷۷). این مقاوله‌نامه در ۷ دسامبر ۱۹۷۸ به اجراگذاشته شد.

برخی از قانون‌های اساسی یا قوانین بنیادی که اعلامیه‌ها و ترتیبات ویژه‌ای را در مورد حقوق اساسی بشر دربردارند.

«برای آن که قانون اساسی خوب باشد، باید بر حقوق بشر استوار شده باشد و آشکارا از این حقوق پشتیبانی کند...»
مونیه
گزارش به مجلس مؤسسان، ۱۷۸۹

اروپا

در آغاز در اروپا است که «حقوق بشر» اندک‌اندک رواج می‌یابند، ریشه می‌گسترانند و سپس در متن‌های قانونی به رسمیت شناخته می‌شوند. یکی از نخستین متن‌های مهمی که آزادی‌ها را به رسمیت شناخته عبارت است از:

- منشور کبیر ژان سان‌تر یا Magna Carta (۱۲ ژوئن ۱۲۱۵) (انگلستان).

سپس می‌توان از اسناد زیر نام برد:

- درخواست حقوق (۷ ژوئن ۱۶۲۸) (انگلستان)؛
- لایحه‌ی آبئاس کورپوس [برای تضمین آزادی فردی و محدودکردن دستگیری‌ها و حبس‌های خودسرانه] (انگلستان)؛
- اعلامیه‌ی حقوق (۱۶۷۹) (انگلستان)؛
- اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند (۲۶ اوت ۱۷۸۹) که در آغاز قانون اساسی ۱۷۹۱ گنجانده شده است (فرانسه)؛
- اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند که در آغاز قانون اساسی سال یک (۲۶ ژوئن ۱۷۹۳) جای گرفته است (فرانسه).
- قانون‌های اساسی متعدد *فرانسوی* (۱۷۹۵، ۱۷۹۹، ۱۸۱۴، ۱۸۳۰، ۱۸۴۸، ۱۹۴۶، ۱۹۵۸)؛
- قانون اساسی پادشاهی *بلژیک*، ۷ فوریه‌ی ۱۸۳۱؛
- قانون اساسی گران دوشه دو *لوکزامبورگ*، ۱۷ اکتبر ۱۸۶۸؛
- قانون اساسی فدرالی *کنفدراسیون سوئیس*، ۱۹ آوریل ۱۸۷۴؛
- اعلامیه‌ی حقوق مردم زحمت‌کش و استثمارزده، ۱۷ ژانویه‌ی ۱۹۱۸، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (سابق)؛
- قانون‌های اساسی متعدد *اتحاد شوروی* (۱۹۱۸، ۱۹۲۴، ۱۹۳۶، ۱۹۷۷)؛
- قانون اساسی *آلمان*، معروف به وایمار، ۱۱ اوت ۱۹۱۹؛
- قانون اساسی جمهوری *ایتالیا*، ۲۷ دسامبر ۱۹۴۷؛
- قانون اساسی جمهوری *فدرال آلمان*، ۲۳ مه ۱۹۴۹؛
- قانون اساسی جمهوری دمکراتیک آلمان، ۳۰ مه ۱۹۴۹؛
- قانون اساسی جمهوری مردمی *لهستان*، ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۵۲؛
- قانون اساسی پادشاهی *هلند*، ۱۱ سپتامبر ۱۹۵۶؛

- قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی *فدراتیو یوگسلاوی*، ۷ آوریل ۱۹۶۳؛

آمریکا

- مجموعه‌ی *قوانین جدید* (احکام شورای بومیان برای دنیای نو؛ ۱۵۴۵)؛
- اعلامیه‌ی حقوق دولت ویرجینیا، ۱۲ ژوئن ۱۷۷۶؛
- اعلامیه‌ی استقلال *ایالات متحد آمریکا*، ۴ ژوئیه‌ی ۱۷۷۶؛
- قانون اساسی *ایالات متحد آمریکا*، مصوب ۱۷۸۹ و اصلاحیه‌های آن: اصلاحیه‌ی شماره‌ی ۱ تا ۱۰ (اعلامیه‌ی حقوق، ۱۷۹۱)، ۱۳ (۱۸۶۵)، ۱۴ (۱۸۶۸)، ۱۵ (۱۸۷۰)، ۱۹ (۱۹۲۰)، ۲۴ (۱۹۶۴)؛
- قانون اساسی سیاسی *ایالات* متحد مکزیک، ۵ فوریهٔ ۱۹۱۷؛
- قانون اساسی سیاسی جمهوری *شیلی*، ۱۸ سپتامبر ۱۹۲۵؛
- قانون اساسی ملت آرژانتین، مصوب مجلس ملی مؤسسان، ۱۱ مارس ۱۹۴۹؛
- اعلامیه‌ی حقوق *سسکچوان* (کانادا)، ۱۹۴۷؛
- اعلامیه‌ی کانادایی حقوق، ۱۹۶۰؛
- طرح دیباچه‌ی قانون مدنی ایالات کبک، ۱۹۶۶؛
- قانون ۱۶ مارس ۱۹۶۴ برای ایجاد شورای دفاع از حقوق بشر (*برزیل*).

آفریقا و خاورمیانه

- قانون اساسی *لیبریا*، ۲۶ ژوئیه‌ی ۱۸۴۷؛
- اعلامیه‌ی استقلال *اسرائیل* که در ۱۴ مه ۱۹۴۸ منتشر شده است؛
- قانون اساسی جمهوری گینه، ۱۲ نوامبر ۱۹۵۸؛
- قانون اساسی *ماداگاسکار*، ۲۹ آوریل ۱۹۵۹؛
- قانون اساسی *پادشاهی مراکش* (۲ ژوئن ۱۹۶۱)؛
- قانون اساسی اصلاح‌شده‌ی جمهوری *سنگال*، ۷ مارس ۱۹۶۳؛
- قانون اساسی جمهوری *توگو*، ۵ مه ۱۹۶۳؛
- قانون اساسی جمهوری *دموکراتیک و مردمی الجزایر*، ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۳؛
- قانون اساسی *کنیا*، ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۳؛
- قانون اساسی جمهوری متحد عربی، ۲۵ مارس ۱۹۶۴.

خاور دور

- قانون اساسی *فیلیپین*، ۱۹۳۵؛
- قانون اساسی (قانون بنیادی) جمهوری *توده‌ای مغولستان*، ۳۰ ژوئن ۱۹۴۰، اصلاح‌شده در ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۴ و فوریه‌ی ۱۹۴۹؛
- رهنمود *فرمان‌دهی عالی قدرت‌های متحد*، ۴ اکتبر ۱۹۴۵ یا *اعلامیه‌ی ژاپنی* حقوق بشر؛
- قانون اساسی *ژاپن*، ۳ نوامبر ۱۹۴۶؛
- قانون اساسی هندوستان، مصوب ۲۶ نوامبر ۱۹۴۹؛
- قانون اساسی پادشاهی *لائوس*، مصوب کنگره‌ی ملی ۲۹ سپتامبر ۱۹۵۶؛
- قانون شماره‌ی ۳۰ـ۵۷ در اول اکتبر ۱۹۵۷ در مورد آزادی‌ها و حقوق عمومی شهروندان *لائوس*؛
- قانون اساسی جمهوری *اسلامی پاکستان*، ۱۹۶۴؛
- قانون اساسی جمهوری *ویت‌نام*، مصوب مجلس مؤسسان در ۱۸ مارس ۱۹۶۷.

برحسب کشورها، دایره‌ی گنجاندن حقوق بشر در قانون اساسی و قوانین بنیادی دولت‌ها از استناد عام و متناسب به حقوق بشر، تا پذیرش کامل منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را دربرمی‌گیرد.

قانون اساسی بعضی از کشورهایی که آشکارا و با نام به اعلامیه‌ی جهانی ۱۹۴۸ استناد کرده‌اند.

ماداگاسکار

قانون اساسی ۲۹ آوریل ۱۹۵۹.

دیباچه:

«با تصمیم به *تضمین* حقوق اساسی بشر، (...) با الهام از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ملل متحد،
مردم ماداگاسکار اعلام می‌کنند...»

سنگال

قانون اساسی بازبینی‌شده‌ی جمهوری سنگال که در ۷ مارس ۱۹۶۳ به اجرا گذاشته شد.

دیباچه:

«مردم سنگال استقلال و پای‌بندی خویش را به حقوق اساسیِ مندرج در اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندِ ۱۷۸۹ و اعلامیه‌ی جهانی ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به صورت رسمی اعلام می‌کنند».

توگو

قانون اساسی جمهوری توگو، مصوب ۵ مه ۱۹۶۳.

دیباچه:

«مردم توگو، با بهره‌مندی از استقلال و حاکمیت، در پناه حمایتِ خداوند، پای‌بندی خود را به اصول دموکراسیِ حقوق بشر، مندرج در اعلامیه‌ی جهانی ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به‌صورت رسمی اعلام می‌کنند».

بخش دوم

کتاب‌شناسیِ برگزیده

(برمبنای کتابشناسی آلبر وردوت (Albert Verdoodt) در کتاب پیدایش و اهمیت اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ۱۹۶۴).

Bibliography on the Protection of Human Rights of Works published after December 1939. Prepared by the UN Secretariat, Geneva, 1951 (E/CN.4/540). 248 p.

ANTONOPOULOS, N. « L'influence de la Déclaration universelle des droits de l'homme sur les constitutions contemporaines » *Politique 13*, janv.-mars 1961, pp. 1-33.

CASSIN, R. « La Déclaration universelle des droits de l'homme » *Evidences*. 1949, 1.

CASSIN, R. « La Déclaration universelle des droits de l'homme — levier d'action pour un monde plus humain ». *UN Review*, sept. 1958.

CASSIN, R. « La Déclaration universelle et la mise en œuvre des droits de l'homme ». *Recueil des Cours de l'Académie de droit international*. Paris, Librairie du Recueil Sirey, 1951. pp. 237-367. (Académie de droit international, La Haye).

CASSIN, R. « L'État-Léviathan contre l'homme et la communauté humaine ». *Nouveaux cahiers*, avril 1940.

Derechos y libertades fundamentales del hombre. Anteproyecto de Declaracion internacional que somete el Gobierno de Panama a la consideración de la Asamblea General de las Naciones Unidas. Panama, Imprenta Nacional, 1946. 48 p.

Draft Declaration of the International Rights and Duties of Man and Accompanying Report. New York, United Nations Commission to Study the Organization of Peace, 1945.

GARCIA BAUER C. *Los derechos humanos, preocupación universal*. Guatemala Editorial Universitaria, 1960. 532 p.

GIORDANI, I. *Le enciclique dei Papi*. Roma, s.e., 1944.

GRACE, H.A., VAN VELZER V. « Attitude toward the Universal Declaration of Human Rights : Perceptions of National Actions », *International Journal of Opinion and Attitude Research*, Mexico, Winter 1951-1952, pp. 511-522.

HAESERT, I. *La Charte internationale des droits de l'homme et l'ONU*. Bruxelles, Palais des Académies, 1948. 27 p.

HAUCHMANN, T. « La Déclaration universelle des droits de l'homme marque-t-elle un tournant de l'histoire mondiale ? » *Schweizerische Gesellschaft für die Vereinigten Nationen*, Mitteilungen u. Dokumente, March 1949.

HENDRICK, J.P. *An International Bill of Human Rights*. Washington, Department of State, 1948.

LASKI, H. *Liberty in the Modern State*. London, Allen, 1948.

LAUTERPACHT H. *An International Bill of the Rights of Man*. New York, Columbia University Press, 1945.

LAUTERPACHT, H. Review of the book : « Universal Declaration of Human Rights and its Predecessors, 1679-1948 ». *International Affairs*. Vol. XXV, n° 4, oct. 1949, pp. 202-203.

LEAO, T.K. *La Déclaration universelle des droits de l'homme*. Paris, Thèse. 1950, 220 ff. dact.

Les droits de l'esprit. Six études sur les aspects culturels de la Déclaration universelle réunies par l'Unesco. Liège, Sciences et lettres. Paris, Librairie du Recueil Sirey, 1950. 299 p.

MALIK, C. « International Achievement ». *UN Bulletin*, 1 janv. 1949.

MIRKINE-GUETZEVITCH, B. « Quelques problèmes de la mise en œuvre de la Déclaration universelle des droits de l'homme », *Recueil des Cours de l'Académie de droit international*, Vol. 93, 1952, pp. 261-371.

PAINE, *Die Rechte des Menschen*. Berlin, Academie Verl., 1962, 418 p.

PAPACOSTAS, A.N. *La Déclaration universelle des droits de l'homme*. Athènes, s.e., 1956. 203 p.

PAPACOSTAS, A. « Sur le mode d'application de la Déclaration universelle des droits de l'homme ». *Revue de droit international de sciences diplomatiques et politiques*, oct.-déc. 1951, pp. 382-386.

PRASAD, A. « Implementation of the Universal Declaration of Human Rights ». *Foreign Review*, Sept. 1950, pp. 456 et ss.

Preparatory Study Concerning a Draft Declaration on the Rights and Duties of States. Memorandum submitted by the Secretary General of the United Nations. London, HMSO for UN, 1949.

RABBATH, E. *La théorie des droits de l'homme dans le droit musulman*. Paris : LGDJ, 1959.

ROBINSON N. *Universal Declaration on Human Rights. Its Origins, Significance and Interpretation*. New York , Institute of Jewish Affairs, 2d éd. 1958. (London, World Jewish Congress). 173 p.

ROYCE, M.V. a.o. *We, the People, and Human Rights : Guide to Study and Action Based on the Universal Declaration of Human Rights*. New York, Association Press, 1949.

SA'ADI, I. *Les Déclarations des droits de l'homme depuis la fin de la Seconde Guerre mondiale*. Thèse, Université de Paris, 1953. 304 p.

SCHWELB, E. « The influence of the Universal Declaration of Human Rights on International and National Law ». *Proceedings of the American Society of International Law*, April-May 1959.

SEIDL-HOHENVELDERN, J. « Die allgemeine Deklaration der Menschenrechte als Rechtsquelle ». *Juristische Blatter*, dez. 1951, pp. 553-559.

TCHIRKOVITC, S. « La Déclaration universelle et sa portée internationale ». *Revue générale de droit international public*. 1949, pp. 359-386.

The Universal Declaration of Human Rights, Standard of Achievement. New York : United Nations 1950, 1958, 1962.

« Three Experiments in the Spreading of Knowledge about the Universal Declaration of Human Rights : Cambridge, Grenoble, Upsala ». *International Social Science Bulletin*, 1953, n° 3, pp. 583-602.

TORRES-BODET, I. « Challenge to the Theatre : Disseminating and Explaining the Universal Declaration of Human Rights. » *Theatre Arts*, March 1950, p. 53.

TORRES-BODET, I. « La Unesco intenta convertir en realidad viva la Declaración Universal de Derechos del Hombre ». *El Correo de la Unesco*, diciembre de 1951, n° 12.

Unesco. *La Déclaration universelle des droits de l'homme.*

Documentation et conseils pédagogiques. Vers la compréhension internationale. Paris, Unesco, 1953. 91 p.

« Universal Declaration of Human Rights. What our schools can do. » School and Society, Sept. 1949.

USHER, D. « Thoughts on the Implementation of the Universal Declaration of Human Rights ». *Australian Outlook*, Sept. 1949, pp. 201-208.

VAN ASBECK, F.M. *The Universal Declaration of Human Rights and its Predecessors — (1679-1948)*. Leiden, Brill. 1949. 99 p.

برگزیده‌ی آثار جدیدتر در باره‌ی اعلامیه‌ی جهانی
و حقوق بشر به‌طور عام

AGI, M. *5 000 titres sur les libertés. Une sélection d'ouvrages disponibles en langue française*. Paris, Librairie des libertés, 1984, XII.3. 274 p.

AGI, M. *De l'idée d'universalité comme fondatrice du concept des droits de l'homme, d'après la vie et l'œuvre de René Cassin*. Nice, Éditions Alp'azur, 1980.

AGI, M. *René Cassin, fantassin des droits de l'homme.* Paris, Plon, 1979.

AGUDELO RAMIREZ, L.E. *Derechos humanos : revolución inconclusa*. Bogota, Asociación Colombiana Pro Derechos Humanos, 1979. 152 p.

AMNESTY INTERNATIONAL. *Droits de l'homme : Nations Unies et Unesco. Accords de base*. Drvyon hellénique, 1987. (en grec)

AULART, A. MIRKINE-GUETZEVITCH Boris. *Les déclarations des droits de l'homme*. Scientia Antiquariat/Verlag, 1967.

AURENCHE, G. *L'aujourd'hui des droits de l'homme*. Paris, Nouvelle Cité, 1980. Bibl. 265 p.

BALLALOUD, J. *Droits de l'homme et organisations internationales : vers un nouvel ordre humanitaire mondial*. Paris : Éditions Montchrestien, 1984. Bibl. 243 p.

BOUAMRANE C. *Le problème de la liberté humaine dans la pensée musulmane. Solution Mu'tazilite.*

CARR, E.H. MARITAIN J. *Human Rights : Comments and Interpretation.* London : A. Wingate, 1949. 287 p. (angl., fr., esp., it.). (A symposium edited by Unesco with introduction by Jacques Maritain). Fr. ed. Paris, Sagittaire. 1949. Sp. ed. Barcelona : Editorial Laia, 1976.

Colloque sur le développement et les droits de l'homme. Dakar, Nouvelles Éditions Africaines, 1979.

Conference of International Non-Governmental Organizations in Consultative Relationship (Categories A and B) with Unesco, 13th, Paris 1971. Draft Resolution on (i) public information concerning ratification of the human rights declaration (ii) teaching about the United Nations.

Droits de l'homme. Recueil d'instruments internationaux. Nations Unies, New York, 1988. v.a. *Human Rights. A compilation of International Instruments.* United Nations, New York, 1983.

Droit et morale humanitaire, 1re Conférence internationale, Paris, janvier 1987. BETTATI, M., KOUCHNER, B. *Le devoir d'ingérence*. Paris, Éd. Denoel, 1987.

DUCAMP, J.-L. *Les droits de l'homme racontés aux enfants,* Paris, Éditions Ouvrières, 1983. 168 p. (Coll. Enfance heureuse).

Fédération française des clubs Unesco/Ligue des droits de l'homme. *La conquête des droits de l'homme. Textes fondamentaux.* Textes choisis et commentés par LAGELEE G. et VERGNAUD J.-L. Paris, Le Cherche Midi Éditeur, 1988.

Formation à l'enseignement des droits de l'homme et de la paix pour les professeurs des écoles primaires, secondaires et professionnelles (4e Session internationale, Genève, 30 juin-5 juill. 1986). *Recueil de documents.* Genève, CIFEDHOP (Centre international de formation à l'enseignement des droits de l'homme et de la paix), 1988.

FRIEDMANN, J.R. ; SHERMAN, I.M. *Human Rights : An International and Comparative Law Bibliography.* Syracuse, Greenwood Press, 1985. 830 p.

HENKIN, A.H., *Human Rights ; the Internationalization of Human Rights.* Alpen aan den Rijn, Sijthoff and Noordhoff, 1979. 203 p. Bibl./Aspen Institute for Humanistic Studies (USA).

HUMANA, C. *World Human Rights Guide/Guide mondial des droits de l'homme*. London, Hutchinson, 1983. Paris, Buchet-Chastel, 1985. 224 p. cartes.

Human Rights in International Law : Basic Texts/Droits de l'homme en droit international : textes de base. Strasbourg, Conseil de l'Europe, 1985. 261 p. angl., fr./Council of Europe. Directorate of Human Rights.

The Human Right Internet Reporter. Human Rights Internet, Harvard Law School, Cambridge, Massachussets (USA).

Human Rights Network. London, Minority Rights Group, 1981. (Minority rights, folder 11). Bibl.

HUMPHREY, J. *Human Rights and the United Nations : A Great Adventure*. Dobbs Ferry, N.Y., Transnational Publishers, 1984. 350 p.

HUXLEY, Sir J.S. *Freedom and Culture*. Freeport, N.Y., Books for Libraries Press, 1971. 270 p. angl., fr.

Instruments internationaux de base concernant les droits de l'homme. Malta Foundation for International Studies, 1988. En maltais.

International Congress on the Teaching of Human Rights, Vienna 1978. *Human Rights Education and the Council of Europe : Stocktaking and Future Perspectives*. Council of Europe, Directorate of Human Rights, 10 Aug. 1978. 47 p. angl, fr.

LASKI, H.J. *Towards a Universal Declaration of Human Rights*. London, A. Wingate, 1949.

Manual de Derechos Humanos. Lima CELADEC, 1980. 228 p. Comisión Evangelica Latino Americana de Educación Cristiana *(Pérou)*.

MARIE, J.B. *La Commission des droits de l'homme de l'ONU*. Paris, Éditions Pedone, 1975. Bibl. Institut international des droits de l'homme (France).

MASSARENTI, L. *Pour mieux comprendre la Déclaration universelle des droits de l'homme*. Genève, Nouvelle édition, 1983.

MIRABEAU, V. de. *La science ou les droits et devoirs de l'homme*. Scientia-Antiquariat/Verlag 1970, 1774, 296 p.

MONTCHAN, A.P., *Prava tcheloveka i mejdunarodni otnochenia*. Naukă, Moscou, 1982, 144 p. En russe.

ONU, *Acte final de la Conférence internationale des droits de l'homme de Téhéran* (1968). 64 p.

ONU. *Annuaire des droits de l'homme.* N.Y.

ONU. *Textes des Nations Unies sur les droits de l'homme.* Bangkok, Sous-Comité pour les droits de l'homme et de la paix, 1987. En thai.

PETTMAN, R.R. *Teaching for Human Rights : Activities for Schools.* Victoria, Hodja, 1974. 176 p. illus. angl. bibl.

Pour que les droits de l'homme deviennent une réalité. Beyrouth, Centre d'action et d'information pour le développement et la compréhension internationale, 1988. En arabe.

La protection internationale des droits de l'homme. Bruxelles : Éd. de l'Université de Bruxelles, 1977. 206 p. (Étude de droit international et de droit pénal comparé, n° 8). Bibl.

RAMCHARAN, B.G. *Human Rights : Thirty years after the Universal Declaration.* The Hague M. Nijhoff, 1979. 274 p. bibl. (Commemorative volume on the occasion of the thirtieth anniversary of the Universal Declaration of Human Rights/International Forum on Human Rights).

RUBIN, L. *Universal Declaration of Human Rights in South Africa ; The Anatomy of a Racist Society.* Lusaka, International Exchange Fund, 1978. 56 p. bibl.

Secundo Aniversario de la Declaración Universal de Derechos del Hombre. Cuba Comisión nacional de la Unesco, 1950. 29 p. (Cuadernos de divulgación cultural, 3).

Seminar on Human Rights and their Promotion in the Carribbean, Bridgetown, *Barbados,* 1977. *Human Rights and Development. Report.* Bridgetown, Cedar Press. 1977.

TORRELLI, M. ; BAUDOIN R. *Les droits de l'homme et les libertés publiques par les textes.* Les Presses de l'Université du Québec, Montréal 1972. 387 p.

TRUYOL Y SERRA, A. *Los derechos humanos : declaraciones y convenios internacionales.* Madrid, Editorial Tecnos, 1982 (3ra ed.) 200 p. bibl.

Universal Islamic Declaration of Human Rights/Déclaration islamique des droits de l'homme. London, Islamic Council of Europe, 1981. 19 p. angl., ara., fr.

VASAK, K. *La Commission interaméricaine des droits de l'homme. La protection internationale des droits de l'homme sur le continent américain.* Paris, LGDJ, 1968.

VERDOODT, A. *Naissance et signification de la Déclaration universelle des droits de l'homme*. Préface de R. Cassin, Vice-Président de la Cour européenne. Éditions Nauwelserts Louvain-Paris, 1964. 384 p.

VILLEY, M. *Le droit et les droits de l'homme*. Paris, Presses Universitaires de France, 1983. 169 p.

VINCENSINI, J.-J. *Le livre des droits de l'homme : histoire et textes*. Paris, Robert Laffont, 1985. 347 p. bibl.

VINCENT, B. *Thomas Paine ou la Religion de la liberté*. Paris, Aublier, 1987. 406 p.

ZIVS, S., *Human rights : Continuing the Discussion*. Progress Publishers, Moscou, 1980, 188 p.

شده است. این گلچین که تاکنون به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، یونانی، ژاپنی، ایتالیایی و پرتغالی ترجمه شده به همت ژان هرش، فیلسوف و نویسنده‌ی آثار متعدد فراهم آما ، که طی دوسال مدیر بخش فلسفه در یونسکو بوده است.

در این کتاب که حاصل تمام فرهنگ‌ها است، از خلال همه‌ی انواع، از تراژدی تا افسانه، از متن قانونی تا ضرب‌المثل، از تحلیل سیاسی تا دعای دینی و از کتیبه‌ی آرامگاه تا ترانه، موضوعات اساسیِ الهام‌بخشِ اعلامیه‌ی جهانی بازیافته می‌شود: شخص بشر، پیوندهایش با دیگری؛ توجهات ویژه‌ی ضروری برای افراد بی‌دفاع؛ حکومت، محدودیت‌ها و شرایط مشروعیت آن، آزادی مدنی و حقوق بیان؛ حقوقِ اجتماعی، آموزش و پرورش، علم و فرهنگ؛ استقلال و هویت ملی... در این کتاب فقط متن‌های آموزنده نیامده: بعضی از مطالب آن شکایت‌ها یا فریادهای اعتراضِ کسانی است که حرمت‌شان زیرپا گذاشته شده است.

حق انسان بودن اثری است که با دقت و وسعت نظر در مورد این مطالبه‌ی اساسی بشر تهیه شده که زندگی‌ای در خور انسان داشته باشد.

حق انسان بودن: گلچین جهانی آزادی است.

این مجموعه‌ی متن‌ها زیرنظر ژان هرش گردآوری و تدوین شده است:

Le droit d'être un homme: Anthologie mondiale de la liberté Recueil de textes préparé sous la direction de Jeanne Hersch Unesco / J. – C Lattès, réimpression 1984, 1990.

ISBN 92-3-202193-5, 588 p., illustr.

1956

The Race Question in Modern Science. Paris, Unesco ; New York, Whiteside, 373 p. New material : 1975.

1958

Le bouddhisme et la question raciale. George Peiris Malalasekera ; Kulatissa Nanda Jayatilleke. Paris, Unesco, 73 p. (The Race Question and Modern Thought). English, French.

Race et civilisation. Michel Leiris. Paris, Unesco. 44 p. (The Race Question in Modern Science). English, French, Chinese, Dutch, German, Hindi, Italian, Malagasy, Thai.

Minorities in the New World. Charles Wagley. Six case studies by C. Wagley and Marvin Harris. New York-London, Columbia University Press.

Race et société. Kenneth L. Little. Paris, Unesco, 56 p. (The Race Question in Modern Science). English, French, Malagasy.

1959

L'éducation pour la compréhension internationale — Exemples et suggestions à l'usage des maîtres. Paris, Unesco. 116 p. English, French, Spanish.

Race, Prejudice and Education. Harold Cyril Bibby. London, Heinnemann. 90 p. English, French, Hebrew, Hindi, German, Dutch.

Treaty-Making Power of International Organizations. J.W. Schneider. Geneva ; Paris, Droz, Minard, 151 p.

1960

Perspectives pour les cinq années 1960-1964. Rapport d'ensemble sur l'évaluation de la portée des tendances et du coût des programmes des Nations Unies, de l'OIT, de la FAO, de l'Unesco... dans les domaines économique et social et dans celui des droits de l'homme. Genève, Nations Unies. 133 p. French, English, Spanish.

Le racisme devant la science. Paris, Unesco ; Gallimard. 544 p. 2e éd. complétée 1973.

Race Relations and Mental Health. Marie Jahoda. Paris, Unesco. 48 p. (The Race Question in Modern Science). English, French.

The Jewish People : a Biological History. Harry L. Shapiro. Paris, Unesco. 2nd impression 1963. 84 p. (The Race Question in Modern Science). English, French, Portuguese.

1961

The Universal Declaration of Human Rights. Essays based on addresses delivered at the 12th Summer School of WFUNA, Palais des Nations, Geneva, July 1958. Geneva, Sprint. 39 p.

1962

Equality of Rights between Races and Nationalities in the USSR. Ivan Petrovic Tsamerian ; S.L. Ronin. Paris, Unesco. 106 p. (Race and Society). English, French.

Contre les discriminations : pour l'égalité devant l'éducation. Pierre Juvigny. Paris, Unesco, 81 p. French, English, Spanish.

1963

Los derechos humanos, la teoria de las necesidades, el proyecto de la Unesco y la alianza para el progreso. Jorge Castro Harrison. Lima, GUE « Bartolome Herrera », 70 p.

1964

La défense des droits de l'homme en Amérique Latine (XVIe au XVIIIe siècle). Silvio Zavala. Paris, Unesco, 65 p. (Race and Society). English, French, Spanish.

1965

L'éducateur devant le racisme. Traduit et adaptée par le Centre de liaison des éducateurs contre les préjugés raciaux. Paris, Unesco ; Nathan. 108 p.

Recherches en matière de relations raciales. Paris, Unesco, 265 p. (Current Social Issues). English, French.

Industrialization and Race Relations : A Symposium, London-New York, Oxford University Press, 285 p. Compilation undertaken by the Institute of Race Relations in consultation with Unesco.

1966

La Educación y Las Relaciones Raciales. Cybil Bibby. Buenos Aires, Comisión Nacional de la República Argentina para la Unesco. 120 p.

1967

Les sciences sociales dans l'enseignement supérieur : droit international. René-Jean Dupuy, Paris, Unesco, 152 p. (Teaching in the Social Sciences). English, French.

Apartheid : ses effets sur l'éducation, la science, la culture et l'information. Paris, Unesco, 205 p. Second edition 1972 revised and enlarged. English, French, Italian, Russian.

1968

L'analphabétisme et les droits de l'homme. Publié à l'occasion de l'Année internationale des droits de l'homme : 1968. Paris, Unesco. 14 p. Illus. English, French, Spanish.

Le droit d'être un homme. Anthologie mondiale de la liberté. Recueil de textes préparé sous la direction de Jeanne Hersch. Paris, Unesco, 1968. 591 p. Illus. English, French, Spanish, Italian, Japanese. Nouvelle édition 1984.

Droit international public. Le droit des organisations internationales. Suzanne Bastid. Paris, Les Cours de droit, 333 p.

Quelques suggestions pour un enseignement sur les droits de l'homme. Paris, Unesco, 155 p. English, French, Spanish.

1969

Les institutions spécialisées des Nations Unies et les droits de l'homme. Louise Marjory Goodenough. Paris, Université de Paris, 215 p.

Mezdunarodno-Pravovye Problemy Junesko. K.P. Rubanik. Moscow, Mezdunarodnye Otnosenija. 166 p.

Problèmes de protection internationale des droits de l'homme. René Cassin. Paris, Pédone, 482 p.

Le rôle de l'Unesco dans l'éducation de la jeunesse dans le respect des droits de l'homme et des libertés fondamentales. Hanna S. Saba. Paris, Pédone. p. 275-284, *in Amicorum discipulorumque liber I : problèmes de protection internationale des droits de l'homme*.

1970

Les droits culturels en tant que droits de l'homme. Paris, Unesco, 125 p. (Studies and Documents on Cultural Policies). English, French, Portuguese, Spanish.

L'islam et la question raciale. 'Abd-al-'Aziz 'Abd-al-Qadir Kamil. Paris, Unesco 65 p. (The Race Question and Modern Thought). English, French, Arabic.

1971

Informatique et les libertés. Genuys F. Gallouedec. Paris, Documentation française. p. 1-48. Collection PPS.

Organisations internationales et sanctions internationales. David Ruzie. Paris, Colin. 224 p.

1973

Comparabilité des diplômes en droit international. René-Jean Dupuy ; Gregory Tunkin. Paris, Unesco. 75 p. (Studies on International Equivalencies of Degrees). English, French.

Le racisme devant la science. New edition. Paris, Unesco, 385 p. 1st edition published in 1960.

1974

Cultural Rights. Imre Szabo. Leiden, Sythoff. 116 p.

Massovaja Informacija : Mezdunarodnoe Pravo. Iurii Mikhailovich Kolosov. Moscow. Mezdunarodnije Otnosenija. 168 p.

La Problematica y la Ensenanza de Las Naciones Unidas, ONU y de la Unesco. Teodoro Lascaris Commeno. Valencia (Venezuela), Universidad de Carabobo. 220 p.

Race as News. Paris, Unesco. 173 p.

Le racisme et l'apartheid en Afrique australe : Afrique du Sud et Namibie. Anti-Apartheid Movement (UK). Paris, Unesco, 156 p. Illus. Maps. English, French.

Deux études sur les relations entre groupes ethniques en Afrique : Sénégal, la République unie de Tanzanie. Paris, Unesco. 156 p. Illus. English, French, Spanish.

1975

Lois et traités sur le droit d'auteur. Supplément 1973. Paris, Unesco, Librairie générale de droit et de jurisprudence ; Genève, OMPI. 1 012 p.

Mise en œuvre des droits économiques, sociaux et culturels : problèmes politiques, progrès. Manouchehr Ganjid. New York, United Nations. 345 p.

Race, Science and Society. Leslie Clarence Dunn ; Nikolaj Petrovich Dubinin ; Claude Levi-Strauss ; Michel Leiris ; Otto Klineberg ; André Beteille ; E.U. Essien-Udom ; Gien Tjwan Go ; John Rex ; Max Gluckman ; Leo Kuper. 2nd edition. Paris, Unesco ; London, Allen and Unwin ; New York, Columbia University Press. 370 p. *1st édition. The Race Question in Modern Science, 1956. Includes Statement on Race, 1950. Statement on the Nature of Race and Race Differences, 1951. Proposals on the Biological Aspects of Race, 1964. Statement on Race and Racial Prejudice, 1967.*

Le racisme et l'apartheid en Afrique australe : Rhodésie. Ouvrage de référence. Reginald Austin. Paris, Unesco, 122 p. English, French.

Les femmes, l'éducation et l'égalité : dix années d'expérience. Mary Pilain ; Ann Calkins. Paris, Unesco. 108 p. English, French, Spanish.

1976

Le monde en devenir : réflexions sur le nouvel ordre économique international. Paris, Unesco. 137 p. English, Arabic, French, Russian, Spanish.

Mucheke : Race, Status and Politics in a Rhodesian Community. A.K.H. Weinrich. Paris, Unesco. 278 p.

La Unesco y el Ano Internacional de la Mujer. Madrid, 35 p.

1977

Ethnicity and the Media ; an Analysis of Media reporting in the United Kingdom, Canada and Ireland. James Dermot Halloran ; Charles Critcher ; Margaret Parker ; Ranjit Sondhi ; T. Jospeh Scanlon ; Philip Elliot. Paris, Unesco. 376 p. (Race, Ethnicity and the Media).

Race and Class in Post-Colonial Society. A study of ethnic group relations in the Englishspeaking Caribbean, Bolivia, Chile and Mexico. Paris, Unesco (Collective work). 458 p. English, Spanish.

Human Rights Aspects of Population Programmes, with Special Reference to Human Rights Law. Paris, Unesco. 154 p. English, French, Spanish.

Namibia : the Effects of Apartheid on Culture and Education. Marion O'Callaghan. Paris, Unesco. 169 p.

Southern Rhodesia : the Effects of a Conquest Society on Education, Culture and Information. Reginald Austin ; Marion O'Callaghan. Paris, Unesco, 293 p.

Comprendre pour agir : l'Unesco face aux problèmes d'aujourd'hui et aux défis de demain. Paris, Unesco. 363 p. English, French, Spanish.

1978

Les dimensions internationales des droits de l'homme. Manuel destiné à l'enseignement des droits de l'homme dans les universités. Rédacteur général : Karel Vasak. Paris, Unesco. 780 p. English, French, Spanish, Japanese, Portuguese.

Biologie et éthique. Bruno Ribes. Paris, Unesco. 200 p. English, French, Spanish.

L'Unesco et le droit à l'éducation. Dominique Sioen. Paris, Université de Paris II, 233 p.

1979

Déclaration sur la race et les préjugés raciaux. Adoptée par la Conférence générale de l'Unesco à sa vingtième session, Paris, 27 November 1978. Paris, Unesco. 47 p. English, French, Arabic, Russian, Spanish.

Table ronde sur l'apartheid. Paris, Unesco. 100 p. English, French.

Vers un nouvel ordre économique international. Mohammed Bedjaoui. Paris, Unesco. 287 p. (New Challenges to International Law, 1). English, French, Arabic, Spanish.

Le droit de l'enfant à l'éducation. G. Mailaret (ed.). 258 p. Paris, Unesco. English, French, Spanish.

Trends in Ethnic Group Relations in Asia and Oceania. Paris, Unesco. 292 p. (Race and Society). Collective work.

De la concertation au consensus. Amadou-Mahtar M'Bow, Directeur général de l'Unesco. Paris, Unesco. 198 p. English, French, Spanish.

La situation de la femme au Zimbabwe avant l'indépendance. Paris, Unesco. 143 p. English, French, Spanish.

1980

L'apartheid : pouvoir et falsification historique. Marianne Cornevin. Paris, Unesco. 144 p. (Insights, 3). English, French, Spanish.

La charte culturelle européenne : études préliminaires. Strasbourg, Council for Cultural Co-operation. 100 p. English, French.

Congrès international sur l'enseignement des droits de l'homme. Vienne, 1978. Documents de travail et recommandations. Paris, Unesco. English, French.

Liberté, égalité, fraternité ou les fluctuations d'une devise. Gerald Antoine. Paris, Unesco, 186 p.

Studies on Women in Southeast Asia. Leela Dube. Unesco Regional office, Bangkok. 78 p.

Women in the Media. Paris, Unesco. 120 p.

Paix sur la terre : anthologie de la paix. Paris, Unesco. 235 p. English, French.

La guerre ou la paix ? Paris, Unesco. 241 p. (Tribunes internationales, 2). English, French.

Sociological Theories : Race and Colonialism. Paris, Unesco. 499 p.

La naissance de l'état par la guerre de libération nationale : le cas de la Guinée Bissau. Paulette Pierson-Marthy. (Nouveaux défis au droit international, 2). Paris, Unesco, 155 p.

Pour un monde à la mesure de l'homme. Napoléon Leblanc ; Chams Eldine El-Wakil ; Pope John Paul II. Paris, Unesco, 55 p.

1981

Apartheid and Social Research. John Rex. Paris, Unesco, 199 p.

Le concept d'organisation internationale. Georges Abi-Saab. Paris, Unesco 245 p. English, French.

A Diagnostic Analysis of the Education System in Namibia. A. Mauno Mbamba : Paris, Unesco, IIEP, 86 p. (IIEP Occasional Papers, 58).

Anti-development: South Africa and its Bantustans. Donald Moerdijk. Paris, Unesco. 194 p.

Droits de l'homme : questions et réponses. Leah Levin. Paris, Unesco. 86 p. Illus. English, French, Arabic, Spanish, Finnish, Swedish, Portuguese, Greek.

Reporting from Southern Africa. Western News Agencies reporting from Southern Africa. Phil Harris. Paris, Unesco. 168 p. English, Spanish.

1982

Célébration du centenaire de la naissance de Jacques Maritain 1882-1973. Paris, Unesco. 42 p.

Childhood Inequalities and Development. Paris, Unesco ; Doha, University of Qatar. 233 p.

Les travailleurs immigrés en Europe : quel statut ? Éric-Jean Thomas. Paris, Unesco, 245 p. (Collective work). English, French.

Le droit à la communication : rapport sur l'état de la question. Desmond Fisher. Paris, Unesco. 55 p. (Reports and papers on mass communication, 94). English, French, Arabic, Spanish.

Le droit à la communication : rapport sur l'état de la question. Daniel Haag. Paris, Unesco. 175 p. (Studies and Surveys in Comparative Education). English, French, Spanish.

Science et racisme : un mariage contre nature. Philippe Lefait. Paris, Unesco. 35 p. English, French, Spanish.

Prix Unesco de l'éducation pour la paix 1981. Pari, Unesco, 1982 et années suivantes. Français, Anglais, espagnol.

1983

Déclaration universelle des droits de l'homme et réalités sud-africaines. Marion Raoul. Paris, Unesco. 215 p. French, Spanish.

Women's Studies and Social Sciences in Asia. Unesco Regional Office, Bangkok.

Droits de solidarité, droits des peuples. Saint-Marin, Secrétariat d'État aux affaires étrangères. Commission nationale de Saint-Marin pour l'Unesco. 173 p.

Educatión, Etnias y Descolonización en América latina : Una Guia para la Educación Bilingue Intercultural. Memesio J. Rodriguez ; Elio K. Masferrer ; Paul Vargas Vega. Santiago, Orealc ; Mexico City, Instituto Indigenista Interamericano. 2 vol.

History in Black and White : An Analysis of South African School History Textbooks. Elizabeth Dean ; Paul Hartmann ; May Katzen. Paris, Unesco. 137 p. English, Spanish.

Les droits de l'homme dans la ville. Paris, Unesco. 169 p. English, French.

Encuesta Sobre la Disponibilidad de Información y Documentacion de Derechos Humanos en América latina y el Caribe. Huridocs.

Racisme, science et pseudo-science. Actes du colloque en vue de l'examen critique des différentes théories pseudo-scientifiques invoquées pour justifier le racisme et la discrimination raciale. Athènes, Grèce, 1981. Paris, Unesco. 158 p. English, French, Spanish.

1984

Violations des droits de l'homme : quel recours, quelle résistance ? Réunion d'experts pour analyser les formes et les fondements de l'action individuelle et collective permettant de s'opposer aux violations des droits de l'homme, Freetown, Sierra Leone, 1981. Paris, Unesco. 236 p. English, French, Spanish.

Teaching for International Understanding ; Peace and Human Rights. Norman J. Graves ; O. James Dunlop ; Judith V. Torney-Purta. Paris, Unesco 1984. 244 p.

Social Science Research and Women in the Arab World. Paris, Unesco. 175 p. Collective work.

Hope for the Future. Paris, Unesco. 217 p. English, French, Spanish.

L'Unesco au seuil des années 80. Rapport annuel 1978. Paris, Unesco. 93 p.

Les Nations Unies et la formation du droit : relativisme culturel et idéologique et formation du droit international pour une époque de transition. Edward McWhinney. New York, Holmes and Meier ; Paris, Unesco. 274 p. (New Challenges to International Law, 3). English, French.

Women in the Villages, Men in the Towns. Women in a World Perspective. Paris, Unesco, 300 p.

1985

Femmes au pays : effets de la migration sur les femmes dans les cultures méditerranéennes. Paris, Unesco. 188 p.

Becoming Aware : Human Rights and the Family. A study based on four communication campaigns. Margaret Gallagher. Paris, Unesco. 103 p.

1986

La communauté internationale entre le mythe et l'histoire. René Jean Dupuy. Paris, Unesco, Economica, 182 p.

Les dimensions internationales du droit humanitaire. Richard R. Baxter ; Claude Pilloud. Paris, Unesco, Pedone ; Geneva, Institut Henry-Dunant. 360 p.

Les fondations philosophiques des droits de l'homme. Paris, Unesco. 340 p. Collective work.

New Religious Movements and Rapid Social Change. James A. Beckford (ed.). London, Sage ; Paris, Unesco. 245 p.

Sociedad y Derechos Humanos. Luis Barriga Ayala (ed.). Caracas, URSHSLAC-Unesco. 290 p.

Endgame in South Africa ? The Changing Structures and Ideology of Apartheid. Robin Cohen. Paris, Unesco ; London, James Currey. 108 p.

Mass Media and the Minorities. Bangkok, ROEAP. 130 p. (Social and Human Sciences in Asia and the Pacific). RUSHAP series on occasional monographs and papers, 17.

The Teaching of Contemporary World Issues. Robert Harris (ed.) ; Carole Hahn (ass. ed.). Paris, Unesco, 199 p. Collective work. Joint project Unesco/WCOTP. English, Spanish.

1987

The Treatment of Prisoners under International Law. Nigel Rodley. Oxford Clarendon Press/Unesco, Paris, 374 p.

Extrait du document de référence SHS-87/CONF/401/COL. 9 — « Human Rights Documentation, Data Bases and Bibliographies » préparé en anglais par la Division des droits de l'homme et de la paix (pour le Congrès international

sur l'enseignement, l'information et la documentation en matière de droits de l'homme, Malte, 31 août-5 septembre 1987). pp. 21 à 30 — 71 p.

Environnement et droits de l'homme. Pascale Kromarek, Directrice de publication. Paris, Unesco, 178 p.

۱۹۸۸

Fighting Apartheid — A Cartoon History. IDAF/Unesco, Paris, 76 p.

Human Rights : Questions and Answers. Indonesian revised version. PT Pradnya Paramita, Jakarta, 98 p.

Répertoire mondial des institutions de recherche et de formation sur les droits de l'homme. First edition, Berg/Unesco, Paris, 216 p.

Bulletin *Enseignement des droits de l'homme*, vol. V, 1986, Unesco, Paris, 91 p.

Bulletin *Human Rights Teaching*, vol. VI, 1987, Unesco, Paris, 186 p.

Répertoire mondial des institutions de recherche et de formation sur la paix. Paris, Unesco.

۱۹۸۹

Dimensions internationales du droit humanitaire. Institut Henry Dunant/Unesco/Martinus Nijhoff Publishers, Paris, 328 p. Français, anglais.

No Distant Millennium. The International Law of Human Rights. John Humphrey — Unesco Press, 204 p.

Human Rights : Questions and Answers, updated/revised English version, Unesco Press.

Bulletin *Enseignement des droits de l'homme*, vol. VI, 1987, Paris, Unesco, 184 p. French.

نشریه‌ها و خبرنامه‌های سازمان‌های غیرحکومتی درباره‌ی حقوق بشر

ALDHU : Boletin informativo. Asociación Latino Americana para los Derechos Humanos (ALDHU), Quito, Ecuador. In Spanish.

Amnesty International Newsletter. Amnesty International, London. In English.

Anti-Slavery Reporter. Anti-Slavery Society for the Protection of Human Rights (ASSPHR), London. In English.

Asia Link. Centre for the Progress of Peoples, Kowloon, Hong Kong. Background Information. Commission of the Churches on International Affairs, Geneva. Occasional. In English.

Boletin del MOVIP (Movimiento par la Vida y la Paz), Buenos Aires, Argentina. In Spanish.

Boletin por el Imperio del Derecho. Comisión Andina de Juristo, Lima. In Spanish.

Boletin Informativo. Asociación Costarricense Haitiana, Costa Rica. In Spanish.

Boletin Informativo : Guatemala — Communicado de Prensa. Comisión de Derechos Humanos de Guatemala. Mexico DF. In Spanish.

Boletin Informativo Honduras. Centro de Documentación de Honduras, Tegucigalpa, Honduras. In Spanish.

Boletin Informativo Sobre Asuntos Migratorios y Fronterizos. Centro de Información para Asuntos Migratorios y Fronterizos, Comité de Servicio de los Amigos, Mexico DF. In Spanish.

Boletin Informativo Internacional. Comisión Chileno de Derechos Humanos, Santiago, Chile. In Spanish.

Boletin de Prensa. Comite Permanente por la Defensa de los Derechos Humanos, Bogotó, Colombia. In Spanish.

Brecha : Boletin Informativo. Comisión para la Defenso de la Derechos Humanos en Centro-américa, San José, Costa Rica. In Spanish.

Bulletin : Le droit au service de l'homme. Le correspondant cisjordanien de la Commission internationale de juristes, Ramallah, Cisjordania, via Israel. In French.

Bulletin de l'IDERIC (Institut d'études et de recherches interethniques et interculturelles), Nice, France. In French.

Bulletin d'information du bureau international catholique de l'enfance (BICE). Geneva, Switzerland. In English and in French.

Bulletin. Lawyer's Committee for International Human Rights, New York. In English.

Bulletin. Stichting Mensenrechten Gröningen, Gröningen, Netherlands. In German.

Bulletin. Standing International Forum on Ethnic Conflict, c/o International Peace Research Institute, Oslo. In English.

Bulletin CEDRI. Comité européen pour la défense des réfugiés et immigrés. Basle, Switzerland. In French.

Bulletin francophone de liaison et de documentation sur les droits de l'homme. Association internationale de consultants en droits de l'homme, Geneva. In French.

Bulletin d'information — informationsblatt. Swiss Committee against Torture, Geneva. In French and German.

Bulletin trimestriel de Pax Christi international. Antwerp, Belgium. In French.

CELS (Centro de Estudios Legales y Sociales) *Boletin*. Buenos Aires, Argentina. In Spanish.

Centre for the independence of judges and lawyers bulletin. International Commission of Jurists, Chêne-Bougeries, Switzerland. In English, French, Spanish.

CHOMI Reprints. Clearing House on Migration Issues. Richmond, Victoria, Australia. In English.

Canada Asia Currents. Canada Asia Working Group, Toronto. In English.

Chaqui del Corsudh Boletin. Consejo Regional sur Peruano de Defensa de los Derechos Humanos, Cusco, Peru. In Spanish.

Clearing House Report on Science and Human Rights. American Association for the Advancement of Science. Washington DC. In English.

CODEHUCA/Centro de documentacion. Documentación sobre Derechos Humanos. San José, Costa Rica. In Spanish.

Compass. Newsletter of the Society for International Development. Rome, Italy. In English.

Contact-O. INTERDOC Bulletin. New Delhi, India. In English.

Courrier de l'ACAT. Action des Chrétiens pour l'abolition de la torture, Paris. In French.

Cri des hommes. Fédération internationale de droits de l'homme. Paris. In French.

Cultural Survival Quarterly. Cultural Survival, Cambridge. In English.

Dalit Voice : The voice of the persecuted minorities. Bangalore, India. In English.

Derechos del Pueblo. Comisión Ecumenica de Derechos Humanos. Bi-monthly publication. Quito, Ecuador. In Spanish.

Derechos humanos. Asociación pro Derechos Humanos de Espana, Madrid. In Spanish.

Dialogo. Comité Ecuménico pro Derechos Humanos, San José, Costa Rica. In Spanish.

Echo. World Confederation of Organizations of the Teaching Profession, Morgues, Switzerland. In English and Spanish.

École et Paix. Association mondiale : École instrument de paix, Geneva. In French.

Economic and social bulletin. International Conference of Free Trade Unions, Brussels. In English and French.

Facts and Reports : Press cuttings on southern Africa. Holland Committee on South Africa, Amsterdam. In English.

Free Labour World. International Confederation of Free Trade Unions, Brussels. In English.

Freedom at issue. Freedom House, New York. In English.

GDR Committee for Human Rights : Bulletin. GDR Committee for Human Rights, 1080 Berlin. In English and German.

Hasta Encontrarlos : Boletin Informativo. Federación Latinoamericana de Asociaciones de Familiares de Detenidos Desaparecidos (FEDEFAM), Caracas. In Spanish.

Hommes et Libertés. Ligue des droits de l'homme, Paris. In French.

Human Rights/Droit de la personne. Canadian Human Rights Foundation Newsletter. Montreal, Canada. English/French version.

Human Rights Forum. Indonesian Legal Aid Foundation, Institute for Economic and Social Research, Education and Information. Jakarta, Indonesia. In English.

Human Rights : Newsletter. Canadian Human Rights Foundation, Montreal, Canada. In English and French.

Human Rights News. National Council of Churches in Korea. Seoul. In English.

Human Rights Research and Education Bulletin. Human Rights Centre, University of Ottawa, Ottawa. In English and French.

Human Rights in Thailand Report. Co-ordinating Group for Religion in Society, Bangkok. In English.

Human Rights Update. Newsletter of the Human Rights Unit of the Commonwealth Secretariat. London. In English.

Human Rights Watch. Americas Watch ; Helsinki Watch ; Lawyers' Committee for International Human Rights, New York. In English.

ICJ Bulletin. International Commission of Jurists, Geneva. In English and French.

ICJ Newsletter. International Commission of Jurists, Geneva. In English.

ICMC Newsletter. International Catholic Migration Commission, Geneva. In English.

IDOC Internazionale. IDOC Internazionale, Rome. In English, French and Italian.

IFDA Dossier. Published every other month by the International Foundation for Development Alternatives, Nyon, Switzerland. In English, French and Spanish.

Intworlsa Bulletin. International Third World Legal Studies Association. New York. In English.

IPI Report. International Press Institute, London. In English.

IWGIA Newsletter. International Work Group for Indigenous Affairs, Copenhagen. In English.

Index on Censorship. Fund for Free Expression, Arts Council of Great Britain, London. In English.

Indian News of the Americas. Inter-American Institute, Mexico DF. In English.

Informe Mensual. Arzobispado de Santiago, Santiago, Chile. In Spanish.

Informe Mensual : Situacion de Los Derechos Humanos en Chile. Comisión Chileno de Derechos Humanos, Santiago, Chile. In Spanish.

International Children's Rights Monitor. Defence for Children International, Geneva. In English.

International Review of Contemporary Law. International Association of Democratic Lawyers, Brussels. In English and French.

International Trade Union News. International Confederation of Free Trade Unions, Brussels. In English.

Justicia y Paz. Revista de Derechos Humanos. Mexico DF. In Spanish.

Justitia et Pax Info. Commission Justitia et Pax, Paris. In French.

Justice and Service News. World Council of Churches, Geneva. In English.

Law Group Docket, The. International Human Rights Group, Washington DC. In English.

Lawasia Human Rights Bulletin. Law Association for Asia and the Western Pacific, Sydney, Australia. In English.

Lettre de la FIDH. Fédération internationale des droits de l'homme, Paris. In French.

Lettre d'information. France Terre d'Asile. Paris. In French.

Lome Briefing. Liaison Committee of Developments NGOs to the European Communities. Brussels. In English.

Menschenrechte. Internationale Gesellschaft für Menschenrechte, Frankfurt an Main. In German.

Migration News. International Catholic Migration Commission. Geneva. In English.

Newsletter. Arab Organization for Human Rights. A semi-periodical. Giza, Egypt. In Arabic and in English.

Newsletter. Civil Rights League, Clarement, South Africa. In English.

Newsletter. Center for the Study of Human Rights, Columbia University, New York. In English.

Newsletter. International Helsinki Federation for Human Rights, Vienna. In English.

Newsletter. World Federation for Mental Health. Baltimore, Maryland, USA. In English.

Paz y Justicia : Sumario de Derechos Humanos. Servicio Paz y Justicia, Montevideo. In Spanish.

The Philippines Human Rights Update. Monthly. Task Force Detainees of the Philippines, Quezon City, Philippines. In English.

Refugees and Human Rights Newsletter. Church World Service Immigration and Refugee Program, New York. In English.

Revista Chilena de Derechos Humanos. Academia de Humanismo Cristiano, Santiago, Chile. In Spanish.

Rights and Humanity. The Journal of Rights and Humanity, a New International Humanitarian Initiative. London. In English.

Sim Newsletter. Netherlands Institute of Human Rights, Utrecht. In English and Dutch.

SOS Torture. CIL, Geneva, Switzerland. Published every two months. English/French version.

Survival International for the Rights of Threatened Tribal Peoples. Survival International, London. In English.

Timor Link. Catholic Institute for International Relations, London. In English.

Transnational Perspectives. Transnational Perspectives, Geneva. In English.

Up to Date. International Medical Commission for Health and Human Rights, Geneva. In English.

نشرنی منتشر کرده است:

اگر فرزند دختر دارید...

جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شکل‌گیری شخصیت در دخترها
النا جانینی بلوتی
ترجمهٔ محمدجعفر پوینده
۲۲۴ ص، رقعی.

نویسندهٔ این کتاب، خانم النا جانینی بلوتی از سرآمدان عرصهٔ تعلیم و تربیت در ایتالیاست که مدیریت «زایشگاه مونته‌سوری» را از آغاز برعهده داشته است. خانم بلوتی علاوه بر تجربهٔ عملی گسترده، آثار بسیاری منتشر کرده و کتاب «اگر فرزند دختر دارید...» معروف‌ترین اثر این مربی بزرگ است که در ۴ فصل تأثیر اوضاع و احوال اجتماعی را در دوران کودکی تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی و به‌ویژه عوامل تربیتی و فرهنگی، چگونه کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را در ذهن و رفتار کودکان رواج می‌دهند.

این کتاب، با توجه به دیدگاه عمیقاً انسانی و تبعیض‌ستیز خانم بلوتی، راهنمای مناسبی برای همه پدران و مادران، مربیان، معلمان، جوانان و یکایک افرادی است که خواستار شناخت و طرد اندیشه‌ها و اعمال تبعیض‌آمیز و ستم‌آلوده هستند و برای خود و همنوعانشان امروز و فردایی بهتر را آرزو دارند.

سپیده‌دمان فلسفه‌ی تاریخ بورژوایی
ماکس هورکهایمر
ترجمهٔ محمدجعفر پوینده
۱۶۰ ص، رقعی.

سپیده‌دمان فلسفه‌ی تاریخ بورژوایی، که همزمان با انتصاب هورکهایمر به ریاست مؤسسه‌ی تحقیقات اجتماعی فرانکفورت نوشته شده (۱۹۳۰)، آزمایشگاهی بود برای آشکارشدن «نظریه‌ی انتقادی» در پگاه زایش آن. هورکهایمر با ماکیاولی، هابز، یوتوپیاپردازان بزرگ دورهٔ رنسانس، ویکو و هگل تبادل‌نظر می‌کند. مسیری انتقادی که در پایان آن آشکار می‌گردد که راه به‌سوی حقیقت، بخشی از حقیقت است.

هورکهایمر به دور از بی‌طرفیِ تاریخمندی و خواست فروکاهندهٔ جامعه‌شناسیِ شناخت «به یک موضوعِ تاریخی نزدیک نمی‌گردد مگر هنگامی که با آن چونان جوهر فرد (موناد) برخورد کند.» (والتر بنیامین). فلسفه نمی‌تواند به ایده‌ئولوژی فروکاسته شود.

سپیده‌دمان فلسفه‌ی تاریخ بورژوایی، افزون بر افشای ابزارانگاری سیاسی ـ سیاست در مقام فن چیرگی بر انسانها، در تداوم برنامه‌ی غربیِ سلطه بر طبیعت ـ طرح تاریخ انتقادی عقل سیاسی را که از پیدایش دولت خودکامه جدایی‌ناپذیر است، ارائه می‌دهد.

فراخوان به عمل، مایه‌ی وحدت و توان این اثر است. هورکهایمر در همان حال که با متافیزیک و ذاتهای شی‌ءواره‌ی حاصلِ آن ـ هستی، روح، طبیعت یا تاریخ ـ مبارزه می‌کند از هشداردادن در مورد «فروتنی اندیشه» و بردباری ایده‌آلیسم دمی بازنمی‌ایستد.

«آن‌کس که شکیبایی در برابر رنج و مرگ را موعظه می‌کند، نباید از یاد ببرد که شکیبایی همگانی که رویاروی حرکت تاریخی می‌ایستد، دلیلی اساسی بر "ضرورت انتظارکشیدن" است.»

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) در مجمعِ عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

در فردای دومین جنگ جهانی، نویسندگان این اعلامیه خواستار ابلاغ این پیام بوده‌اند که: حقوق بشر باید در تمام دنیا رعایت شود تا به بنای صلح یاری رساند.

این کتاب تاریخچه‌ی نگارش اعلامیه ی جهانی حقوق بشر ومنازعات و مباحثات فکری مربوط به آن را عرضه می‌کند و با وجودی که برای عامه‌ی خوانندگان در نظر گرفته شده است، برای تمام علاقه‌مندان به رعایت حقوق بشر نکات و مباحث بسیار جالبی در بردارد و راهنمای مناسبی برای شناخت و ترویج حقوق بشر است.



۸۰۰ تومان

ISBN 964-312-400-2



طرح جلد: بهزاد بیانی